مناسک حج

فتاویٰ

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ

آقای حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک حج آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

نویسنده:

آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

ناشر چاپی:

مدینه العلم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک حج آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

مشخصات کتاب

سرشناسه : خوئی، ابوالقاسم ، ۱۳۷۱ - ۱۲۷۸

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج/ فتاوای ابوالقاسم موسوی خوئی

مشخصات نشر : قم: مدینه العلم، ۱۴۱۲ق. = ۱۳۷۰.

مشخصات ظاهری : ۴۱۱ ص.نمونه

شابک : بها:رایگان

موضوع : حج

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/خ ۹م ۸ ۱۳۷۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۱-۱۷۲۱

فهرست

۲ – وادی عتیق

۳ – جحفه

۴ – یلملم

۷ – منزل خود شخص

۹ – محاذات مسجد شجره

۱۰ – اَدنی الحل

کیفیت احرام

نیت، ی

تلبیه

پوشیدن دو جامهء احرام

تروك احرام

شکار حیوان صحرایی

کفّارات شکار

نزدیکی با زنان

بوسیدن زن

لمس زن

استمناء

عقد نکاح

استعمال بوی خوش

پوشیدن لباس دوخته بر مردان

سرمه کشیدن

نگاه کردن در آینه

پوشیدن چکمه وجوراب

دروغ ودشنام

جدال نمودن

کشتن جانور بدن

زینت نمودن

مالیدن روغن به بدن

جدا نمودن مو از بدن

پوشانیدن سر بر مردان

پوشانیدن رو بر زنان

زیر سایه رفتن مردان

بیرون آوردن خون از بدن

دندان کندن

۱ – شکار در حرم

۲ – کندن درخت و گیاه حرم

جای کشتن کفارات

طواف

نیت :

حیض شدن در عمره تمتع

حیضش هنگام احرام

از شرایط طواف، طهارت

واجبات طواف

نقص در طواف

زیادی در طواف

شک در عدد

مستحبات دیگر مکهء معظمه

طواف وداع

زیارت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از حج

زیارت حضرت صدیقه(علیها السلام)

زیارت جامعه

دعاء امام حسین(علیه السلام) در روز عرفه

دعاء امام زین العابدین(علیه السلام) در روز عرفه

*****مناسک حج (فارسی): ۱

*****مناسک حج (فارسی): ۲

*****مناسک حج (فارسی): ۳

پیش در آمد

(بسم الله الرحمن الرحیم)

مسائلی که در این جزوه درج شده مطابق نظر این جانب است وعمل به آن مجزی است انشاء الله تعالی.

محرم الحرام سنهء ۱۳۹۶ ه_ -

ابوالقاسم الموسوی الخوئی(رحمهء الله علیه)

*****مناسک حج (فارسی): ۴

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

*****مناسک حج (فارسی): ۵

مقدمه

(بسم الله الرحمن الرحیم)

(الحمدالله رب العالمين وَ صلى الله على خير خلقه وَ افضل بريته محمد عترتهء الطاهرين. وَ اللعنه الدائمه على أعدائهم أجمعين.)

و بعد، این رساله ای است در مناسک حج که اغلب مسائل مورد ابتلا را دربر دارد ورسالهء منظم ومرتبی است که فهمیدن ومراجعهء به آن آسان، ومستحبات را از واجبات جدا نموده ایم تا سبب اشتباه مؤمنان نگردد. وامیدواریم خداوند متعال این عمل را ذخیرهء آخرت ما قرار دهد.

*****مناسک حج (فارسی): ۶

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

*****مناسک حج (فارسی): ۷

وجوب حج

اشاره

بر هر مکلفی که دارای شرایط ذیل باشد، حج واجب است ووجوبش از کتاب وسنّتِ قطعی، ثابت شده. وحج یکی از ارکان دین ووجوبش از ضروریات است وترک آن با اعتراف به ثبوتش از گناهان بزرگ است، همچنان که انکار اصل فریضه در صورتی که مستند به شبهه نباشد کفر است. خداوند متعال در کتاب مجید خود فرموده { : [وَ للهِ عَلَى النّاس حِجّ الْبَیتِ مَنِ اسْتَطاعَ إلیهِ سَبیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإنَّ اللهَ غَنِیٌّ عَنِ العالَمینِ] ی } عنی خداوند متعال حج بیت را بر کسانی که مستطیع ومتمکن از رفتن به سوی او هستند، واجب فرموده وهر کس از این واجب رو

*****مناسک حج (فارسی): ۸

گردانده ومنکر آن شود، (به خود ضرر زده است) وخداوند از تمام موجودات بی نیاز است.

و شیخ کلینی(علیه الرحمه) به طریق معتبر از حضرت صادق (سلام الله علیه) روایت نموده که حضرت فرمود: هر کس از دنیا برود وحجهء الاسلام را بجا نیاورده باشد، بدون اینکه محتاج یا بیمار شده باشد که از آن باز ماند یا آن که حکومت از رفتنش جلوگیری

کرده باشد، چنین کس در حال مردن یهودی یا نصرانی خواهد بود.

این آی کریمه واین حدیث شریف در اهمیّت حج ووجوبش کافی است وروایات بسیاری در این دو موضوع وارد شده که این مختصر گنجایش آنها را ندارد واز جهت اختصار به همین قدر اکتفا شد.

بدان که حج واجب بر مکلف در اصل شریعت، یک مرتبه در تمام عمر است وآن را حجت

الاسلام می نامند.

مسأله ۱

وجوب حج پس از تحقق شرایطش فوری است وباید در سال استطاعت انجام شود، واگر کسی از روی نافرمانی وعصیان یا به جهت عذری آن را ترک کرد در سال آینده وهمچنین سالهای بعد واجب خواهد شد. وبعید نیست که تأخیر آن بدون عذر از گناهان کبیره باشد.

مسأله ۲

هرگاه استطاعت حاصل شد وبه جا آوردن حج متوقف بر مقدمات وتهیهء وسائلی بود، باید فوراً به تحصیل آن پرداخته وخود را آماده ومهیا نماید، وهرگاه قافله های متعددی باشد که یکی پس از دیگری حرکت می کنند، پس مکلف اگر اطمینان دارد با اولین قافله اگر حرکت ننماید، می تواند با قافلهء بعدی به حج برسد تأخیر جایز است، والا باید در اولین فرصت حرکت کند.

مسأله ۳

هرگاه متمکن از رفتن با اولین کاروان وقافله بود ونرفت به اعتماد اینکه با تأخیر نیز حتماً ترک خواهد کرد، ولی اتفاقاً با قافلهء بعدی نتوانست برود یا آن که به علت تأخیر، حج را درک ننمود حج بر ذمه اش واجب ومستقر خواهد بود، هر چند در تأخیر معذور باشد.

شرایط وجوب حج

شرط اول: بلوغ.

اشاره

پس بر غیر بالغ اگرچه نزدیک به بلوغ باشد حج واجب نیست. وچنان چه بچه ای حج کند جای حجهءالاسلام را نمی گیرد، هر چند حجش صحیح می باشد بنابر اظهر.

مسأله ۴

هرگاه نابالغ به حج رود وقبل از

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱

احرام از میقات بالغ شود ومستطیع باشد، حجش بی اشکال حجهءالاسلام خواهد بود. وچنان چه بعد از بستن احرام بالغ شود جائز نیست حجش را به عنوان استحباب تمام نماید یا عدول به حجهءالاسلام کند، بلکه واجب است به یکی از میقاتها رفته واز آن جا برای حجهءالاسلام احرام ببندد. وهر گاه متمکن از رفتن به میقات نباشد جای احرام بستن چنین شخصی تفصیلی دارد که بعداً بیان خواهد شد ان شاء الله.

مسأله ۵

هرگاه به عقید اینکه هنوز بالغ نشده حج استحبابی به جا آورد وبعد از ادای حج معلوم شد که بالغ بوده، این حج کافی از حجهء الاسلام می باشد.

مسأله ۶

طفل ممیز مستحب است حج نماید. ودر صحت آن اذن ولی معتبر نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲

مسأله ۷

مستحب است ولی طفل ممیز (خواه پسر خواه دختر باشد) او را محرم نماید، به این معنی که جامه های احرام را به او پوشانده واو را وادار به تلبیه گفتن نماید وتلبیه را به او تلقین کند، اگر قابل تلقین باشد، به این معنی که بتواند هرچه به او بگویند بگوید، والاـ خود به جای او تلبیه بگوید، وباز دارد او را از آنچه بر محرم لازم است از او اجتناب نماید. وجایز است کندن رخت او را تا رسیدن به «فخ» تأخیر بیندازد، اگر راهش از آن طرف باشد، واو را وادارد که آنچه از اعمال حج را می تواند به جا آورد، وآنچه نمی تواند خود به نیابت او به جا آورد، واو را دور خانهء خدا طواف داده بین صفا ومروه سعی دهد ودر عرفات ومشعر نیز وقوفش دهد ووادار کند رمی را شخصاً انجام دهد اگر بتواند، والا خود به جای او رمی کند. وهمچنین نماز طواف وتراشیدن سر وبقیهء

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳

اعمال.

مسأله ۸

نفقه (هزینهء) حج بچه، آنچه مازاد بر نفقهء عادی است بر ولی است نه بر خودش. بلی اگر حفظ بچه متوقف بر همراه بردن اوست به سفر، یا سفر مصلحت او باشد، جایز است از مال خودش خرجش کنند.

مسأله ۹

پول قربانی بچه بر ولی اوست، وهمچنین کفارهء شکار. واما کفاراتی که با به جا آوردن عمدی موجباتشان واجب می شوند، ظاهر این است که به بچه واجب نمی شود، نه بر ولی ونه در مال بچه.

شرط دوم : عقل

است. بر دیوانه هرچند اَدواری باشد، حج واجب نیست. بلی اگر در ماههای حج، دیوانه عاقل شد ومستطیع بود وتمکن از به جا آوردن اعمال حج داشت بر او واجب می شود، هرچند در اوقات دیگر دیوانه باشد.

شرط سوم : آزادی است. پس بر مملوک (غلام زر خرید) هر چند مستطیع ومأذون از قبل مولای خود باشد، حج واجب نیست. وهر گاه به اذن مولای خود حج نماید حجش صحیح است، ولی کفایت از حجهءالاسلام نمی کند وبعد از آزادی چنان چه دارای شرایط باشد باید دوباره حج نماید.

مسأله ۱۰

مملوکی که به اذن مولای خود حج نمود هرگاه در حج کاری را که موجب کفاره باشد انجام دهد، کفارهء آن بر مولایش خواهد بود در غیر شکار، ودر شکار بر خودش.

مسأله ۱۱

هرگاه مملوك به اذن مولای خود حج نموده وقبل از رفتن به مشعر آزاد شد، حجش کفایت از حجهءالاسلام می کند. بلکه ظاهر این است که وقوف به عرفات در حال آزادی نیز کفایت می کند هرچند مشعر را درك نکرده باشد. ودر اِجزاء آن

استطاعت حین آزادی معتبر است. پس اگر هنگام آزاد شدن مستطیع نباشد، حجش به جای حجهءالاسلام شمرده نخواهد شد. ودر حکم به اِجزاء فرقی بین اقسام حج نیست وهر یک از حج قران یا افراد یا تمتّع کفایت می کند، در صورتی که آنچه به جا آورده مطابق وظیفهء واقعی اش بوده است.

مسأله ۱۲

هرگاه آزادی بنده قبل از مشعر باشد، در حج تمتع قربانی بر وی می باشد. واگر تمکن نداشت عوض قربانی به دستوری که بعداً گفته خواهد شد روزه بگیرد. وچنان چه قبل از مشعر آزاد نشده باشد مولایش مخیر است که عوض او قربانی یا او را وادار به روزه نماید.

[شرط چهارم: استطاعت]

اشاره

شرط چهارم: استطاعت است. ودر آن چند چیز معتبر است:

اول: سِعهء وقت

، به این معنی که وقت کافی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶

برای رفتن به مکه وبه جا آوردن اعمال واجب در آن جا باشد. بنابراین اگر به دست آمدن مال وقتی باشد که برای این اعمال کافی نباشد، یا کافی باشد ولی با مشقت زیاد که عادهء تحمل نشود، واجب نخواهد بود ودر چنین صورت واجب است مال را تا سال بعد نگهداری نماید. پس اگر استطاعت باقی بود حج در سال بعد واجب خواهد بود والا واجب نیست.

دوم : امنیت وسلامتی

اشاره

، به این معنی که در رفتن وبرگشتن وبودن در آنجا، خطری بر جان ومال وناموسش نباشد، همچنان که مباشرت حج بر شخص مستطیعی که شخصاً نمی تواند به جهت پیری یا بیماری یا عذر دیگری به حج برود نیست، ولی نایب گرفتن بر او واجب است چنان که خواهد آمد.

مسأله ۱۳

اگر برای حج دو راه باشد یکی مأمون وبی خطر ودیگری غیر مأمون وبا خطر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷

وجوب حج ساقط نمی شود، بلکه واجب است از راه بی خطر برود هر چند دور باشد.

مسأله ۱۴

اگر در بلد خود مالی داشته باشد که به حج رفتن تلف شود، حج بر او واجب نخواهد بود وهمچنین است اگر چیزی باشد که شرعاً مانع از رفتن به حج باشد، همچنان که اگر حج رفتن سبب ترک واجب اهمّ از او شود، مانند نجات غریق یا نجات کسی از سوختن، یا آن که حجش متوقف بر این باشد که فعل حرامی انجام دهد که اجتناب از آن اهمِ از حج باشد که در تمام این صور حج واجب نیست.

مسأله ۱۵

هرگاه با اینکه حجش مستلزم ترک واجب اهم یا به جا آوردن فعل حرام باشد به حج رود، در این صورت هرچند از جهت ترک واجب یا فعل حرام معصیت کار می شود، ولی ظاهر این است

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸

که حجش مجزی از حجهء الاسلام خواهد بود، البته اگر شرایط دیگر را دارا باشد. وفرقی نیست بین کسی که حج از سالها قبل بر ذمه اش مستقر بوده وکسی که حج در همان سال استطاعت بر او واجب شده.

مسأله ۱۶

هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد، پرداخت مال واجب نیست ووجوب حج ساقط خواهد شد.

مسأله ۱۷

هرگاه راه حج منحصر به دریا باشد، وجوب حج ساقط نخواهد شد مگر در صورت ترس از غرق یا بیماری. وچنان چه با ترس از این چیزها حج نمود بنابر اظهر حجش صحیح خواهد بود.

شرط سوم : زاد وراحله

اشاره

است. ومعنی زاد، داشتن توشهء راه است که آنچه در سفر محتاج است

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹

داشته باشد یا پولی داشته باشد که توشهء خود را تهیه نماید. ومعنی راحله، داشتن وسیلهء سواری که بدان وسیله برود وبرگردد. ولازم است زاد وراحله لایق به حال شخص باشد.

مسأله ۱۸

داشتن راحله یا وسیلهء سواری مختص به صورت احتیاج نیست، بلکه مطلقاً شرط است هرچند محتاجش نباشد، مانند اینکه بدون مشقت قدرت پیاده روی داشته باشد، وپیاده روی هم منافی شرف وآبرویش نباشد.

مسأله ۱۹

میزان ومعیار در زاد وراحله، وجود فعلی آنهاست، وکسی که می تواند آنها را با کار وکاسبی تحصیل نماید حج واجب نیست. وفرقی در اشتراط راحله بین دور ونزدیک نیست.

مسأله ۲۰

استطاعتی که در وجوب حج معتبر است استطاعت از جایی است که در اوست نه

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰

از بلد ووطنش. پس هرگاه مکلف مثلاً برای تجارت یا غیر آن به مدینهء منوره یا جده رفت ودر آن جا دارای زاد وراحله یا قیمت آنها باشد که بتواند با آن حج نماید حج بر او واجب خواهد بود، هرچند اگر در بلد خود می بود مستطیع نمی شد.

مسأله ۲۱

اگر مکلف ملکی داشته باشد، وبه قیمت خودش فروش نرود وچنان چه بخواهد حج نماید باید به کمتر از قیمت بفروشد که باعث ضرر کلی شود، فروشش واجب نیست. واما اگر هزینه ومخارج بالا برود ومثلاً کرایهء ماشین در سال استطاعت گرانتر از سال بعد باشد، تأخیر جایز نیست وباید همان سال برود.

مسأله ۲۲

داشتن هزینهء بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود داشته باشد. اما اگر نخواسته باشد برگردد یا خواسته

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱

باشد در جای دیگر غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینهء رفتن به آن جا را داشته باشد ودارا بودن هزینهء بازگشت به وطن لازم نیست. بلی اگر جایی که می خواهد در آن جا بماند دورتر از وطنش باشد که هزینهء رفتن به آن جا بیشتر از هزینهء بازگشت به وطن باشد،در این صورت داشتن هزینهء تا آن جا شرط نیست، بلکه داشتن هزینهء بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

شرط چهارم: رجوع به کفایت

اشاره

است. یعنی مکلف بایستی طوری باشد که پس از برگشتن از حج، بتواند خود وعائلهء خود را اداره نماید ودچار تهیدستی وفقر نگردد. پس اگر دارای مبلغی است که وسیلهء کسب وسرمایه است که چنان چه آن مبلغ را صرف حج نماید، پس از بازگشت محتاج خواهد بود وبداند که راه دیگری برای زندگی مناسب

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲

شأن خود نخواهد داشت بر چنین شخصی حج واجب نیست. پس از آنچه ذکر شد ظاهر می شود که فروختن چیزهای ضروری زندگی مانند منزل مناسب شأن ورختهایی که برای زینت وآبرو دارد، واثاث منزل، وابزار کار که برای زندگی به آنها احتیاج دارد ومانند آنها، مثل کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلاتش لازم است، واجب نیست، وخلاصه آنچه در زندگی انسان مورد حاجت است وصرفش در راه حج سبب بیچارگی ومشقت شود، فروشش واجب نیست. بلی اگر آنها بیشتر از حاجتش باشند واجب است مازاد را برای هزینهء حج بفروشد. بلکه کسی که دارای منزلی است که مثلاً

دویست هزار تومان می ارزد ومی تواند آن را فروخته ومنزل دیگری به کمتر خریداری نموده وبدون مشقت در آن زندگی کند وتفاوت دو قیمت وافی به هزینهء حج وهزینهء زندگی زن

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳

و بچهء وی باشد، لازم است این عمل را انجام داده وبه حج برود.

مسأله ۲۳

هرگاه انسان مالی داشته که به جهت احتیاج به آن فروشش برای حج واجب نبوده، بعداً از آن مستغنی شده ودیگر حاجتی به آن ندارد، واجب است آن را فروخته وحج نماید، مثلاً خانمی که دارای زینت وزیوری بوده که محل حاجتش بوده، وفعلاً به علت بزرگی وپیری یا به علت دیگر مورد حاجتش نیست، واجب است آن را فروخته وقیمتش را در حج صرف نماید.

مسأله ۲۴

هرگاه انسان منزل ملکی داشته باشد ومنزل دیگری نیز باشد که می تواند بدون ناراحتی ومشقت در آن بنشیند وسکنی نماید مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب است منزل خود را در صورتی که قیمتش کفاف هزینهء حج را بدهد یا به

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴

ضمیمهء پولی که دارد وافی شود، فروخته وبه حج برود، واین حکم نسبت به کتابهای علمی وسایر وسایل زندگی جاری است.

مسأله ۲۵

هرگاه کسی مقداری پول داشته باشد که کفاف هزینهء حج را می دهد وخود احتیاج به ازدواج یا خرید منزل برای خود دارد یا محتاج به وسایل دیگری است، در صورتی که صرف آن پول در راه حج باعث ناراحتی ومشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی شود، وچنان چه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

مسأله ۲۶

هرگاه انسان طلبی دارد که وقتش رسیده واجب است مطالبه کند وچنان چه بدهکار بدحساب وبد بده باشد، واجب است او را مجبور به پرداخت کند واگر تحصیل آن متوقف بر مراجعه به دادگاه باشد لازم است مراجعه نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵

و همچنین است اگر مدت طلب سر نرسیده ولی چنان چه از بدهکار مطالبه شود خواهد پرداخت. واما اگر بدهکار نادارا یا بد

بـده باشـد واجبارش غیر ممکن یا باعث ناراحتی ودردسر طلبکار شود، یا طلب هنوز مـدت داشـته باشـد وبدهکار قبل از وقت نمی پردازد، در این چنـد صورت چنـان چه بتوانـد طلب خود را به مبلغی که به تنهایی به ضـمیمهء مال دیگر وافی به مصارف حـج باشـد، بفروشد ودر این کار ضـرر ومشـقتی به او متوجه نگردد، واجب است بفروشد وچنان چه موجب ضـرر شود واجب نخواهد بود.

مسأله ۲۷

هر صـاحب صـنعتی ماننـد آهنگر وبنّا ونجار وخیاط ومانـند اینها از کسانی که کسـبشان کفاف مخارج خود وعائله شان را می دهد، در صورتی که از بابت ارث یا غیر آن مالی به دست آورند که جوابگوی مخارج حج وزندگیشان باشد در موقع

رفتن وبرگشتن، حج بر آنها واجب می شود.

مسأله ۲۸

کسـی که از وجوه شـرعیه ماننـد خمس وزکاهء وامثال اینها زنـدگی خود را اداره می کنـد وبر حسب عادت مخارجش بـدون مشـقت مضـمون وحتمی باشـد، در صورتی که دارای مقـداری پول گردد که وافی به هزینهء حـج ومخارج عیالش باشد، بعید نیست حـج بر او واجب باشـد. وهمچنین است کسـی که شـخص دیگر در تمام مـدت زنـدگی او، مخارجش را متکفل باشـد. همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

مسأله ۲۹

در اسـتطاعت ملکیتِ لازم وثـابت لازم نیست، بلکه ملکیت متزلزل نیز کـافی است پس هرگـاه با کسـی مصالحه ای کنـد که طرف برای خود تا مدت معینی خیار گذاشته باشد ومال المصالحه به مقدار

مصارف حجش باشد، حج بر او واجب خواهد بود. وهمچنین است در هبهء جائزه.

مسأله ۳۰

بر مسـتطیع لازم نیست که حتماً از مال خود به حـج برود، پس هرگاه به گدایی یا با مال دیگری حج کند کافی است. بلی اگر جامه های احرام یا پول قربانی اش غصبی باشد کافی نخواهد بود.

مسأله ۳۱

تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست. پس هرگاه کسی مالی به انسان هبه کند که در صورت قبول آن مستطیع خواهد شد، قبولش لازم نیست، وهمچنین است اگر کسی از او بخواهد که خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد، هر چند آن خدمت هم لایق به حالش باشد. بلی اگر خود را اجیر خدمت در راه حج نمود وبدان مستطیع شد، حج بر او واجب

خواهد شد.

مسأله ۳۲

اگر کسی خود را اجیر نیابت حج کند وبا پول نیابت مستطیع شود، در صورتی که حج نیابی مقید به همان سال باشد حج نیابی را باید مقدم بدارد.پس چنان چه استطاعتش تا سال بعد باقی ماند، حج بر او واجب خواهد بود وچنان چه باقی نماند، واجب نخواهد بود، واما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، حج خود را مقدم بدارد. مثال: زید به عمرو می گوید مبلغ بیست هزار تومان دارم که می خواهم برای پدر یا مادرم در حج نیابت بگیرم وعمرو حاضر می شود برای این عمل اجیر شود وفرض کنیم مصارف حج ده هزار تومان است که عمرو با این مبلغ می تواند دو مرتبه حج کند، در این صورت عمرو مستطیع خواهد شد. پس اگر زید حج را مقید به همان سال نمود عمرو همان سال را به نیابت

پدر زید حج می نماید وچنان چه استطاعتش تا سال بعد باقی ماند، لازم است سال بعد برای خودش حج نماید وچنان چه باقی نماند، چیزی بر او واجب نخواهد بود. ولی اگر زید حج پدر خود را به همان سال مقید نکرد، عمرو

باید اول حج خود را به جای آورده وسال بعد به نیابت پدر زید حج نماید.

مسأله ۳۳

هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد وقدرت پرداخت آن را بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

مسأله ۳۴

هرگاه انسان هزینهء حج را داشته باشد، وبدهکار نیز باشد وصرف آن مقدار در راه حج منافی با پرداخت بدهیش نباشد حج بر او واجب خواهد بود. ودر صورتی که آن پول را صرف حج کند نخواهد توانست بدهی خود را بپردازد، حج واجب

نخواهد بود، وفرقی نیست بین اینکه بدهی وقتش رسیده باشد یا هنوز مدت داشته باشد، وبین اینکه بدهی قبل از بدست آوردن آن پول باشد یا بعد از آن.

مسأله ۳۵

هرگاه انسان خمس یا زکات بدهکار باشد، ومقداری پول داشته باشد که اگر خمس یا زکات را بدهد مابقی کفاف هزینهء حج را نخواهد داد، واجب است خمس یا زکات را بدهد وحج بر او واجب نخواهد بود. وفرقی نیست بین آن که خمس وزکات در عین مالش باشد یا بر ذمه اش.

مسأله ۳۶

کسی که حج بر او واجب شده، وخمس یا زکات ویا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است آنها را بدهد، وتا آنها را نپردازد جایز نیست به حج برود. وهرگاه جامه های احرام یا پول وقربانی اش از مالی باشد که حق به او تعلق گرفته حجش صحیح نخواهد بود.

مسأله ۳۷

هرگاه انسان مقداری پول داشته باشد، ونداند که کفاف مخارج حج را می دهد یا نه حج بر او واجب نیست، ولازم نیست فحص وتحقیق کند، هر چند فحص وتحقیق احوط است.

مسأله ۳۸

هرگاه انسان مالی دارد که در دسترسش نیست وبه تنهایی یا با مالی که در دسترسش است کفاف مخارج

حج را می دهد، اگر نتواند در آن مال هرچند با وکالت دادن در فروشش باشد تصرف کند، حج بر او واجب نخواهد بود، وچنان چه بتواند واجب خواهد بود.

مسأله ۳۹

هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینهء حج را بدهد، حج بر او واجب می شود، وجایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود ونتواند تدارک کند. واین تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی

ندارد. بلکه ظاهر این است که قبل از ماههای حج تصرف جایز نیست. بلی اگر تصرف کرد وآن را فروخت ویا بخشید یا بنده ای بود وآزادش کرد، تصرفش صحیح است هرچند گناهکار خواهد بود.

مسأله ۴۰

ظاهر این است که مالک بودن زاد وراحله معتبر نیست. پس هرگاه نزد انسان مالی باشد که تصرفش در آن جایز باشد، حج بر او واجب می شود. البته در صورتی که کفاف مخارج حج را بدهد وشرایط دیگر را نیز دارا باشد.

مسأله ۴۱

همچنان که داشتن توشه ووسیلهء سواری ومخارج حج برای رفتن در اول لازم است، برای برگشتن وتا آخر نیز لازم است. یعنی باید انسان دارای آنها باشد چه هنگام رفتن وچه هنگامی که مشغول اعمال حج است وچه هنگام بازگشت به وطن. پس اگر مالی که داشت در بلد خودش یا در راه تلف

شد، حج بر او واجب نخواهد بود واین امر کشف می کند از اینکه از اول استطاعت نداشته. ومانند این است هرگاه بدهی قهری پیدا کند. مثل اینکه از روی خطا مال کسی را تلف کند واگر دارایی خود را صرف حج نماید، نتواند عوض او را به صاحبش بدهد. بلی تلف کردن عمدی وجوب حج را از بین نمی برد بلکه حج بر او مستقر خواهد بود ولازم است حج را هرچند به سختی وگدایی باشد به جا آورد. اینها که گفته شد فقط در مورد تلف زاد وراحله است. واما تلف مالی که در بلد خود برای زندگی جا گذاشته، کاشف از این نیست که از اول مستطیع نبوده، بلکه در این صورت حجش کافی وبعد از آن حجی بر او نیست.

مسأله ۴۲

اگر انسان مالی داشته باشد که به مقدار مصارف حج باشد ولی عقیده اش این بوده

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴

که کـافی نیست، یا غفلت داشـته، یا غافل از وجوب حـج بوده غفلتی که معـذور بوده، حـج بر او واجب نیست. واما اگر شـک داشـته یـا غافـل از وجوب حـج باشـد ومنشأ غفلتش تقصـیر بوده سـپس دانسـته یا یادش آمـد بعـد از آن که مالش تلف شـده ومتمکن از حج نشده، ظاهر این است که حج بر

ذمهء وی مستقر شده اگر دارای سایر شرایط بوده.

مسأله ۴۳

همچنان که استطاعت به داشتن زاد وراحله محقق می شود، به بـذل، یعنی کسی مصارف یا هزینهء حج را به انسان بدهد، نیز محقق می شود. ودر بـذل فرقی نیست بین آن که یـک نفر تمام مخارج را بدهـد یا چنـد نفر که هر کـدام قسمتی را به عهـده بگیرنـد. وچنان چه کسی را دعوت به حـج نموده وملتزم به زاد وراحله ومخارج زنـدگی عائله وی شوند، حج بر او واجب می شود. وهمچنین است اگر به او مالی

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵

داده شـده که در حـج صـرف نمایـد وآن مـال کفـاف هزینهء حـج وزنـدگی عـائلهء وی را بدهـد. وفرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) وتملیک ودادن عین مال یا قیمت آن نیست. مثل اینکه شخصی ماشین خود را که مثلاً بیست هزار تومان ارزش دارد در اختیار انسان گذاشته یا می بخشد که آن را در راه حج صرف کند یا قیمت آن را به انسان به همین منظور می پردازد.

مسأله ۴۴

هر گاه شخصی برای شخصی مالی وصیت کند که با آن مال حج نماید، در صورتی که آن مال به مقدار هزینهء حج وخرج زندگی عائلهء وی باشد، پس از مردن موصی حج بر موصی له واجب می شود. وهمچنین است اگر شخصی مالی را برای حج وقف یا نذر یا وصیت نماید، ومتولی وقف یا ناظر یا وصی، آن مال را به انسان بذل نماید حج بر او واجب خواهد بود.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶

مسأله ۴۵

رجوع به کفایت که معنای آن در شرط چهارم بیان شـد، در استطاعت بذلی شرط نیست. بلی اگر انسان مالی از خود داشته باشـد که کمتر از مصـارف وهزینهء حـج است وشخصـی کمبود او را بـذل نمایـد، واجب است قبول کنـد ولی در این صورت رجوع به کفایت شرط است. مثلاً انسان ده هزار تومان دارد ومصارف حج پانزده هزار تومان است واگر خواسته باشد رجوع به کفایت کند باید بیست هزار تومان داشته باشد، در صورتی که باذل پنج هزارتومان به عنوان کمبود به او بدهد، چون رجوع به کفایت ندارد حج واجب نخواهد بود ولی اگر باذل دهد هزار تومان بدهد واجب می شود.

مسأله ۴۶

اگر شخصی مالی به انسان هبه نماید (ببخشد) که با آن به حج برود واجب است قبول کند. واگر واهب(بخشنده) اختیار را به انسان

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷

بدهد وبگوید می خواهی با این مال حج برو ونمی خواهی نرو ویا مالی را ببخشد ونامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

مسأله ۴۷

در مسأله (۳۴) گفته شد که بدهکاری در یک صورت مانع از استطاعت است. در این جا می گوییم در استطاعت بذلی، دَین وبـدهکاری مانع نیست. بلی اگر وقت پرداخت بـدهی سررسـیده باشد وطلبکار هم مطالبه کند وبدهکار قدرت پرداخت بدهی خود را داشته باشد، اگر به حج نرود حج بر او واجب نخواهد شد.

مسأله ۴۸

هرگـاه جمـاعتی مـالی را در میـان بگذارنـد که یکی از آنهـا به حـج برود، چنـان چه یکی سـبقت وپیشـدستی نمـوده ومـال را برداشت وقبض نمود، تکلیف از دیگران ساقط می شود. وچنان چه همه ترک کردنـد وهر یک از آنها می توانست قبض کند حج

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸

بر همه واجب ومستقر می شود.

مسأله ۴۹

با بـذل، جز حجی که وظیفهء مبذول له بوده در صورت اسـتطاعت، واجب نمی شود. پس اگر وظیفهء مبذول له حج تمتع بوده وحج قران یا افراد (معنای این دو بعداً بیان خواهد شد) به او بذل شود، بر او واجب نیست قبول کند وبالعکس، یعنی کسـی که وظیفه اش حـج قران یا افراد است اگر حـج تمتع به او بذل شود، قبولش واجب نیست. وهمچنین است یعنی قبول واجب نیسـت بر کسـی که حجهء الاسـلام را به جا آورده باشد. واما کسی که حجهء الاسلام بر ذمهء وی آمده یعنی مستطیع شده وحج نرفته تا اینکه بی پول ونادار شـده وبه او بذل شود، قبولش واجب است. وهمچنین کسـی که حج بر او به نذر یا شـبه آن واجب شده وتمکن ندارد که این شخص نیز در صورت بذل باید قبول کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹

مسأله ۵۰

هرگاه به کسـی پولی بـذل شود که با آن حـج نمایـد وآن مال در بین راه تلف شود وجوب حـج از او ساقط می شود. بلی اگر متمکن از ادامهء سـفر از مال خود باشد واجب است ادامه بدهد وحج را به جا آورد واین حج مجزی از حجهء الاسـلام خواهد بود. چیزی که هست در این صورت وجوب حج مشـروط به رجوع با کفایت است، به این معنی که اگر این شـخص پول خود

را در راه حج صرف نماید پس از بازگشت در اداره‌ء زندگی خود وعائله در نخواهد ماند، ولی اگر بداند که در خواهد ماند ادامه‌ء سفر بر او واجب نخواهد بود.

مسأله ۵۱

در وجوب حج، بذل نقدی معتبر نیست یعنی لازم نیست بخشنده مال را نقد بدهد. بلکه اگر او را وکیل کند که از قِبَل او پولی قرض کرده وبه حج برود که بعد خودش قرض را بپردازد

*****مناسک حج (فارسی): ۴۰

و قرض نمود، حج بر او واجب می شود.

مسأله ۵۲

ظاهر این است که پول قربانی نیز بر باذل یعنی دهنده است. پس اگر مصارف حج را داد وپول قربانی را نداد، حج بر گیرنده واجب نمی شود، مگر در صورتی که خود توانای خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت پول قربانی موجود ناراحتی مالی او شود، قبول بر او واجب نخواهد بود. واما کفارات پس ظاهر این است که بر گیرنده واجب باشد نه بر دهنده.

مسأله ۵۳

حج بذلی یعنی حجی که انسان با پول دیگری که به او داده به جا آورد، کفایت از حجهء الاسلام می کند، واگر گیرنده پس از این حج، خودش مستطیع شد دیگر حجی بر او واجب نخواهد شد.

مسأله ۵۴

باذل (دهنده یا بخشنده) مال

*****مناسک حج (فارسی): ۴۱

می تواند از بدل خود رجوع کند قبل از آن که گیرنده داخل احرام شود یا بعد از آن. لکن اگر بعد از دخول در احرام رجوع کند، بر گیرنده واجب است حج را تا آخر به جا آورد اگر مسطتیع باشد فعلاً وباذل ضامن است وآنچه او برای اتمام حج خرج نموده باید بدهد. وچنان چه باذل در بین راه از بذل خود رجوع نمود، باید هزینه‌ء بازگشت گیرنده را بدهند.

مسأله ۵۵

هر گاه به کسی از سهم سبیل الله زکاهء داده شود که در راه حج صرف نماید ودر آن مصلحت عامه باشد، حج بر او واجب

است، ولی اگر از سهم سادات، خمس یا از سهم فقرا، زکات داده شود وشرط شود که در راه حج صرف نماید چنین شرطی صحیح نیست پس حج هم واجب نمی شود.

حج با مال غصبی

مسأله ۵۶

چنان چه به انسان مالی داده شود وبا او حج نمود بعد معلوم شد که آن مال غصبی بوده،

*****مناسک حج (فارسی): ۴۲

این حج از مجزی ازحجت الاسلام نخواهد بود ومالك آن مال، حق دارد به دهنده یا گیرنده رجوع نماید. لکن اگر به گیرنده رجوع کرد، گیرنده به دهنده رجوع می کند اگر غصب بودن را نمی دانسته وچنان چه می دانسته مال غصبی بوده وبا آن به حج رفته، حق رجوع به دهنده ندارد.

مسأله ۵۷

اگر کسی برای خود بدون استطاعت یا به جای دیگری تبرعاً یا به اجاره حج نموده، حجش کفایت از حجه السلام نمی کند. در صورتی که مستطیع شود باید حج را به جا آورد.

مسأله ۵۸

چنان چه کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست، به عنوان استحباب به حج رفت وقصد فرمانبرداری امر فعلی را نمود، بعداً معلوم شد مستطیع بوده حجش کفایت می کند وحج دیگری بر او واجب نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۴۳

حج زن وزوجه

مسأله ۵۹

در صورتی که زن مستطیع شود می تواند بدون اذن شوهر حج نماید واذن او شرط نیست، همچنان که شوهر نمی تواند زن خود را از حج واجب منع نماید. بلی می تواند در صورتی که وقت وسعت دارد او را نگذارد با اولین قافله حرکت کند. وزنی که از شوهر خود طلاق گرفته وطلاقش رجعی است وعدهء او تمام نشده، مانند زن شوهردار است.

مسأله ۶۰

هنگامی که بانویی واجب الحج شد، همراه داشتن محرم با خود شرط نیست در صورتی که مأمون بر نفس خود باشد، ودر

صورتی که مأمون نباشد وبر خود بترسد لازم است محرمی همراه خود داشته باشد هر چند به اجرت باشد، البته در صورتی که متمکن از اجرت دادن باشد، والّا – حج بر او واجب نخواهد بود.

نذر مزاحم حج

مسأله ۶۱

کسی که نذر کرده است هر ساله

*****مناسک حج (فارسی): ۴۴

روز عرفه حضرت سید الشهداء را در کربلا زیارت کند مثلاً وبعد از این نذر مستطیع شود، نذرش منحل وحج بر او واجب می شود. وهمچنین است هر نذری که مزاحم حج باشد.

کفایت نایب گرفتن از میقات

مسأله ۶۲

شخص مستطیع در صورتی که توانایی حج را داشته باشد باید شخصاً به حج برود، وچنان چه کسی خواسته باشد از قبل او تبرعاً یا با اجرت حج نماید، کفایت نمی کند.

مسأله ۶۳

کسی که حج بر ذمهء وی مستقر شده وشخصاً نتوانسته به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر، حج را به جا آورد یا حج نمودن برایش مشقت وحرج داشته وامید بهبودی وتوانایی را بعد از آن ندارد، واجب است برای خود نایب بگیرد. وهمچنین کسی که دارا وثروتمند است وتوانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار وبا مشقت است

*****مناسک حج (فارسی): ۴۵

باید نایب بگیرد ووجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

مسأله ۶۴

در صورتی که نایب به جای کسی که توانایی نداشت شخصاً به حج برود،حج نمود ومنوب عنه در حالتی که عذرش باقی بود فوت نمود، حج نایب کفایت می کند هر چند حج بر ذمهء وی مستقر بوده، واما اگر اتفاقاً قبل از مردن عذر برطرف شد، پس احوط این است که شخصاً در صورت تمکن حج نماید. وچنان چه بعد از محرم شدن نایب عذرش بر طرف شود، بر منوب عنه واجب است شخصاً حج نماید وبر نایب واجب نیست عمل حج را تمام نماید.

مسأله ۶۵

کسی که شخصاً از حج نمودن معذور است وتمکن نایب گرفتن هم ندارد، وجوب حج از او ساقط است، ولی واجب است بعد از فوتش قضا شود در صورتی که حج بر او مستقر بوده، واگر

مستقر نبوده واجب نیست. وچنان که متمکن از نایب گرفتن بوده ونایب نگرفت تا فوت نمود، واجب است از قِبَل او قضایش به جا آورده شود.

مسأله ۶۶

اگر استنابت واجب شد، ونایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از قِبَل او حج به جا آورد، کفایت نمی کند، ونایب گرفتن بر خودش واجب است.

مسأله ۶۷

در نایب گرفتن کفایت می کند که از میقات نایب بگیرد وواجب نیست از بلد خود نایب بگیرد.

مسأله ۶۸

کسی که حج بر ذمه اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام در حرم بمیرد کفایت از حجهء الاسلام می کند، خواه حجش حج تمتع خواه قران خواه افراد باشد. واگر فوتش در اثنای عمرهء تمتع بوده، کفایت از حجش نیز می نماید، وقضا از او واجب نیست. واگر قبل از آن بمیرد قضا واجب می شود، هر

چند فوتش بعد از احرام وقبل از دخول حرم یا بعد از دخول حرم بدون احرام باشد، وظاهر این است که این حکم اختصاص به حجهء الاسلام دارد، پس در حجی که به نذر یا افساد واجب شده جاری نمی شود، بلکه در عمرهء مفرده نیز جاری نمی شود. پس در هیچ یک از اینها حکم به اجزا نمی شود. وکسی که بعد از احرام در حرم بمیرد وحج از سالهای پیش بر ذمه اش مستقر نبوده بی اشکال حج وی کفایت از حجهء الاسلام می کند، واما اگر قبل از آن بمیرد ظاهر این است قضا از او واجب باشد.

مسأله ۶۹

هرگاه کافری که مستطیع بوده مسلمان شود حج بر او واجب می شود، ولی چنان چه پس از زوال استطاعت مسلمان شود، حج بر او واجب نخواهد بود.

مسأله ۷۰

حج بر مرتد (کسی که از دین

اسلام برگشته) واجب می شود، ولی در حال ارتداد چنان چه حج نماید حجش صحیح نخواهد بود. وهرگاه توبه کرد وحج نمود حجش صحیح خواهد بود، اگرچه مرتد فطری باشد بنابر اقوی.

مسأله ۷۱

مسلمان غیر شیعه چنان چه به حج رفته سپس شیعه شود اعادهء حج بر او واجب نیست، در صورتی که حج را بر طبق مذهب خود صحیح بجا آورده باشد، اگر چه بر طبق مذهب شیعه صحیح نباشد.

مسأله ۷۲

هرگاه حج بر کسی واجب شد، ودر به جا آوردنش اهمال وتأخیر کرد تا استطاعتش از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده به جا آورد حتی اگر به سختی وگدایی باشد والبته به حد عسر وحرج نرسد. وچنان چه قبل از حج بمیرد واجب است از ترکهء وی حج را قضا نمایند. وچنان چه کسی

تبرعاً بدون اجرت به جای او حج نماید صحیح وکافی است.

وصیّت به حج

مسأله ۷۳

کسی که حجهء الاسلام بر ذمه اش می باشد هنگامی که مرگش نزدیک شود واجب است وصیت کند که حجش را به جا آورند. پس اگر مُرد حجش از اصل ترکه داده می شود اگرچه وصیت نکرده باشد. وهمچنین است (یعنی حجش از اصل ترکه خارج می شود) در صورتی که وصیت نموده ولی مقید به ثلث خود نکرده است. واگر وصیت نموده ومقید به ثلث هم نموده، پس اگر ثلثش (یک سوم دارایی اش) وافی به مخارج حج باشد، واجب است حج را از ثلث اخراج نمایند، وبر سایر چیزهایی که

وصیت کرده مقدم است. وچنان چه ثلث به مقدار مصارف وهزینهء حج نباشد، لازم است کمبود را از اصل ترکه تکمیل نمایند.

مسأله ۷۴

کسی که بمیرد وحجت الاسلام بر ذمهء وی باشد ونزد شخصی ودیعه وامانتی داشته باشد، واین شخص احتمال بدهد که چنان چه آن ودیعه را به ورثه اش بر گرداند حج را بر جا نخواهد آورد، بر او واجب است خود از قِبَل او حج نماید وآن ودیعه را صرف در راه حج نماید وچنان چه چیزی زیاد آمد زیادی را به ورثهء او بدهد. وفرقی نیست بین آن که خود شخص به جای او حج نماید یا دیگری را اجیر کند که به جای صاحب مال حج نماید. وملحق به ودیعه است هر مالی که میت نزد دیگری داشته باشد، از قبیل عاریه یا اجاره یا غصب یا طلب وغیره اینها.

مسأله ۷۵

کسی که بمیرد وحجت الاسلام بر

ذمهء وی باشد ومقروض هم باشد وخمس وزکات نیز بر ذمه داشته باشد وترکهء او کفاف تمام اینها را ندهد، اگر مالی که خمس یا زکات به او تعلق گرفته موجود باشد، باید خمس وزکات را بپردازد. وچنان چه خمس وزکات به ذمهء وی منتقل شده، حج بر آنها مقدم خواهد بود، همچنان که بر قرض وبدهی نیز مقدم است.

مسأله ۷۶

کسی که مرده وحجهء الاسلام بر او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج نمی توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینهء حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنابر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد وورثه ملتزم به ادای حج شوند، می توانند تصرف کنند. وهمچنین است حال در قرض وبدهی.

مسأله ۷۷

کسی که فوت کرده وحجهء الاسلام بر او هست وترکهء وی به مقدار هزینهء حج نیست، واجب است در صورتی که بدهی یا خمس

و زکات دارد در آنها صرف شود،و چنان چه بدهکاری ندارد ترکه برای ورثه است وواجب نیست کمبود هزینهء حج را از مال خود تکمیل نمایند.

مسأله ۷۸

چنانچه کسی فوت کند وحجهء الاسلام بر ذمهء وی باشد، واجب نیست از وطن وبلد وی نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از

میقات کافی است. ونزدیک ترین میقات به مکه در صورت امکان یا هرچه نزدیکتر باشد کافی است. واحوط واولی این است که اگر مال گنجایش داشته باشد از وطن نایب گرفته شود، ولی اجرت بیشتر از میقات بر ورثهء صغار واجب نیست.

مسأله ۷۹

کسی که بمیرد وحجهء الاسلام بر ذمهء وی باشد، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند، واگر در همان سال استیجار ونایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، لازم است از بلد وی نایب بگیرند

و هزینهء این نایب گرفتن از اصل ترکه است. وتأخیر انداختن تا سال بعد جایز نیست، هر چند معلوم باشد که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن است.

مسأله ۸۰

کسی که مرده وحجهءالاسلام بر ذمهء وی بوده ونایبی پیدا نشود مگر به بیشتر از مقدار معمول، واجب است به بیشتر نایب گرفته شود، وهزینهء آن از اصل خارج می شود، وبه علت صرفه جویی بر ورثه تأخیر تا سال بعد جایز نیست، هر چند در ورثه کودکان نابالغ باشد.

مسأله ۸۱

اگر کسی بمیرد وبعضی از ورثه وی اقرار کنند که حجه الاسلام بر متوفی بوده ودیگران یعنی سایر ورثه منکر آن باشند، بر اقرار کننده واجب است اجیر کند کسی را برای حج ولو به دفع تمام حصهء خود باشد. نهایتش می تواند اقامهء دعوی نماید بر منکرین ومطالبه نماید حصهء خود را از

بقیهء ترکه. وهمچنین حکم جاری است در قرض که بعض از ورثه اقرار به دین داشته باشند. واگر حصهء او کفایت از مصرف حج ننماید، واجب نیست از مال شخصی خود تکمیل نماید.

مسأله ۸۲

کسی که مرد وحجهءالاسلام بر ذمه دارد، چنان چه شخصی تبرعاً به جای او حج نمود، بر ورثه واجب نیست برایش نایب بگیرند بلکه مقدار هزینه حج هم بازگشت به ورثه خواهد نمود. بلی اگر وصیت به حج از ثلث خود نماید ومتبرعی حج را به جا آورد، در این صورت هزینهء حج، بازگشت به ورثه نخواهد نمود، بلکه باید در خیرات صرف یا از قبل او صدقه داده شود.

مسأله ۸۳

کسی که حجهء الاسلام بر ذمه داشته باشد ووصیت نموده که از بلدش نایب گرفته شود واجب است از بلد نایب گرفته شود، ولی مازاد بر

اجرت میقات از ثلث خارج می شود. وچنان چه فقط وصیت به حج نموده وچیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود، مگر در صورتی که قرینه ای باشد که مراد وی استیجار ونایب گرفتن از بلد باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج بلدی باشد.

مسأله ۸۴

هر گاه وصیت به حج بلدی باشد، ولی وصی یا وارث کسی را از میقات اجیر نماید، در صورتی که اجاره از مال میت باشد اجاره باطل است وذمهء میت با عمل اجیر از حج فارغ می شود.

مسأله ۸۵

چنان چه وصیت به حج بلدی از غیر بلد خود نماید، مثلاً یک تهرانی وصیت کند که از مشهد مقدس برایش نایب بگیرند، عمل به این وصیت واجب است ومازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلثش اخراج می شود.

مسأله ۸۶

اگر وصیت کند که برای حجهء الاسلام نایب گرفته شود واجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است وهزینه اش از اصل مال برداشته می شود، در صورتی که بیش از اجرت المثل نباشد، واگر بیش از آن بود تفاوتش از ثلث خواهد بود.

مسأله ۸۷

هر گاه وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود ووصی دانست که در آن مال خمس یا زکات هست واجب است اول خمس یا زکات آن مال را داده وباقیمانده را صرف در راه حج نماید. وچنان چه کفاف مصارف حج را ننمود، لازم است کمبود از اصل ترکه برداشته شود. این در صورتی است که حجی که وصیت نموده حجهءالاسلام باشد. واگر حجهء الاسلام نبوده، باقیمانده در خیرات دیگر صرف شود.

مسأله ۸۸

در صورتی که نایب گرفتن برای حج از قِبَل مرده، به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری واهمال نموده ومالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شد، این شخص ضامن خواهد بود وبر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.

مسأله ۸۹

در صورتی که ثبوت واستقرار حج بر ذمهء میت معلوم وبه جا آوردنش مشکوک باشد، واجب است از قِبَل او به جا آورده شود، وهزینه اش از اصل مال اخراج می گردد.

مسأله ۹۰

به مجرد اجیر گرفتن ذمهء میت بری نمی شود. پس اگر دانسته شود که اجیر بجهت عذر یا بدون آن حج را به جا نیاورده، واجب است دوباره اجیر گرفته ومخارج از اصل مال خارج وبرداشت می شود. ودر صورتی که اجرت اوّلی از مال

میت بوده وپس گرفتنش ممکن باشد، لازم است پس گرفته شود.

مسأله ۹۱

چنان چه چندین اجیر پیدا شود، أحوط این است که کسی را که کمتر از دیگران اجرت می گیرد اجیر نمایند، در صورتی که اجرت به مال خود میت باشد، هر چند اظهر جواز استیجار اجیری است که از حیث فضیلت وشرف مناسب حال میت باشد پس می توان او را به مبلغ بیشتری اجیر نمود.

مسأله ۹۲

اجیر گرفتن از بلد یا میقات تابع تقلید وارث است نه خود میت. پس چنان چه عقیدهء میت وجوب حج بلدی بوده وعقیدهء وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر وارث واجب نیست از بلد میت اجیر بگیرد.

مسأله ۹۳

هر گاه حجهء الاسلام بر ذمهء میت

باشد وترکه ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست که برای او اجیر بگیرد. بلی مستحب است این عمل را انجام دهد.

مسأله ۹۴

هر گاه میت وصیت به حج بنماید، اگر دانسته شود که حجی که وصیت کرده حجهء الاسلام بوده، لازم است هزینهء آن از اصل مال برداشت شود، مگر در صورتی که خودش تعیین کرده باشد که از ثلث برداشته شود، که در این صورت باید از ثلث برداشته شود. واما اگر دانسته شود که حجی که وصیت نموده حجهء الاسلام نیست یا شک در آن حاصل شود، در این صورت هزینهء حج از ثلث برداشته می شود.

مسأله ۹۵

هر گاه وصیت به حج نموده وشخص بخصوصی را برای به جا آوردن حج تعیین کرده، لازم است عمل به وصیت شود، پس اگر آن

شخص قبول نکرد مگر اینکه بیشتر از مقدار متعارف به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث برداشت می شود، وچنان چه آن هم ممکن نباشد، دیگری را به همان مقدار متعارف اجیر نمایند.

مسأله ۹۶

هر گاه وصیت به حج نموده واجرتی تعیین کند که هیچ کس به آن رغبت نداشته باشد یعنی کمتر از مقدار متعارف باشد، پس اگر حجی که وصیت نموده حجهء الاسلام باشد، لازم است کمبود از اصل ترکه برداشته شود، وچنان چه حجهء الاسلام نباشد وصیت باطل می شود واجرتی که برای حج تعیین شده صرف خیرات ومبرات می گردد.

مسأله ۹۷

اگر کسی منزل خود را فروخته به یک مبلغی مثلاً، وبا مشتری شرط کرده که پول منزل را پس از مردنش صرف در حج از قِبَلش بنماید، پول منزل از ترکه خواهد بود. پس اگر آن حج حجهء

الاسلام بوده، شرط مزبور لازم شده وواجب است پول منزل صرف اجرت حج شود در صورتی که بیش از مقدار متعارف نباشد وچنان چه بیش از متعارف باشد مقدار از اصل ترکه ومازاد بر آن از ثلث حساب می شود. واگر حج حجهء الاسلام نبوده، باز هم شرط لازم است وتمام پول حج از ثلث خارج می شود، وچنان چه ثلث کمتر از آن پول باشد، شرط مذکور در مازاد بر ثلث لازم نخواهد بود.

مسأله ۹۸

هر گاه شخصی مثلاًـ منزل خود را به دیگری مصالحه کند به شرط آن که پس از مردنش برای او حج به جا آورد، چنین شرطی صحیح ولازم خواهد بود وآن منزل از ملک مصالح وشرط کننده خارج شده واز ترکه محسوب نخواهد بود، هر چند

آن حج مستحبی باشد وحکم وصیت شامل آن منزل نخواهد شد، وهمچنین است اگر منزل خود را به

*****مناسک حج (فارسی): ۶۲

دیگری واگذار وتملیک نماید به شرط آن که بعد از مردنش آن را فروخته وقیمتش را صرف حج برای او بنماید، تمام این ها صحیح ولازم خواهد بود، هر چند چیزی که شرط شده عمل مستحبی باشد وورثه حقی در آن منزل نخواهند داشت. واگر طرف مقابل از عمل به شرط تخلف نمود، حق به هم زدن معامله به ورثه منتقل نمی شود ونمی توانند اسقاط کنند این خیار را که حق میت بوده. واین حق به حاکم

شرع منتقل می شود. وبعد از فسخ، آن مال صرف در چیزی که شرط شده می شود، وچنان چه چیزی زیاد آمد در خیرات ومبرات صرف خواهد شد.

مسأله ۹۹

هرگاه وصی بمیرد ودانسته نشود که برای حج موصیِ قبل از مردن اجیر گرفته یا نه، در صورتی که حج، حجهءالاسلامبوده واجب است از ترکه اش اجیر گرفته شود. واگر حجهءالاسلام

*****مناسک حج (فارسی): ۶۳

نبوده از ثلثش باید اجیر گرفته شود. وچنان چه وجهی که بابت حج در نظر بوده، وصی آن را قبض کرده وموجود باشد، اخذ می شود. وچنان چه احتمال برود که وصی از مال خود اجیر گرفته وبعداً مال موصی را برای خود به جای او برداشته هرچند موجود نباشد، در این صورت ضمانتی بر وصی نخواهد بود، زیرا که احتمال می رود بدون تفریط نزد او تلف شده باشد.

مسأله ۱۰۰

چنان چه مالی که برای حج در نظر گرفته شده بدون سهل انگاری در نگهداری در دست وصی تلف شود، وصی ضامن نخواهد بود وواجب است از بقیهء ترکه اجیر گرفته شود، در صورتی که حج وصیت شده حَجهءالاسلام باشد وچنان چه حجهءالاسلام نباشد از بقیهء ثلث باید اجیر گرفته شود. وچنان چه بقیه بین ورثه تقسیم شده باشد، از هریک به نسبت پس گرفته می شود. وهمچنین است

*****مناسک حج (فارسی): ۶۴

اگر کسی برای حج اجیر شده وقبل از به جا آوردن حج بمیرد وترکه ای نداشته باشد یا داشته ولی گرفتن از آن ممکن نباشد، که در این صورت مانند فرض قبلی باید از ترکهء خود میت یا ثلثش بردارند.

مسأله ۱۰۱

هرگاه مال قبل از اجیر گرفتن در دست وصی تلف شود ودانسته نشود که تلف در اثر سهل انگاری بوده، جایز نیست تاوان از وصی گرفته شود.

مسأله ۱۰۲

اگر کسی وصیت کند که فلان مقدار مال در غیر حَجت الاسلام صرف شود، واحتمال برود که آن مقدار بیشتر از ثلث است، جایز نیست تمام آن صرف شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۶۵

احکام نیابت

مسأله ۱۰۳

اشاره

در نایب چند چیز معتبر است:

اول: بلوغ، یعنی نایب باید بالغ باشد. پس حج بچهء نابالغ به جای دیگری کفایت نمی کند، البته در حَجهءالاسلام وحجهای واجب دیگر، هر چند آن بچه ممّیز باشد که خوب وبد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

دوم: عقل، یعنی نایب باید عاقل باشد، پس نیابت دیوانه از دیگری صـحیح نخواهد بود، خواه دیوانه همیشـگی یا ادواری (گاه به گاه) باشد اگر عمل در وقت دیوانگی باشدو واما نایب شدن سفیه عیبی ندارد.

****مناسک حج (فارسی): ۶۶

سوم: ایمان، یعنی نایب باید مؤمن (علاوه بر خدا وپیغمبر، دوازده امام را نیز قبول داشـته) باشد. پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، هر چند عمل را برطبق مذهب ما به جا آورد.

چهارم: آن که ذمهء نایب در سال نیابت مشـغول به حـج واجب نباشد که وجوب آن منجّز وحتمی باشد. ودرصورتی که جاهل بوجوب باشـد یعنی ندانـد که حج برخودش واجب است یا می دانسـته ولی غافل است وفراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. واین شرط شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب. پس هرگاه در حالی که حج بر خودش واجب بود واز قِبَل دیگری به نیابت او حـج نماید ذمهء منوب عنه بری شده است، ولی نایب اجرتی را که قرار داده مسـتحق نخواهد بود بلکه مسـتحق اجرهء المثل خواهد بود (اجرهء المثل یعنی نرخ

****مناسک حج (فارسی): ۶۷

متعارف).

مسأله ۱۰۴

وقتی ذمهء منوب عنه فـارغ وبری می شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را به طور صـحیح به جا آورده ونایب حتماً باید اعمال حج واحکامش را به خوبی بداند، هر چند با ارشاد وراهنمایی دیگری در هر عمل باشد. همچنان که بایستی مورد وثوق واطمینان باشد، اگرچه عادل نباشد.

مسأله ۱۰۵

نایب شدن غلام زر خرید از شخص آزاد عیبی ندارد، اگر آن نیابت به اذن آقا واربابش باشد.

مسأله ۱۰۶

نـایب شـخص بـالغ وعاقل از بچهء نابالغ ممّیز ودیوانه عیبی نـدارد. بلکه اگر حـج بر ذمهء دیوانه در حال افاقه واجب شـده ودر حال دیوانگی مرده باشد، لازم وواجب است برایش اجیر بگیرند که

*****مناسک حج (فارسی): ۶۸

حج نماید.

مسأله ۱۰۷

همجنس وهمانند بودن نایب ومنوب عنه لازم نیست ونیابت مرد از زن وبلعکس صحیح است.

مسأله ۱۰۸

نایب گرفتن صَروره (کسی که هنوز حج نرفته) برای صروره وغیر صروره عیبی ندارد، خواه نایب یا منوب عنه مرد باشد یا زن. بلی بنابر آنچه مشهور است نایب گرفتن صـروره مکروه است، بخصوص در صورتی که نایب زن ومنوب عنه مرد باشد. ویک مورد مستثنی است وکراهت ندارد وآن موردی است که منوب عنه مرد وزنده باشد ونتواند حجهءالاسلامرا به جا آورد، در این صورت احتیاط لزومی این است که نایب، صروره ومرد باشد.

مسأله ۱۰۹

منوب عنه باید مسلمان باشد، ونیابت کافر صحیح نیست. پس هرگاه کافر

*****مناسک حج (فارسی): ۶۹

مستطیعی بمیرد ووارث مسلمان باشد، واجب نیست برای او نیابت بگیرد. وناصبی (کسی که دشمن اهل بیت وائمه باشد) مانند کافر است. با این فرق که جایز است فرزند مؤمنش در حج بجای او نایب شود. یعنی حج را به نیابت وعوض او انجام دهد.

مسأله ۱۱۰

نیابت از قِبَل شـخص زنـده در حـج مسـتحبی عیبی ندارد، خواه مفت ومجانی باشد خواه به اجاره، وهمچنین در حج واجب در صورتی که خودش معذور از مباشـرت عمل باشد چنان که گذشت. ودر غیر این مورد نیابت از زنده جایز نیست. واما نیابت از مرده در هر حال وبه هر نحو جایز است، خواه نیابت تبرعاً ومجانی باشد خواه به اجاره وخواه حج واجب باشد یا مستحب.

مسأله ۱۱۱

نیابت در صورتی صحیح است که منوب عنه معیّن ومشخّص باشد به هر نحوی که

*****مناسک حج (فارسی): ۷۰

شد. ولازم نیست نامش بر زبان آورده شود، همچنان که قصد نیابت نیز لازم است.

مسأله ۱۱۲

همچنان که نیابت به تبرع واجاره صحیح است به جُعاله وشرطِ ضمن عقد ومانند اینها نیز صحیح است. جُعاله این است که شخصی به دیگری بگوید اگر به جای من یا فلان کس حج به جا آوردی، فلان مبلغ را به تو می دهم. شرط ضمن العقد این است که در ضمن عقد معامله، مثلا فروش منزل یا مغازه، شرط کند که از قِبَل من یا فلان کس حج به جا بیاوری.

مسأله ۱۱۳

کسی را که در ترک بعضی از اعمال حج یا در به جا نیاوردن آن به طور صحیح معذور باشد نمی توان اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است. بلی اگر در به جا آوردن

کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد، مثل اینکه مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخصی عیبی ندارد.

مسأله ۱۱۴

هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد، ذمهء منوب عنه فارغ وبری نمی شود ولازم وواجب است دوباره برایش نایب گرفته شود، البته در چیزهایی که نایب گرفتن در آن واجب است. وچنان چه پس از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه می کند، هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنابر اظهر. ودر این مورد فرقی بین حجهءالاسلامو غیر آن نیست. وهمچنین فرقی نیست بین اینکه نیابت، به مزد واجرت باشد یا به تبرع ومجان.

مسأله ۱۱۵

هرگاه اجیر بعد از مُحرم شدن بمیرد تمام اجرت را مستحق خواهد شد، در صورتی که بر تفریغ ذمهء میت اجیر شده باشد. واما اگر اجیر

بر به جا آوردن اعمال شده باشد، اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می شود. وچنان چه قبل از احرام بمیرد، چیزی مستحق نخواهد بود. بلی اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می شود.

مسأله ۱۱۶

هرگاه برای حج بلدی اجیر شده وراهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیّر است از هر راهی که دلش خواست برود. وچنان چه راهی تعیین شده باشد، عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست. پس اگر از راه دیگری رفته واعمال را به جا آورد، چنان چه راه تعیین شده، به طور شرطّیت بوده اجیر تمام اجرت را مستحق شده ومستأجر خیار فسخ دارد (یعنی می تواند معامله را به هم بزند) ودر صورت به هم زدن، اجرهء المثل (مرد مانند عمل) را به اجیر

می دهد. وچنان چه در نظر گرفتن آن راه به نحو جزئیّت بوده (یعنی رفتن از آن راه به نحو جزئیّت بوده، یعنی رفتن از آن راه راه جزء عمل دانسته)، در این صورت نیز مستأجر حق فسخ (به هم زدن معامله) دارد. واگر فسخ نکرد اجیر اجرت مقرر را به مقداری که عمل نموده می برد ومقدار مخالفت ساقط می شود.

مسأله ۱۱۷

هرگاه شخصی خود را اجیر از قِبَل دیگری نماید که شخصاً عمل را در سال معینی به جا آورد، چنان چه خواسته باشد از قِبَل دیگری در همان سال اجیر شود، اجارهء وی صحیح نخواهد بود. ولی چنان چه از قِبَل دو نفر در دو سال مختلف یا از قِبَل یکی به قید مباشرت واز قِبَل دیگری بدون قید مباشرت در یک سال اجیر شود، مانعی ندارد واجاره صحیح خواهد بود.

مسأله ۱۱۸

هرگاه خود را برای حج در

سال معینی اجیر نمود، نمی تواند تقدیم یا تأخیر نماید، ولی چنان چه تقدیم یا تأخیر نمود (یعنی در سال قبل از سال تعیین شده یا سال بعدش حج به جا آورد) ذمهء منوب عنه بری می شود واجرتی مستحق نخواهد بود، در صورتی که تقدیم یا تأخیر به رضایت مستأجر نباشد.

مسأله ۱۱۹

هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا از جهت بیماری نتواند به حج برود واعمال را به جا آورد، حکمش حکم کسی است که از قِبَل خود حج بنماید. وبیان حکم آن خواهد آمد. ودر صورتی که اجاره مقیّد به همان سال بوده به هم می خورد. وچنان چه مقید نبوده حج بر ذمه اش باقی می ماند.

مسأله ۱۲۰

هرگاه نایب، کاری که موجب کفاره می شود انجام دهد، مثلاً در حال احرام زیر سایه

*****مناسک حج (فارسی): ۷۵

برود یا در آیینه نگاه کند، کفاره را باید از مال خود بدهد، خواه نیابت به اجاره ومزد باشد یا به تبرع ومجانی باشد.

مسأله ۱۲۱

هرگاه شخصی، دیگری را به مبلغ معینی برای حج اجیر گرفت وآن مبلغ کفاف مخارج حج را ندارد، بر مستأجر واجب نیست کمبود را تدارک کند، همچنان که در صورت زیاد آمدن نمی توان زیادی را پس بگیرد.

مسأله ۱۲۲

هرگاه شخصی را برای حج واجب یا مستحب اجیر کنند، واجیر حج خود را به جماع قبل از مشعر فاسد نماید (یعنی پس از آن که احرام عمره تمتع بیرون آمد وبرای حج محرم شد ودر مکه یا در عرفات با همسر خود جماع نمود) واجب است حج را به آخر برساند. واین حج برای منوب عنه کافی است وبر نائب واجب است در سال بعد حج نموده

*****مناسک حج (فارسی): ۷۶

و یک شتر نیز کفاره بدهد. وظاهر این است که استحقاق اجرت دارد، هر چند در سال بعد با عذر یا بدون عذر حج ننماید. واحکام ذکر شده نسبت به متبرع نیز جاری است، مگر اینکه استحقاق اجرت ندارد.

مسأله ۱۲۳

اجیر هرچند اجرت را به عقد مالک می شود، ولی واجب نیست اجرت به او پرداخته شود مگر بعد از انجام عمل، البته در صورتی که شرطِ تعجیل ننموده باشد، به این معنی که به شرط پیش گرفتن اجرت اجیر نشده باشد، وچنان چه به این شرط اجیر شده باشد باید اجرت را پیش از عمل به او داد. ولی ظاهر این است کسی که برای حج اجیر می شود، می تواند پیش از انجام عمل مطالبهء اجرت نماید. واین به جهت این است که قرینه بر چنین شرطی وجود دارد. زیرا که غالباً اجیر برای حج تا

*****مناسک حج (فارسی): ۷۷

اجرت را نگیرد نمی تواند به حج رفته ویا اعمال را انجام دهد.

مسأله ۱۲۴

چنان چه کسی شخصاً اجیر شد که حج به جا آورد، نمی تواند دیگری را برای این حج اجیر نماید، مگر به اذن واجازهء مستأجر.

مسأله ۱۲۵

هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید ووقت هم زیاد باشد واتفاقاً وقت برای حج تمتع تنگ شد واجیر از عمرهء تمتع به حج اِفراد عدول نماید وحج اِفراد به جا آورد وسپس عمرهء مفرده ای به جا آورده، ذمهء منوب عنه بری می شود. ولی در صورتی که اجاره بر اعمال عمره وحج تمتع بوده اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلی اگر بر تفریغ ذمهء منوب عنه بوده، مستحق اجرت خواهد بود. مثال: مرده یا زنده ای که شخصاً عاجز از حج است وحج به گردن دارد، شخصی اجیر می شود

*****مناسک حج (فارسی): ۷۸

که این را از گردن او بردارد، اجیر هر طور حج به جا آورد، حج از گردن او برداشته می شود، واجیر مستحق اجرت خواهد بود، ولی اگر اجیر شود که حج را به طور مخصوصی انجام دهد وتخلف نموده وطور دیگر انجام داد، حج از گردن طرف برداشته شده واجیر مستحق اجرت نمی شود.

مسأله ۱۲۶

در حج مستحبی یک نفر می تواند به جای چند نفر حج نماید. واما در حج واجب جایز نیست یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج نماید وباید نیابت از قِبَل یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به نحو شرکت واجب شده باشد، مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند، که در این صورت می توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند که به جای آنها حج نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۷۹

مسأله ۱۲۷

بیشتر از یک نفر می توانند در یک سال به جای یک نفر، خواه مرده خواه زنده، خواه به طور تبرع ومجان خواه به اجاره، حج به جا آورند، در صورتی که حج مستحبی باشد. وهمچنین است در حج واجب اگر متعدد باشد، مثل اینکه بر شخصی به واسطهء نذر دو حج واجب شده باشد که دو مرتبه نذر حج نموده یا یکی حَجهءالاسلام ودیگری حج نذری باشد که در این صورت می توان دو نفر را اجیر نمود، یکی را برای یکی از این دو واجب ودیگری را برای واجب دوم. وهمچنین جایز است دو نفر را برای یک نفر اجیر نمود، که یکی حج واجب به جا آورد ودیگری حج مستحبی. بلکه بعید نیست اجیر نمودن دو نفر برای یک حج واجب جایز باشد، مثل حجهءالاسلامکه دو نفر را از باب احتیاط اجیر می نمایند به جهت احتمال ناقص بودن یکی از آن دو.

*****مناسک حج (فارسی): ۸۰

مسأله ۱۲۸

طواف فی نفسه عمل مستحبی است پس نیابت در طواف از قِبَل مرده یا زنده ای که در مکه نباشد یا در مکه باشد وشخصاً

نتواند طواف نماید جایز است.

مسأله ۱۲۹

نایب پس از فراغت از اعمال حج نیابتی، می تواند برای خود یا دیگری عمرهء مفرده به جا آورد، همچنان که می تواند برای خود یا دیگری طواف نماید.

حج مستحبی

مسأله ۱۳۰

مستحب است کسی که می تواند حج نماید به حج برود، هر چند مستطیع نباشد، یا آن که مستطیع شده وحجهءالاسلام را به جا آورده. ومستحب است متمکن، هر ساله حج را تکرار نماید.

مسأله ۱۳۱

هنگام خروج از مکه، مستحب است نیت بازگشت

نماید.

مسأله ۱۳۲

مستحب است انسان کسی را که استطاعت حج رفتن ندارد به حج بفرستد، همچنان که در صورتی که بداند اگر برای رفتن به حج قرض نماید می تواند بعداً قرض خود را بدهد، مستحب است قرض نماید. وخرج زیاد نمودن در حج مستحب است.

مسأله ۱۳۳

مستحب است به کسی که استطاعت حج ندارد، زکات داده شود که با آن حج نماید.

مسأله ۱۳۴

هرگاه زن شوهردار خواسته باشد حج مستحبی به جا آورد، باید به اذن شوهر باشد. وهمچنین زنی که در عدهء رجعی باشد. ولی زنی

که از شوهر خود طلاق بائن گرفته ودر عدّه است یا در عدّه وفات است، اذن شوهر در حج وی معتبر نیست.

اقسام عمره

مسأله ۱۳۵

عمره مانند حج است: گاهی واجب و گاهی مستحب، و گاهی مفرده است و گاهی عمرهء تمتع است.

مسأله ۱۳۶

عمره مانند حج، بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب است. ووجوبش مانند وجوب حج، فوری است. پس کسی که مستطیع برای عمره شد، هر چند برای حج مستطیع نباشد، واجب است عمره را به جا آورد. بلی ظاهر این است که بر کسی که وظیفه اش حج تمتع

باشد، عمره با تنهایی واجب نیست. پس کسی که استطاعت حج ندارد واستطاعت عمره را دارد ووظیفه اش حج تمتع است، واجب نیست عمره را به جا آورد. وبنابراین کسی که برای حج اجیر شده، پس از فراغت از اعمال حج نیابی واجب نیست عمره به جا آورد، هر چند در این هنگام استطاعت عمره را دارد لکن به جا آوردنش احوط است. واما کسی که حج تمتع را به جا آورده، پس عمرهء مفرده بر او واجب نیست جزماً.

مسأله ۱۳۷

مستحب است عمرهء مفرده را مکرراً به جا آورد واولی این است که هر ماه به جا آورده شود. واظهر این است که اگر عمره در ماهی به جا آورد اگر چه در آخر آن باشد وعمرهء دیگر در ماه بعدی اگر چه در اول آن باشد، مانعی ندارد، ودو عمره در یک ماه نمی تواند به جا آورد، در صورتی که

دو عمره برای به جا آورنده باشد. بلی عمرهء دوم را رجاءاً به جا آورد، عیبی ندارد. وچنان چه خواسته باشد یک عمره برای دیگری به جا آورد در یک ماه جایز است. وهمچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد. همچنان که عمرهء تمتع وعمرهء مفرده وبالعکس در یک ماه جایز است یعنی کسی که عمرهء مفرده را به جا آورد،

در همان ماه خواسته باشد عمرهء تمتع به جا آورد یا عمرهء تمتع را به جا آورده وبه حج رفته، در همان ماه عمرهء مفرده به جا آورده مانعی ندارد، ولی به جا آوردن عمرهء مفرده بین عمرهء تمتع وحج جایز نیست.

مسأله ۱۳۸

همچنان که عمرهء مفرده به استطاعت واجب می شود، به نذر وعهد وقسم وغیر اینها نیز واجب می شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۸۵

مسأله ۱۳۹

عمرهء مفرده با عمرهء تمتع در اعمال شریکند واعمال عمرهء تمتع خواهد آمد. وعمرهء مفرده با عمرهء تمتع چند فرق دارد:

۱ - آن که در عمرهء مفرده طواف نساء واجب می شود، ولی در عمرهء تمتع طواف نساء واجب نیست.

۲ - آن که عمرهء تمتع به جز در ماه های حج (شوال وذی القعده وذی الحجه) واقع نمی شود وصحیح نخواهد بود، ولی عمرهء مفرده در تمام ماه ها صحیح است وافضل وبرتر از همه ماه رجب است وبعد از آن ماه مبارک رمضان.

۳ - آن که بیرون آمدن از احرام در عمرهء تمتع منحصر به تقصیر است، ولی خروج وبیرون آمدن از احرام در عمرهء مفرده گاهی به تقصیر وگاهی به سر تراشیدن است.

۴ - آن که عمرهء تمتع وحج باید در یک سال

*****مناسک حج (فارسی): ۸۶

واقع شوند چنان که خواهد آمد، ولی عمرهء مفرده چنین نیست. وکسی که حج افراد وعمرهء مفرده بر او واجب باشد، می تواند حج را در یک سال وعمره را در سال بعد به جا آورد.

۵ - آن که عمرهء مفرده به جماع فاسد وباطل می شود وعمرهء تمتع چنین نیست وکسی که در عمرهء مفرده قبل از خارج شدن از سعی از روی علم وعمد جماع کند، عمرهء وی حتماً باطل شد وواجب است آن را در ماه بعد دوباره به جا آورد، به اینکه تا ماه بعد در مکه بماند، واما کسی که در اثنای عمرهء تمتع جماع نماید، باطل شده عمرهء وی مورد اشکال است وأظهر این است که

باطل نخواهد شد همچنان که خواهد آمد.

مسأله ۱۴۰

احرام بستن بر عمرهء مفرده از مواقیتی که برای عمرهء تمتع احرام بسته می شود،

*****مناسک حج (فارسی): ۸۷

جایز است. وبیان مواقیت خواهد آمد. واگر مکلف در مکه باشد وبخواهد عمرهء مفرده به جا آورد، جایز است از حرم خارج شده واحرام ببندد وواجب نیست به یکی از مواقیت برود واز آن جا مُحرم شود. وبهتر این است که احرامش از یکی از این سه جا باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم. وبیان هر یک بعداً خواهد آمد. واین سه کلمه، نام سه جای معین در اطراف مکه است.

مسأله ۱۴۱

عمرهء مفرده بر کسی که بخواهد وارد مکه شود، واجب است وجایز نیست بدون احرام وارد مکه شود. واز حکم وجوب احرام کسی که مکرراً باید رفت وآمد کند مستثنی است، مانند هیزم کش وعلّاف وامثال اینها. وهمچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمرهء مفرده از مکه خارج شده وبیرون رفته باشد، چنین شخصی

*****مناسک حج (فارسی): ۸۸

می تواند پیش از گذشتن یک ماه بدون احرام وارد مکه شود. وحکم کسی که بعد از عمرهء تمتع وقبل از حج از مکه خارج شود خواهد آمد.

مسأله ۱۴۲

کسی که عمرهء مفرده را در ماه های حج به جا آورده واتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده، می تواند عمرهء مفردهء خود را عمرهء تمتع قرار داده وحج را به جا آورد، وفرقی در این حکم بین حج واجب وحج مستحبی نیست.

اقسام حج

مسأله ۱۴۳

اشاره

حج بر سه قسم است:

۱ - حج تمتع، ۲ - حج اِفراد، ۳ - حج قِران

قسم اول، یعنی حج تمتع وظیفهء کسی است که فاصلهء وطنش تا مسجدالحرام بیش از شانزده فرسخ

*****مناسک حج (فارسی): ۸۹

باشد.

قسم دوم وسوم، ی عنی حج اِفراد وحج قِران وظیفهء کســی است که اهل خود مکه یا اطراف آن باشد، به شرطی که فاصلهء بین وطنش تا مسجدالحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

و این رساله در بیان احکام قسم اول، یعنی حج تمتع است که محل ابتلای غالب برادران دینی است. ونظر به اینکه گاهی به جهت ضرورت وبعضی از پیش آمدها حج تمتع تبدیل به حج افراد می شود، ناچاریم کیفیت حج افراد را نیز به طور مختصر بیان نمائیم وکیفیت حج قران نیز بیان خواهد شد.

مسأله ۱۴۴

کسی که وظیفه اش حج تمتع است، می تواند حج افراد یا قران را استحباباً به جا آورد، همچنان که کسی که وظیفه اش حج افراد یا قران است، می تواند حج تمتع را استحباباً به جا آورد. واین

*****مناسک حج (فارسی): ۹۰

معنی در حج واجب جایز نیست، یعنی کسی که حج افراد یا حج قران بر او واجب شده، نمی تواند به جای آن حج تمتع به جا آورد وبالعکس، یعنی کسی که حج تمتع بر او واجب شده، نمی تواند به جای آن حج افراد یا قران به جا آورد، وچنان چه این افراد به جای حج واجب خود حج دیگری به جا آورند کفایت نمی کند. بلی گاهی وظیفهء کسی که باید حج تمتع به جا آورد، عوض شده وبه حج افراد بر می گردد، چنان که بیانش خواهد آمد.

مسأله ۱۴۵

کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مسجد الحرام دور بوده وفعلاً ـ در مکه اقامت نموده، چنان چه اقامتش بعد از استطاعت وواجب شدن حج بر او بوده، وظیفه اش حج تمتع است. واما اگر استطاعت او پس از اقامت در مکه وبعد از داخل شدن در سال سوّم باشد، وظیفه اش حج قران یا افراد

*****مناسک حج (فارسی): ۹۱

است. واگر استطاعتش قبل از سال سوّم باشد، حج تمتع بر او واجب می شود. اینها در صورتی است که اقامتش به قصد مجاورت باشد، یعنی مدتی در جوار خانهء خدا بودن. وامّا اگر به قصد توطّن باشد، این هم دو صورت دارد:

۱ – از اوّل قصد توطن داشته، در این صورت وظیفه اش حج افراد یا قران است، چه آن که وارد سال سوم شده باشد یا خیر.

۲ – بعد از مدتی قصد توطن نموده،

که در این صورت اگر استطاعتش قبل از توطن وپیش از وارد شدن سال سوم باشد، وظیفه اش حج تمتع است. واگر بعد از قصد توطن باشد، وظیفه اش افراد یا قران می باشد، چه آن که وارد سال سوم شده باشد یا نشده باشد. همچنین است حکم کسی که قصد توطن در غیر مکه داشته باشد از اماکنی که فاصلهء آنها تا

مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

مسأله ۱۴۶

هرگاه در بلد خود مستطیع بوده وپس از استطاعت در مکه اقامت نمود یا پس از اقامت در مکه وقبل از انقلاب وبرگشتن وظیفه اش به حج افراد یا حج قران مستطیع شود، جایز است برای او که از ادنی الحل محرم شود، اگر چه احوط آن است که به یکی از مواقیت رفته واز آن جا برای عمرهء تمتع محرم شود. واحوط این است که به میقات اهل بلد خود برود. واهل هر بلدی میقاتی دارند که بیانش خواهد آمد.

ttttt

حج تمتع

مسأله ۱۴۷

حج تمتع، عبارت از دو عبادت است که نام عبادت اول، عمره ونام عبادت دوم حج

است. وگاهی عبادت دوم را حج تمتع می گویند. وواجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج به جا آورند.

اعمال عمرهء تمتع

مسأله ۱۴۸

اشاره

در عمرهء تمتع پنج چیز واجب است:

اول : احرام از یکی از میقات ها، وتفصیل آنها را خواهی دانست.

دوم: طواف دور خانهء خدا.

سوم: خواندن دو رکعت نماز طواف.

چهارم: سعی (رفت وآمد) بین صفا ومروه که نام دو جای معین در جنب مسجد الحرام است.

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن. وهنگامی که شخص این اعمال پنجگانه را به

جا آورد، از احرام بیرون رفته وچیزهایی که به جهت احرام بر او حرام شده بود، حلال می شود.

مسأله ۱۴۹

بر مکلف واجب است با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجه خود را برای اعمال حج آماده ومهیا نماید.

اعمال حج تمتع

اشاره

در حج تمتع سیزده چیز واجب است:

اول: بستن احرام از مکه به تفصیل وشرحی که خواهد آمد.

دوم: وقوف (بودن) در عرفات از یک ساعت بعد از ظهر روز نهم ذی الحجه (روز عرفه) یا از اول ظهر تا مغرب. وعرفات نام جایی است در چهار فرسخی مکه.

سوم: بودن در مزدلفه (مشعر) که بین عرفات ومکه است، از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب.

چهارم: رمی جمرهء عقبه (زدن سنگریزه) در منی روز عید قربان. ومنی تقریباً یک فرسخ تا مکه فاصله دارد.

پنجم: قربانی کردن در منیروز عید.

ششم: تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی. وبه این عمل آنچه بسبب احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود، مگر زن وبوی خوش وشکار بنابر احتیاط.

هفتم: طواف دور خانهء خدا به عنوان زیارت پس از بازگشت به مکه.

هشتم : به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.

نهم: سعی (رفت وآمد) بین صفا ومروه. وبا این

عمل بوی خوش نیز حلال می شود.

دهم: طواف نساء.

ی ازدهم: به جا آوردن نماز طواف نساء. وبه این عمل زن نیز حلال می شود.

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی شب یازدهم وشب دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی از صور که بیانش می آید.

سیزدهم: رمی سه جمره (اولی ووسطی وعقبه) در روز یازدهم ودوازدهم، بلکه در روز سیزدهم بنابر احتیاط در صورتی که شب سیزدهم را در منی مانده باشد.

شرایط حج تمتع

مسأله ۱۵۰

اشاره

در حج تمتع چند چیز شرط است:

*****مناسک حج (فارسی): ۹۷

اول: نیت، که قصــدش این باشد که حج تمتع را به جا می آورد. پس اگر نیت حج دیگری نمود یا در نیت تردید داشت، حجش صــحیح نخواهد بود.

دوم: آن که عمره وحــج هر دو با هم در ماه های حــج (شوال ذی القعده وذی الحجه) باشد. پس اگر یک جزء از عمره را قبل از ماه شوال به جا آورده باشد، عمره اش صحیح نخواهد بود.

سوم: آن که عمره وحــج در یک سال به جا آورده شونــد. پس اگر عمره را به جا آورد وحج را به سال بعد تأخیر نمود، تمتع صــحیح نخواهــد بود. وفرقی نیست در این حکم بین اینکه تا سال بعد در مکه بماند یا آن که به وطن خود مراجعت نموده ودوباره به مکه بیاید. همچنان که فرقی نیست بین اینکه بعد از عمره به تقصیر از احرام بیرون آید. یا تا سال آینده

*****مناسک حج (فارسی): ۹۸

در احرام خود باقی بماند.

چهارم: آن که احرام حج در حال اختیار از خود مکه باشد. وبهترین موضع مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل است. وچنان چه نتواند از خود مکه احرام ببندد، از هر جا که بتواند باید محرم شود.

پنجم: آن که مجموع اعمال عمرهء تمتع وحج تمتع را یک نفر انجام دهد از طرف یک نفر. پس اگر دو نفر برای انجام حج تمتع از طرف مرده یا زنده ای اجیر شوند که یکی عمره ودیگری حج را انجام دهد، صحیح نخواهد بود. وهمچنین اگر یک نفر حج نماید وعمره را به جای کسی وحج را به جای دیگری انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

مسأله ۱۵۱

همین که شخص اعمال عمرهء تمتع را به جا آورد، واجب است اعمال حج تمتع را به جا آورد، وجایز نیست برای کاری غیر از اعمال حج

*****مناسک حج (فارسی): ۹۹

از مکه بیرون برود، مگر آن که خروج وی برای حاجتی باشد، وبیم آن نرود که اعمال حجش فوت گردد، که در این صورت واجب است برای حج خود، از مکه احرام حج را بسته وبرای کاری که دارد از مکه بیرون رفته وسپس با همان احرام به مکه برگشته واز مکه رهسپار عرفات گردد. وچنان چه نتواند به مکه برگردد از جای خود به عرفات رود.

مسأله ۱۵۲

همچنان که بیرون رفتن از مکه برای کسی که عمرهء تمتع به جا می آورد پس از فراغ از اعمال عمرهء تمتع جایز نیست، در اثنای عمره نیز نباید از مکه بیرون برود. پس هر گاه پیش از وارد شدن به مکه بداند که محتاج به بیرون رفتن از مکه خواهد شد، مانند حمله دارها که نوعاً این طورند، می تواند اولاً به عنوان عمره مفرده محرم شده وبه مکه رفته واعمال مفرده را به جا آورده واز مکه

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۰

برای کاری که دارد بیرون رفته وپس از انجام کار خود ثانیاً برای عمرهء تمتع احرام بسته وبه مکه بیاید. وگذشتن یک ماه از عمرهء مفرده که اول به جا آورده، معتبر نیست در صحت آن.

مسأله ۱۵۳

بیرون رفتن از مکه بعد از عمره یا در اثنای آن که حرام شده، بیرون رفتن به جای دیگر است، واما رفتن به اطراف ونواحی تابع مکه عیبی ندارد. پس کسی که منزلش بیرون مکه است، می تواند در اثنا یا بعد از فراغت از اعمال عمره به منزل خود برگردد.

مسأله ۱۵۴

اشاره

هر گاه پس از انجام عمره بدون احرام از مکه بیرون رفت واز میقاتها گذشت، دو صورت دارد:

اول: آن که بازگشتن به مکه پیش از گذشتن یک ماه از انجام عمره است، که در این

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۱

صورت لازم است بدون احرام به مکه برگشته، واز مکه احرام بسته وبه سوی عرفات برود.

دوم: آن که بازگشت وی به مکه پس از گذشتن یک ماه باشد. در این صورت لازم است عمره را دوباره انجام دهد.

مسأله ۱۵۵

کسی که وظیفه اش حج تمتع است، نمی تواند به حج افراد یا حج قران عدول نماید، مگر در صورتی که پس از شروع به عمرهء تمتع وقتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نموده وخود را به حج برساند، یعنی اگر خواسته باشد اعمال عمره را انجام دهد بیم آن برود که به حج نرسد، نیت خود را به نیت حج افراد تبدیل نموده وعمره را ترک وبه حج رفته وبعد از حج عمر مفرده به جا آورد. ومیزان در تنگی وقت که این امر را جایز می کند، بیم از دست رفتن مقداری رکن از وقوف

اختیاری عرفات است.

مثال: شخصی صبح روز نهم ذی الحجه وارد مکه می شود ومی خواهد عمرهء تمتع به جا آورد وشروع می نماید در آن.

پس می بیند اگر عمره را به جا آورد، تا ظهر یا یک بعد از ظهر که ابتدای وقت وقوف اختیاری عرفات است نمی تواند خود را به عرفات برسانند. این شخص به نیت حج افراد به عرفات رفته واعمال حج را به جا آورده وپس از اعمال حج به مکه برگشته وعمرهء مفرده به جا آورد.

مسأله ۱۵۶

کسی که وظیفه وی حج تمتع است، چنان چه پیش از شروع به عمره بداند که وقتش گنجایش اعمال عمره ودرک حج را ندارد، نمی تواند از اول به حج افراد یا قران عدول نماید، بلکه واجب است حج را تا سال آینده تأخیر نماید.

مسأله ۱۵۷

هر گاه در سع وقت برای عمرهء

تمتع احرام بست وطواف وسعی خود را عمداً تا زمانی که نتواند آنها را به جا آورده وحج را درک نماید به تأخیر انداخت، عمر وی باطل است ونمی تواند بنابر اظهر به حج افراد عدول نماید. لکن احوط این است که عدول به افراد نموده وعمره را به قصد اعم از حج افراد یا عمرهء مفرده به جا آورد.

حج افراد

اشاره

حج افراد عملی است وجداگانه وهمچنان که گذشت بر کسی واجب می شود که فاصلهء بین وطنش تا مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

و در صورتی که بتواند علاوه بر حج افراد عمرهء مفرده را به جا آورد، عمرهء مفرده نیز به طور جداگانه بر او واجب خوهد بود. بنابر این کسی که می تواند فقط

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۴

ی کی از این دو را به جا آورد، همانی را که می تواند به جا آورد بر او واجب می شود. وچنان چه بتواند یکی از این دو را در زمانی ودیگری را در زمان دیگری به جا آورد، واجب است آنچه وظیفهء وی در هر زمان اقتضا می نماید همان را به جا آورد. وچنان چه در یک وقت بتواند هردو را انجام دهد، واجب است هر دو را انجام دهد. ومشهور بین فقها در این صورت این است که باید حج پیش از عمره به جا آورده شود. واحوط نیز همین است.

مسأله ۱۵۸

اشاره

حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند وحج افراد با حج تمتع چند فرق دارد:

اول: آن که حج افراد لازم نیست متصل به عمره ودر یک سال باشد، ولی حج تمتع همان طور که گفته شد لازم است متصل وبعد از عمره ودر یک سال

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۵

انجام شود.

دوم: آن که در حج افراد قربانی لازم نیست، ولی در حج تمتع چنان که گفته شد، قربانی لازم است.

سوم: آن که در حج افراد جایز است در حال اختیار طواف وسعی حج را بر وقوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع نمی شود این کار را کرد.

چهارم: آن که احرام حج افراد باید از یکی از جاهایی که گفته شد باشد، واما احرام حج تمتع باید از خود مکه باشد.

پنجم: آن که عمرهء حج افراد را می شود پیش از حج یا بعد از آن به جا آورد، ولی در حج تمتع واجب است عمره پیش از حج باشد.

ششم: آن که بعد از احرام حج افراد می شود طواف مستحبی نمود. ودر حج تمتع پس از احرام

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۶

بنابر احتیاط وجوبی، جایز نیست طواف مستحبی به جا آورده شود.

مسأله ۱۵۹

هر گاه برای حج افراد مستحبی احرام بسته شود، می توان به عمر تمتع عدول نمود، مگر در صورتی که بعد از سعی تلبیه بگوید، که نمی تواند به عمر تمتع عدول نمود.

مسأله ۱۶۰

هرگاه برای حج افراد احرام بست ووارد مکه شد، جایز است دور خانهء خدا استحباباً طواف نماید، ولی واجب است در این صورت پس از برگزاری نماز طواف، تلبیه بگوید بنابر احتیاط.

حج قران

مسأله ۱۶۱

اشاره

حج قران با حج افراد در تمام

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۷

جهات با هم متحد ویکسانند، مگر آن که در حج قران هنگام احرام باید مکلف قربانی را همراه داشته باشد، وبدین جهت قربانی بر او واجب می شود. واحرام در این قسم از حج همانطور که با تلبیه محقق می شود، با اِشعار (علامت گذاشتن) یا تقلید (چیزی به گردن حیوان آویختن)نیز محقق می شود. وهرگاه برای حج قران احرام ببندد جایز نیست به حج تمتع عدول نماید.

توضیح: آن که چون در حج قران باید قربانی همراه حاجی باشد، باید بر او علامت بگذارد یعنی اگر شتر است کوهان او را بشکافد واگر گوسفند باشد گوش او را دریده یا پشت وسر وگردن او را رنگ کند، که این را اشعار گویند یا آن که چیزی بر گردن حیوان مانند زنگوله یا چیزی دیگر بیاویزد که این را تقلید (قلاده، گردنبند) می گویند. ویکی از این دو

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۸

کار جای تلبیه را می گیرد.

میقات های احرام

اشاره

در شریعت مقدسهء اسلام جاهایی برای بستن احرام تعیین شده که به آنها میقات گفته می شود وواجب است احرام از یکی از

آن جاها بسته شود. وآنها ده مکان می باشد:

۱ – مسجد شجره

اشاره

مسجد شجره در نزدیکی مدینهء منوره است. وآن میقات اهل مدینه وهر کسی است که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود. وجایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی وبرابر آن از طرف راست

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۹

ی ا چپ باشد، احرام بسته شود. واحوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود.

مسأله ۱۶۲

کسی که از راه مدینه به حج می رود وبه مسجد شجره می رسد ومیقات دیگری به نام «جحفه» در میان راه دارد، نمی تواند از مسجد شجره بدون احرام گذشته واز جحفه احرام ببندد، مگر شخص بیمار یا ضعیف ومانند این ها که نمی توانند از مسجد شجره احرام ببندند.

۲ – وادی عتیق

اشاره

وادی عتیق میقات اهل عراق ونجد وهر کسی است که از آن جا عبور کند، هر چند اهل عراق ونجد نباشد، واین میقات دارای سه جزء می باشد: ۱ – مسلخ، که نام جزء می باشد: ۲ – عمره، که نام وسط

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۰

آن است. ۳ – ذات عرق، که نام آخر آن است. واحوط واولی آن است که مکلف در صورتی که مانعی مانند بیماری یا تقیه نداشته باشد، پیش از رسیدن به ذات عرق احرام ببندد.

مسأله ۱۶۳

در حال تقیّه جایز است مخفیانه پیش از رسیدن به ذات عرق بدون اینکه عرق لباس های خود را بکند محرم شده وپس از رسیدن به ذات عرق لباس های خود را کنده ودو جامه جامه احرام را بپوشد.

۳ – جحفه

جحفه میقات اهل شام ومصر ومغرب وهر کسی است که از آن جا عبور نماید، هر چند اهل آن جا نباشد. واین در صورتی

است که این شخص از میقات سابق از آن احرام نبسته باشد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۱

۴ – یلملم

یلملم نام کوهی است. ومیقات أهل یمن وهر کسی است که از آن راه بگذرد.

۵ – قرن المنازل

قرن المنازل میقات أهل طائف وهر کسی است که از آن راه برود.

۶ – مکهء مکرمه

مکهء مکرمه قدیم که در زمان پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) بوده که حدود آن از عقبهء

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۲

مدنیین است تا ذی طوی.

۷ – منزل خود شخص

منزل خود شخص، میقات کسی است که منزلش به مکه نزدیکتر از میقات باشد، که چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد ولازم نیست جهت احرام بستن به یکی از میقات های دیگر برود.

۸ – جعرانه

جعرانه میقات اهل مکه است برای حج قران وافراد. ودر حکم اهل مکه است کسی که دو سال تمام در مکه مجاور بوده که پس از گذشتن آن به منزلهء اهل

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۳

مکه خواهد بود. واما پیش از دو سال حکمش در مسألهء«۱۴۶» گذشت.

۹ – محاذات مسجد شجره

کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینهء منوره اقامت نموده وعازم حج باشد وبخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی وبرابر مسجد شجره خواهد بود وهمان جا میقاتش خواهد بود واز همان جا احرام می بندد. ودر تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره واحرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص

مورد مذکور نیز مشکل است، بلکه ظاهر این است که اگر فاصله زیاد باشد تعدی ننماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۴

۱۰ – اَدنی الحل

اَدنی الحل میقات عمرهء مفرده است بعد از حج قران یا افراد. بلکه برای هر عمرهء مفرده است برای کسی که در مکه است وبخواهد عمرهء مفرده به جا آورد. وافضل وبهتر آن است از حدیبیه یا جعرانه وتنعیم احرام ببندد. وحدیبیه وجعرانه وتنعیم، نام سه مکان می باشد که نزد اهل مکه مشهور ومعروف است.

احکام میقات ها

مسأله ۱۶۴

احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، همچنان که عبور از میقات با احرام کفایت نمی کند. بلکه بایستی از خود میقات احرام

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۵

بسته شود. واز این حکم، دو مورد استثناء شده است.

۱ – آن که نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد، که در این صورت احرام بستن قبل از میقات صحیح واحتیاجی به تجدید آن در میقات یا گذشتن از میقات نیست. بلکه می تواند از راهی به مکه برود که به هیچ یک از میقات ها برخورد نکند، ودر این حکم فرقی بین حج واجب ومستحب وعمرهء مفرده نیست. بلی فرقی که هست این است که اگر احرام برای حج باشد، لازم است در

ماه های حج باشد(شوال، ذی القعده، ذی الحجه) چنان که گذشت.

۲ - کسی که قصد عمرهء مفرده در ماه رجب دارد وبیم آن داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد موفق به درک عمره نشود، برای چنین شخصی جایز است قبل از میقات احرام ببندد وبرای او عمرهء

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۶

رجب شمرده می شود، هر چند اعمال عمره را در ماه شعبان به جا آورد. ودر این حکم فرقی بین عمرهء واجب ومستحب نیست.

مسأله ۱۶۵

بر مکلف واجب است یقین به رسیدن به میقات پیدا نموده واحرام ببندد، یا اطمینان به آن حاصل نماید، یا حجت شرعی داشته باشد وچنان چه شک در رسیدن به میقات داشته باشد، احرام بستن برای او جایز نخواهد بود.

مسأله ۱۶۶

کسی که نذر نموده قبل از میقات احرام ببندد وبرخلاف نذر خود از میقات احرام بست، احرام وی باطل نیست، ولی کفارهء مخالفت نذر بر او واجب می شود، اگر از روی عمد این کار را کرده باشد.

مسأله ۱۶۷

همچنان که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات نیز جایز

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۷

نیست. پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه را دارد، نمی تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید مگر آن که از میقات احرام ببندد، هر چند میقات دیگری در جلو داشته باشد. وهر گاه بدون احرام از میقات گذشته وپیشروی کرد، در صورت امکان باید به میقات برگردد.

مسأله ۱۶۸

اشاره

هر گاه مکلف از روی علم وعمد از میقات احرام نبسته واز آن گذشت، این مسأله چند صورت دارد:

اول: آن که می تواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته واز آن احرام ببندد، خواه برگشتنش از داخل حرم یا از خارج آن باشد. پس اگر چنین کاری کرد، عملش بدون اشکال صحیح خواهد بود.

دوم: آن که مکلف در حرم باشد ونتواند به

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۸

میقات برگردد ولی بتواند از حرم بیرون برود، که در این صورت واجب است از حرم بیرون رفته واز بیرون حرم احرام ببندد.

سوم: آن که در حرم باشد ونتواند به میقات یا بیرون حرم برود، هر چند به جهت بیم فوت حج باشد. ودر این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد.

چهارم: آن که خارج حرم باشد ونتواند به میقات برگردد. در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد.

و جمعی از فقها(رحمه الله علیهم) در سه صورت اخیر حکم به بطلان عمره نموده اند، ولی صحت آن خالی از وجه نیست، هر چند مکلف به جهت ترک احرام از میقات مرتکب حرام شده است. لکن احوط مع ذلک در صورت امکان اعادهء حج است. وچنان چه مکلف در سه صورت اخیر به وظیفه ای که

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱۹

گفته شد عمل ننمود وعمره را به جا آورد، بی شک حج وی فاسد خواهد بود.

مسأله ۱۶۹

اشاره

هرگاه انسان بجهت فراموشی یا بی هوشی ومانند این ها یا ندانستن حکم یا ندانستن میقات، احرام را ترک نماید، یعنی بدون احرام از میقات بگذرد، این مسأله نیز دارای چهار صورت می باشد:

اول: آن که بتواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته واز همانجا احرام ببندد.

دوم: آن که در حرم باشد وبرگشتن به میقات غیر ممکن وبه خارج حرم ممکن باشد، که در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته واز خارج حرم محرم شود. واولی در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود واحرام ببندد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۰

سوم: آن که در حرم باشد وبرگشتن به خارج حرم برایش ممکن نباشد، که در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد، هر چند وارد مکه شده باشد.

چهارم: آن که در خارج حرم باشد ونتواند به میقات برگردد، که در این صورت لازم است از جای خود محرم شود. ودر تمام این چند صورت حکم به صحت عمل مکلف می شود، اگر وظایفی را که گفته شد انجام بدهد.

مسأله ۱۷۰

هر گاه زن حائض از روی جهل به حکم وندانستن مسأله از میقات احرام نبسته وداخل حرم شد، بر او لازم است مانند دیگران در صورتی که نتواند به میقات برگردد، به خارج حرم رفته واز آن جا احرام ببندد. بلکه احتیاط این است که تا آن جا که ممکن است از حرم دور شود واحرام ببندد،

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۱

به شرطی که این عمل مستلزم فوت حج نباشد. ودر صورتی که انجام این عمل برایش ممکن نباشد، با دیگران یکسان خواهد بود یعنی مانند دیگران از حرم محرم شود.

مسأله ۱۷۱

هرگاه عمره فاسد شد، واجب است در صورت امکان از سر گرفته شود. وچنان چه اعادهء آن هر چند به جهت کمی وقت ممکن نباشد،حج وی فاسد خواهد بود ولازم است در سال بعد اعاده شود.

مسأله ۱۷۲

جمعی از فقها فرموده اند که اگر مکلف از روی نادانی یا فراموشی عمره را بدون احرام به جا آورد، عمرهء وی صحیح است. واین فرمایش خالی از اشکال نیست، واحتیاط در این صورت این است که به طوری که گفته شد در این صورت امکان اعاده نماید واین احتیاط البته نباید

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۲

ترک شود.

مسأله ۱۷۳

در سابق گذشت کسی که وطنش از مکه دور باشد، واجب است از یکی از میقات های پنجگانه که ذکر شد برای عمره احرام ببندد. پس اگر راهش از آن میقات ها باشد که اشکالی ندارد، وچنان چه راهش از آن جا نباشد، مانند وضع حجاج در این زمان که همگی ابتداءاً وارد جده می شوند وجده از مواقیت نیست پس احرام از جده مجزی نیست حتی اگر محاذی وبرابر یکی از آن ها باشد چنان که دانسته شد، علاوه بر اینکه محاذاتش ثابت نشده بلکه اطمینان به عدم محاذات وی می باشد پس با این حال بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن وبلد خود یا در راه قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد، هر چند در هواپیما باشد، نذر احرام

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۳

نموده واز محل نذر، احرام ببندد. وممکن است برای کسی که وارد جده شده بدون احرام، برود به «رابغ» که در راه مدینه است واز آن جا به نذر احرام ببندد، به اعتبار اینکه قبل از جحفه که یکی از مواقیت است می باشد. ودر صورتی که رفتن به

یکی از مواقیت ممکن نباشد وقبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است که از

جده با نذر احرام بسته وبعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

مسأله ۱۷۴

در سابق گفته شد که شخصی که می خواهد حج تمتع به جا آورد، واجب است که برای حج خود از مکه محرم شود. پس اگر با علم وعمد از جای دیگری غیر از مکه احرام ببندد احرامش صحیح نخواهد بود، هر چند با احرام وارد مکه شود. بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید، ودر غیر این صورت حجش

باطل خواهد بود.

مسأله ۱۷۵

هرگاه کسی که می خواهد حج تمتع نماید فراموش نمود که از مکه محرم شود، در صورت امکان واجب است به مکه برگردد واگر ممکن نشد، از جای خود هر چند در عرفات باشد احرام ببندد. وهمچنین است حکم کسی که مسأله را نمی دانسته.

مسأله ۱۷۶

کسی که احرام حج را بکلی فراموش نموده وتا پایان اعمال حج یادش نیاید، حجش صحیح است. وهمچنین است حکم جاهل به مسأله.

کیفیت احرام

اشاره

واجبات احرام سه چیز است: نیت، تلبیه،

پوشیدن لباس احرام.

اول: نیت،

اشاره

یعنی قصد به جا آوردن آنچه در حج وعمره واجب شده قربهء الی الله تعالی. وچنان چه اعمال واجب است را به طور تفصیل ندانند، واجب قصد به جا آوردن را به طور اجمال نماید. ودر این هنگام لازم است تدریجاً آنچه بر او وارد می شود از روی

مناسک یاد گرفته یا از کسی که مورد وثوقش باشد بپرسد. پس هر گاه بدون قصد، احرام بست احرامش باطل خواهد بود. ودر نیت چند چیز معتبر است:

۱ – قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

۲ – همزمان بودن با شروع در احرام.

۳ – تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، وتعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، وتعیین

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۶

اینکه برای خود است یا برای دیگری، وتعیین اینکه حجش حجهء الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هر یک از این ها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود احرامش باطل خواهد بود.

مسأله ۱۷۷

در صحت نیت گفتن به زبان وگذراندن از ذهن معتبر نیست یعنی لازم نیست نیت را به زبان آورده یا از ذهن خود بگذراند. بلکه داعی بر آن کفایت می کند، مانند عبادت های دیگر که در آن ها داعی کافی است.

مسأله ۱۷۸

در صحت احرام عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام معتبر نیست، مگر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۷

استمناء وجماع. پس اگر از اول احرام حج قصدش این باشد که پیش از وقوف به مزدلفه استمناء یا با عیال خود جماع (نزدیکی) نماید یا مردد باشد، احرامش باطل خواهد بود. واما اگر از اول عزمش ترک این دو امر باشد وعزمش تا آخر استمرار نداشته باشد، به اینکه پس تحقق احرام قصد به جا آوردن یکی از این دو امر را نماید، احرامش باطل نخواهد شد.

دوم: تلبیه

اشاره

، یعنی گفتن این چند جمله است { : «لَبَّیْکَ اَللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لاـ شَریکَ لَکَ لَبَّیْک». } و احوط واولی اضافه نمودن این جمله { : «إنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهءَ لَکَ وَ الْمُلْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْک». } و جایز است کلمهء « لَکَ » بعد از کلمهء { «وَ الْمُلْکَ» } اضافه شود که { بگوید «وَ الْمُلْکَ لَکَ». } و تلبیهء کامل این است: { «لَبَّیْکَ اَللّهُمَّ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ }

*****مناسک حج (فارسی): ١٢٨

{ لَبَّيْک، إنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهءَ لَکَ وَ المَلْکَ لَک، لا شَرَيکَ لَکَ لَبَّيْک» } . يعنى پروردگارا اجابت واطاعت مى كنم فرمان تو را، براى تو شريك نيست، به درستى كه ستايش تو را سزاست ونعمت وملك وپادشاهى از آن تو است، شريكى براى تو در آن ها نيست.

مسأله ١٧٩

بر مكلف لازم است الفاظ تلبيه را ياد گرفته وبه طورصحيح ادا نمايد، مانند تكبيره الاحرام در نماز، هر چند اين معنى با تلقين ديگرى باشد، يعنى ديگرى كه خوب بلد است بگويد واو مانند او بگويد. پس اگر اين الفاظ را ياد نگرفت وتلقين هم برايش ميسور نبود، واجب است آنچه مى تواند بگويد. واحوط در اين صورت جمع بين گفتن به مقدار ميسور وگفتن ترجمهء آنها ونايب گرفتن ديگرى است كه به جاى او بگويد.

مسأله ١٨٠

شخص گنگ ولال با انگشت

*****مناسک حج (فارسی): ١٢٩

خود به تلبيه اشاره نموده وزبان خود را حركت دهد. واولى اين است كه اين كار را خود انجام داده ونايب هم بگيرد كه به جاى او تلبيه بگويد.

مسأله ١٨١

بچ غير مميز، ديگرى به جاى او تلبيه مى گويد.

مسأله ١٨٢

احرام حج تمتع واحرام عمرهء تمتع واحرام حج افراد واحرام عمرهء مفرده، بدون تلبيه منعقد نمى شود. واما حج قران همچنان كه به تلبيه محقق ومنعقد مى شود، به اشعار يا تقليد نيز محقق مى شود. واشعار مختص به شتر قربانى است وتقليد مشترك بين شتر وغير آن از گاو وگوسفند از انواع قربانى است. واولى در شتر جمع بين اشعار وتقليد است. واحوط در حج قران تلبيه است، هرچند احرامش به اشعار يا تقليد منعقد شده است. واشعار عبارت از پاره كردن طرف راست كوهان شتر است به

*****مناسک حج (فارسی): ١٣٠

اين معنى كه محرم طرف چپ قران ايستاده وطرف راست كوهانش را پاره نموده خون آلود نمايد. وتقليد عبارت از اين است كه نعلين كهنه اى كه با آن نماز گزارده باشد به گردن قربانى بياويزد.

مسأله ۱۸۳

در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر واکبر شرط نیست وکسی که محدث به حدث اصغر یا حدث اکبر باشد احرام وی صحیح است. به عبارت واضح تر احرام شخص بی وضو یا جنب یا زن در حال حیض یا نفاس اشکالی ندارد. بنابر این جنب وحائض ونفساء می توانند احرام ببندند.

مسأله ۱۸۴

تلبیه در احرام به منزلهء تکبیرهء الاحرام در نماز است. پس احرام بدون تلبیه واشعار وتقلید نسبت به شخصی که می خواهد حج قران به جا آورد محقق نمی شود. پس هرگاه نیت احرام نموده

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۱

و لباس احرام را پوشید ویکی از محرمات احرام را قبل از تحقیق احرام (تلبیه گفتن یا اشعار وتقلید) به جا آورد، گناهی نکرده وکفاره ای بر وی نخواهد بود.

مسأله ۱۸۵

کسی که می خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به «بیداء» (جایی است که یک میل با ذو الحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر نموده ودر آن جا تلبیه بگوید. وکسی که از راه دیگر به حج برود تلبیه را پس از قدری را رفتن بگوید. وکسی که از مکه می خواهد به حج برود، تلبیه را تا رسیدن به «رقطا» (جایی که نامش مدعی وقبل از ردم است) تأخیر نماید. ولی احتیاط این است که از جایی که احرام می بندد فوراً تلبیه را آهسته بگوید واز جایی که گفته شد بلند بگوید.

مسأله ۱۸۶

کسی که عمرهء تمتع به جا

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۲

می آورد واجب است هنگامی که چشمش به خانه های قدیم مکه افتاد تلبیه نگوید. وکسی که عمرهء مفرده به جا می آورد اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام دخول حرم وچنان چه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن کعبه (خانه خدا) تلبیه را قطع نماید. وکسی که حج به جا می آورد هر نوع حجی باشد، هنگام زوال (ظهر) روز عرفه تلبیه را قطع نماید.

مسأله ۱۸۷

اگر پس از پوشیدن لباس احرام وپیش از گذشتن از میقات، شک کند که تلبیه گفته یا نه بنابر نگفتن گذاشته وتلبیه بگوید

واگر بعد از تلبیه گفتن شک کند که آیا درست گفته یا نه. بنابر درست بودن بگذارد واحرام وعملش صحیح است.

سوم: پوشیدن دو جامهء احرام

اشاره

(اِزار ورِداء) است پس از کندن رخت هایی که پوشیدنش بر محرم حرام است. وپوشیدن آن دو جامه به این نحو است

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۳

که یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته وآن را «اِزار» گویند ودیگری را مانند عبا بر دوش بگیرد وآن را «رِداء» گویند. وبچّهء نابالغ از این حکم مستثنی می باشد وجایز است کندن لباس او تا رسیدن به «فخ» تأخیر شود.

مسأله ۱۸۸

پوشیدن دو جامهء احرام واجب تعبدی است وشرط تحقق احرام نیست بنابر اظهر. واحتیاط این است که پوشیدن آن ها به نحو متعارف باشد.

مسأله ۱۸۹

اِزار باید به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند. وردا، باید به اندازه ای باشد که دو شانه را بپوشاند. واحتیاط این است که پوشیدن آن ها پیش از نیت وتلبیه باشد. پس اگر نیت وتلبیه را پیش از پوشیدن به جا آورد، پس از پوشیدن اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۴

مسأله ۱۹۰

هرگاه از روی نادانی یا فراموشی موقعی که پیراهن پوشیده احرام بست، آن را فوراً بکند واحرامش صحیح است. بلکه اظهر این است که حتی در صورتی که از روی علم وعمد در پیراهن یا جامهء عادی احرام ببندد، صحیح خواهد بود. واما اگر بعد از احرام پیراهنی پوشید، احرامش بدون شک صحیح است ولی باید آن را از طرف پا بکَند وچنان چه یخهء آن تنگ باشد که نشود از طرف پا بکند، آن را شکافته یا دریده واز طرف پا بکند. خلاصه آن که نباید از طرف سر کنده شود.

مسأله ۱۹۱

پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن عیبی ندارد.

مسأله ۱۹۲

آن چه در لباس نمازگزار شرط است، در دو جامه احرام نیز شرط است. پس لازم

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۵

است که دو جامهء احرام از حریر خالص واز اجزای حیوانی که خوردن گوشتش حرام است نباشد. وزربفت نیز نباشد وهمچنین لازم است پاک باشد. بلی نجس شدن به نجاستی که در نماز بخشوده است عیبی ندارد.

مسأله ۱۹۳

ازار باید بدن نما نباشد. واحوط این است رداء نیز بدن نما نباشد.

مسأله ۱۹۴

احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد واز قبیل چرم وپوست ونمد نباشد.

مسأله ۱۹۵

پوشیدن رداءو ازار فقط بر مردان واجب است وزنان می تواننـد در رخت های عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده باشد احرام ببندند.

مسأله ۱۹۶

پوشیدن حریر گرچه فقط بر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۶

مردان حرام است، اما زنان نیز نبایـد در جامهء حریر احرام ببندنـد. واحتیاط این است که هیـچ چیزی که از حریر خالص باشد، در تمام احوال احرام نپوشند.

مسأله ۱۹۷

چنان چه یکی از دو جامهء احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید.

مسأله ۱۹۸

واجب نیست جامه های احرام را به طور دائم بپوشد وبرداشتن رداء از روی دوش برای ضرورت یا غیر آن عیبی ندارد، همچنان که عوض کردن آن در صورتی که آن عوض دارای شرایط ذکر شده باشد عیبی ندارد.

تروک احرام

اشاره

در گذشته گفته شد که احرام به تلبیه یا اشعار

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۷

یا تقلیـد محقق می شود وبـدون آن ها احرام منعقد نخواهد شد، هرچند نیت احرام حاصل شده باشد، پس هرگاه مکلف احرام بست، بیست وپنج چیز بر او حرام می شود که آن ها را تروک احرام می نامند:

۱ - شکار حیوان صحرایی.

۲ - نزدیکی با زنان

۳ - بوسیدن زن

۴ - دست زدن به زن

۵ - نگاه کردن به زن

۶ - استمناء

۷ - عقد نکاح

۸ - استعمال بوی خوش

۹ - پوشیدن لباس دوخته بر مردان

۱۰ - سرمه کشیدن

۱۱ - نگاه در آیینه

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۸

۱۲ - پوشیدن چکمه وجوراب بر مردان

۱۳ - دروغ گفتن

۱۴ - مجادله(بگو مگو کردن)

۱۵ - کشتن شپش ومانند آن

۱۶ – زینت کردن

۱۷ – روغنمالی بدن

۱۸ – کندن موی بدن

۱۹ – پوشاندن سر بر مردان

۲۰ – پوشانیدن رو بر زنان

۲۱ – زیر سایه رفتن بر مردان

۲۲ – خارج نمودن خون از بدن

۲۳ – ناخن گرفتن

۲۴ – دندان کشیدن

۲۵ – همراه داشتن سلاح

و تفصیل این امور در مسائل ذیل بیان خواهد

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۹

شد.

۱ – شکار حیوان صحرایی

مسأله ۱۹۹

محرم خواه در حرم خواه در حل (خارج حرم) باشد، نباید حیوان صحرایی را شکار نموده یا بکشد، چه آن که حلال گوشت باشد یا نباشد همچنان که جایز نیست کشتن حیوان صحرایی، اگرچه بعد از شکار اهلی شده باشد. وشکار در حرم مطلقاً جایز نیست، هر چند شکارچی محرم نباشد.

مسأله ۲۰۰

همچنان که شکار حیوان صحرایی بر محرم حرام است، کمک دیگری در شکار نیز حرام است، هر چند با اشاره باشد. ودر حرمت کمک بین اینکه شکارچی محرم باشد یا مُحل فرقی نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۰

مسأله ۲۰۱

محرم نباید شکار را به دست گرفته یا از او نگهداری کند، اگرچه شکارش پیش از احرام باشد. ونباید از گوشت شکار بخورد، هر چند شکار کنندهء مُحل باشد. ونیز حرام است بر محل خوردن گوشت شکاری که مُحرم او را ذبح نموده وهمچنین شکاری را که مُحل در حرم ذبح نموده باشد. وملخ ملحق به حیوان صحرایی است وشکار وگرفتن وخوردنش حرام است.

مسأله ۲۰۲

حکم مذکور مختص به حیوان صحرایی است وشکار حیوان دریایی مانند ماهی اشکالی ندارد. ومقصود از دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند، واما حیوانی که در صحرا ودریا هر دو زندگی می کند مُلحق به صحرایی می باشد. ودر صورت شک به اینکه صحرایی است یا دریایی بنابر اظهر اشکالی ندارد. همچنین کشتن حیوان اهلی مانند

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۱

مرغ خانگی وحبشی اگرچه وحشی شده باشد، وگوسفند وگاو وشتر عیبی ندارد.

مسأله ۲۰۳

جوجه وتخم حیوانات مذکور، در حکم تابع خود آن ها است یعنی همان طور که شکار حیوان صحرایی حرام است، شکار جوجه یا برداشتن تخم آن نیز حرام است وهمان طور که کشتن حیوان اهلی وشکار حیوان دریایی جایز است، کشتن جوجه وکشتن تخم آن ها نیز جایز است.

مسأله ۲۰۴

کشتن درندگان برای محرم جایز نیست مگر در صورتی که از آن ها بر خود بترسد یا کبوتران حرم را اذیت کنند. ودر کشتن درندگان کفاره نیست حتی شیر بنابر اظهر، خواه کشتنشان جایز باشد یا نباشد.

مسأله ۲۰۵

محرم می تواند افعی ومار بزرگ سیاه و مارهای بد وعقرب وموش را بکشد ودر کشتن

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۲

هیچ کدام کفاره نیست.

مسأله ۲۰۶

محرم می تواند به کلاغ وباز شکاری تیراندازی کند ودر صورتی که تیر به آن ها برسد وکشته شوند کفاره ندارد.

کفّارات شکار

اشاره

برای کشتن وشکار هر یک از حیوانات صحرایی در شریعت مطهره کفّاره ای معین شده که در مسائل ذیل بیان خواهد شد.

مسأله ۲۰۷

در کشتن شتر مرغ، یک شتر ودر کشتن گاو وحشی، یک گاو در کشتن خر وحشی، یک شتر یا یک گاو، ودر کشتن آهو وخرگوش، یک گوسفند وهمچنین در کشتن روباه بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره هست.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۳

مسإله ۲۰۸

کسی که شکاری کرد چنان چه کفارهء آن شتر باشد ویافت نشود باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین یک مُد که تقریباً ده سیر است. واگر این را هم نتواند، باید هیجده روز روزه بگیرد. واگر کفّاره گاو باشد ودست نیاید یا مقدور نباشد باید سی مسکین را اطعام نماید. واگر این را هم نتواند نُه روز، روزه بگیرد. واگر کفاره گوسفند باشد ویافت نشود یا نتواند تهیه کند باید ده مسکین را اطعام نماید. واگر متمکن نباشد بایدسه روز روزه بگیرد.

مسأله ۲۰۹

هرگاه محرم در خارج از حرم کبوتر یا مانند آن را شکار نموده وبکشد یک گوسفند باید کفاره بدهد. ودر جوجهء آن، یک بره یا بزغاله باید کفاره بدهد. ودر شکستن تخم آن، یک درهم بنابر احتیاط باید کفاره بدهد. وهر گاه مُحل (غیر محرم)

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۴

کبوتر ومانند آن را در حرم بکشد، یک درهم ودر جوجهء آن نیم درهم ودر تخم آن ربع درهم کفاره بدهد وهر گاه محرم در حرم آن را بکشد، هر دو کفاره بر او واجب می شود. وهمچنین است در کشتن جوجه وشکستن تخم. وتخم اگر جوجه در آن به حرکت آمده، حکم جوجه را دارد.

مسأله ۲۱۰

کفاره شکار قطاهء (مرغی است که آن را به فارسی سنگخوار نامند) وکبک ودراج ومانند آن، یک بره است که از شیر گرفته شده وعلفخوار باشد. وکفار شکار گنجشک وقبره که نوعی از مرغان می باشد که در فارسی آن را چکاوک نامند وصعوه

(مرغی است کوچک وبه فارسی آن را سنگانه نامند) ومانند آن بنابر مشهور، یک مُد که تقریباً سه ربع کیلو(ده سیر) گندم یا جو یا نان ومانند این هاست واحوط در این ها یک بره از شیر گرفته شده است.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۵

و کفارهء کشتن یک ملخ، یک دانه خرما وکفارهء بیشتر از یک ملخ، یک مشت گندم ومانند آن ودر زیاد آن یک گوسفند است.

مسأله ۲۱۱

کشتن موش صحرایی وخار پُشت وسوسمار ومانند این ها، یک بزغاله کفاره دارد. ویک نوع مارمولک (عظایه) یک مشت طعام کفاره دارد.

مسأله ۲۱۲

کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد. ودر صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد.

مسأله ۲۱۳

در راهی که ملخ زیاد است، بایستی محرم راه خود را کج کند که آن را نکشد واگر نتواند این کار را بکند که خواه ناخواه ملخ پایمال می شود عیبی ندارد.

مسأله ۲۱۴

اگر جماعتی در کشتن شکاری

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۶

شرکت کردند، بر هر یک کفارهء مستقلی هست.

مسأله ۲۱۵

کفارهء خوردن شکار مانند کفارهء خود شکار است. پس اگر محرم شکاری کرد وآن را خورد، دو کفاره باید بدهد، یکی برای شکار ودیگری برای خوردن آن.

مسأله ۲۱۶

کسی که شکار همراه دارد وداخل حرم شود. باید او را رها کند وچنان چه رهایش نکرد تا مُرد باید کفاره بدهد بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده وبعداً محرم شود، این نیز جاری است یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد بنابر احتیاط.

مسأله ۲۱۷

وجوب کفاره در کشتن شکار وخوردنش فرقی ندارد چه از روی عمد یا سهو یا نادانی باشد.

مسأله ۲۱۸

در شکار مکرر کفاره نیز مکرر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۷

می شود،خواه شکار از روی نادانی یا فراموشی یا خطا باشد. وهمچنین است در صورت عمد اگر شکار در حرم وشکار کننده مُحل باشد یا شکار کننده محرم به احرام های متعدد باشد، واما اگر شکار عمداً از محرم به یک احرام مکرر شد، کفاره مکرر نخواهد شد.

۲ – نزدیکی با زنان

مسأله ۲۱۹

نزدیکی با زنان (جماع) در اثنای عمرهء تمتع وعمرهء مفرده وحج وبعد از آن پیش از به جا آوردن نماز طواف نساء، بر محرم حرام است.

مسأله ۲۲۰

هرگاه در عمرهء تمتع از روی علم وعمد با زنی از عقب یا جلو نزدیکی نماید چنان چه پس از فراغت از سعی باشد، عمره اش فاسد

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۸

نمی شود وکفاره بر او واجب می شود، وکفاره اش بنابر احتیاط یک شتر است ودر صورت عجز از آن، یک گاو ودر صورت عجز، یک گوسفند است. وچنان چه پیش از سعی باشد کفاره اش مانند گذشته است وعمره اش نیز بنابر اظهر باطل نمی شود ولی احتیاط این است که عمره را پیش از حج در صورت امکان اعاده نماید ودر صورت عدم امکان، در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله ۲۲۱

هرگاه کسی که احرام حج بسته قبل از وقوف در مزدلفه از روی علم وعمد با زنی قبلاً ودبراً نزدیکی نماید، حج او وحج آن در صورتی که محرم ودانا وراضی به این عمل بوده باطل می شود وبر هر یک واجب است حج را تمام نموده وکفاره داده وحج را در سال بعد اعاده نماید، خواه حجشان واجب باشد یا مستحب. ولی اگر زن مجبور بر این عمل بوده حجش فاسد نمی شود وبر مرد دو کفاره واجب

*****مناسک حج (فارسی): ۱۴۹

می شود وبر زن چیزی نخواهد بود. وکفارهء این عمل در صورت قدرت وتمکن، یک شتر ودر صورت عجز، یک گاو ودر صورت عجز، یک گوسفند است. وواجب است بین آن مرد وآن زن از جای وقوع این عمل در این حج وحجی که بعداً اعاده خواهد کرد جدایی باشد تا آن که پس از وقوفین به آن محل برسند. وهرگاه نزدیکی پس از گذشتن از منی به عرفات باشد، لازم است جدایی آن ها تا وقت نحر در منی مستمر باشد. واحوط

این است که جدایی آن ها ت فراغت از تمام اعمال حج استمرار داشته باشد.

مسأله ۲۲۲

هرگاه محرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی علم وعمد با عیال خود نزدیکی کند چنان چه پیش از طواف نساء باشد، مانند گذشته کفاره بر او واجب می شود ولی حجش فاسد نمی شود.و همچنین است اگر این عملش پیش از دور پنجم

طواف نساء باشد. واما اگر بعد از طواف نساء بوده کفاره نیز ندارد.

مسأله ۲۲۳

کسی که از روی علم وعمد در عمرهء مفرده بعد از سعی با زن خود نزدیکی نماید، مانند سابق کفاره بر او واجب می شود ولی عمره اش فاسد نمی شود. ولی اگر قبل از سعی باشد عمره اش نیز باطل وواجب است تا یک ماه در مکه توقف نماید سپس به یکی از مواقیت رفته واز آن جا برای عمرهء دوم محرم شود، واحوط این است که همان عمرهء فاسده را نیز تمام کند.

مسأله ۲۲۴

کسی که از احرام درآمده اگر با زن خود که در حال احرام است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد. وکفاره اش یک شتر است.

مسأله ۲۲۵

شخص محرم هرگاه از روی

نادانی یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید، عمره وحجش صحیح است وکفاره ای بر او واجب نمی شود. واین حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفاره است وذیلاً بیان می شود، نیز جاری است، به این معنی که هر عملی که از محرم از روی جهل ونسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

۱ - آن که طواف حج را فراموش نموده وبا عیال خود نزدیکی نماید یا مقداری از سعی را در عمرهء تمتع فراموش نموده واز احرام درآمد به گمان اینکه فارغ شده است از سعی ویا آن که بعد از سعی وقبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

۲ - کسی که دست خود را بیخود بر سر یا ریش خود بکشد ویک یا دو مو از آن بیفتد.

۳ – آن که بدن خود را روغن مالی کند از روی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۲

نادانی. وحکم تمام این ها در جای خود ذکر خواهد شد. ان شاالله تعالی

۳ – بوسیدن زن

مسأله ۲۲۶

جایز نیست محرم زن خود را از روی شـهوت ببوسـد وچنان چه او را بوسـید ومنی از او خارج شـد، لازم است یک شتر کفاره بدهـد. وهمچنین است اگر منی از او خـارج نشود بنـابر احتیاط. واما اگر بوسـیدن از روی شـهوت نباشـد یک گوسـفند کفاره دارد.

مسأله ۲۲۷

هر گاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند بکشد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۳

۴ – لمس زن

مسأله ۲۲۸

شخص محرم نباید دست یا بدن خود را از روی شـهوت به بدن زن خود بمالد، وچنان چه این کار را کرد، باید یک گوسـفند کفاره بدهد. وچنان چه این عمل از روی شهوت نباشد چیزی بر او نخواهد بود.

۵ – نگاه کردن به زن وملاعبه با او

مسأله ۲۲۹

هر گاه محرم از روی شـهوت به زن خود نگاه کند ومنی از او بیرون بیاید، یک شتر باید کفاره بدهد. ولی اگر از روی شـهوت نگاه کند ومنی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند ومنی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۴

بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسأله ۲۳۰

هرگاه محرم با همسر خود ملاعبه وشوخی نمایـد تا آن که منی از او بیرون بیایـد، لازم است یک شتر کفاره بدهد. وچنان چه به زن اجنبی از روی شـهوت یا بـدون شـهوت نگاه کنـد ومنی از او بیرون بیاید، کفاره اش یک شتر است اگر دارا باشد ویک گاو است اگر متوسط باشد ویک گوسفند است اگر فقیر باشد. واما اگر به او نگاه کند هرچند از روی شهوت باشد ومنی از او بیرون نیاید، اگر چه حرامی به جا آورده امّا کفاره ندارد.

مسأله ۲۳۱

محرم می تواند به غیر از آنچه گفته شد از عیال خود لذت ببرد بنابر اظهر. ولی احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۵

۶ – _استمناء

مسأله ۲۳۲

هرگـاه محرم بـا آلت خود بازی نمایـد ومنی از او بیرون آمـد، حکمش حکم کسـی است که با زن خود نزدیکی کرده باشـد. بنابر این اگر اسـتمناء در احرام حـج پیش از وقوف در مزدلفه باشـد، حجش فاسـد خواهـد بود ولازم است حـج را تا خر به جا آورد ودر سال بعد اعاده نماید. همچنان که اگر این کار را در عمرهء مفرد پیش از فراغت از سـعی بکند، عمره اش فاسد بوده ولازم است آن را به پایان رسانـده ویک ماه در مکه توقف نموده سـپس به یکی از مواقیت رفته واز آن جا برای عمرهء عمرهء مفرده احرام ببندد، چنان که در مسأله «۲۲۳» بیان شد. وکفارهء استمناء مانند کفارهء جماع است. وچنان چه بدون بازی با آلت

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۶

اسـتمناء نمود مثل اینکه به نگاه کردن به زن یا در نظر آوردن وخیال مانند این ها منی از او بیرون بیاید، کفاره بر او واجب می شود وبنابر اظهر حج وعمره اش فاسد نخواهد شد هرچند رعایت احتیاط

بهتر است یعنی آنها را اعاده نماید.

۷ – عقد نکاح

مسأله ۲۳۳

ازدواج در حـال احرام برای خود یا دیگری حرام است، خواه دیگری در حال احرام باشـد یا از احرام بیرون آمـده باشـد وخواه عقد دائمی باشد یا منقطع یعنی ازدواج باشد یا صیغه. ودر تمام این چند صورت عقد باطل خواهد بود.

مسأله ۲۳۴

هرگاه محرم یا غیر محرم زنی را برای محرم عقد نماید وشوهر با آن زن نزدیکی کند

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۷

و عقـد کننـده وشوهر بداننـد چنین عقدی در حال احرام حرام است، بر هر یک کفارهء یک شتر واجب می شود، وهمچنین بر زن نیز واجب می شود، اگر می دانسته که ازدواج در حال احرام حرام است.

مسأله ۲۳۵

حاضـر شدن در مجلس عقد وگواهی دادن بر آن بنابر قول مشـهور بر محرم حرام است. واین قول موافق احتیاط است. وبعضی از فقها فرموده اند که گواهی بر عقدی که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است، ولی دلیلش ظاهر نیست.

مسأله ۲۳۶

احوط این است که محرم خواستگاری نیز ننماید. بلی اگر زنی را قبلاً طلاق داده، رجوع به او عیبی ندارد. همچنان که خریدن کنیز عیبی ندارد، هر چند خریدنش برای لذت بردن از او باشد، واحتیاط این است که خریدنش به قصد اسـتمناء در حال احرام نباشد. وتحلیل کنیز خود

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۸

برای دیگری یا قبول آن از دیگری، اظهر جواز آن است.

۸ – استعمال بوی خوش

مسأله ۲۳۷

اسـتعمال بـوی خوش از قبیـل زعفران وعود وعنـبر ومُشـک وورس به خوردن وبوئیـدن ومالیـدن بر بـدن، بر محرم حرام است. وهمچنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد. واحوط اجتناب از هر بوی خوشی است.

مسأله ۲۳۸

خوردن میوه های خوشبو مانند سیب وبه عیبی ندارد. ولی بنابر احتیاط از بوییدن آن ها هنگام خوردن باید خودداری شود.

مسأله ۲۳۹

بر محرم واجب نیست که هنگام سعی بین صفا ومروه در صورتی که عطر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۹

فروشـی آن جـا باشـد، بینی خود را از بوی خوش ببنـدد. ولی احتیـاط لازم این است که در غیر حال سـعی، بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. وبوئیدن خلوق کعبه که یک نوع عطر است عیبی ندارد.

مسأله ۲۴۰

هرگاه محرم عمداً مقداری بوی خوش استعمال کند، کفاره اش بنابر مشهور یک گوسفند است. ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

مسأله ۲۴۱

بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. بلی تند رفتن از جهت خلاصی از بوی بد عیبی ندارد.

۹ – پوشیدن لباس دوخته بر مردان

مسأله ۲۴۲

پوشیدن پیراهن وقبا وشلوار

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۰

و زیر شلواری وجامهء دکمه دار با بستن دکمهء آن ودرع و(زره) وهر جامه ای که آستین دار باشد که دست در او برود، بر مرد محرم حرام است. واحوط اجتناب از هر جامهء دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشند. وپوشیدن همیان دوخته (کمربندی که پول در او گذاشته می شود) جایز است. وهمچنین استعمال فتق بند برای کسی که فتق دارد عیبی ندارد. وجایز است محرم هنگام خوابیدن، با لحاف ومانند آن از چیزهای دوخته بجز سر، تن خود را بپوشاند.

مسأله ۲۴۳

احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. وچیزی مانند سنجاق نیز در او فرو نبرد. واحوط این این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در او عیبی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۱

ندارد.

مسأله ۲۴۴

پوشیدن لباس دوخته هر طور باشد برای زنان عیبی ندارد، مگر دستکش که آن را نپوشد.

مسأله ۲۴۵

هرگاه محرم لباسی را که حرام است عمداً بپوشد، کفاره اش یک گوسفند است. واحوط لزوم کفاره است حتی در صورتی که مضطر به پوشیدن آن باشد.

۱۰ – سرمه کشیدن

مسأله ۲۴۶

سرمه کشیدن چند صورت دارد:

۱ – آن که سرمهء سیاه را به قصد زینت به چشم خود بکشد، که این کار بر محرم حرام است قطعاً

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۲

و کفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است.

۲ – آن که سرمه سیاه ولی به قصد زینت نباشد.

۳ – آن که سرمه سیاه نباشد با قصد زینت. واحوط ودر این دو صورت اجتناب وکفاره دادن است در فرض سرمه کشیدن.

۴ – آن که سرمه سیاه نباشد، وقصد زینت هم نداشته باشدکه این کار عیبی ندارد وکفاره هم ندارد.

۱۱ – نگاه کردن در آینه

مسأله ۲۴۷

نگاه کردن در آیینه بر محرم جهت زینت، حرام است وکفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. ولی اگر نگاه کردن برای زینت نباشد، مانند نگاه کردن شوفر در آیینه که دو پهلو یا

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۳

پشت سر خود را ببیند، عیبی ندارد. ومستحب است کسی که برای زینت در آیینه نگاه کردن، تلبیه را تجدید نماید. اما پوشیدن عینک بدون قصد زینت برای زن ومرد عیبی ندارد وبهتر نپوشیدن است. واین حکم در اجسام شفاف وصیقلی دیگر مانند آب صاف وشیشهء تمیز جاری نمی شود ونگاه کردن در آن ها عیبی ندارد.

۱۲ – پوشیدن چکمه وجوراب

مسأله ۲۴۸

پوشیدن چکمه (خُف) یا جوراب بر مرد محرم حرام است وکفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. ولی زن می تواند آن را بپوشد. واحوط نپوشیدن چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند. وچنان چه برای مرد محرم نعلین ومانند آن فراهم نشد وضرورت ایجاب کرد که خف یا جوراب

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۴

بپوشد. احوط این است روی آن را بشکافد. وپوشاندن پشت پا بدون پوشش عیبی ندارد.

۱۳ – دروغ ودشنام

مسأله ۲۴۹

دروغ ودشنام در هر حال حرام است، ولی حرمتشان در حال احرام مؤکد وشدیدتر است. ومراد از فسوق در آیهء مبارکهء (فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فی الْحَجّ) دروغ ودشنام است. اما مفاخرت یعنی اظهار فخر از حیث حسب ونسب که شخص محرم بگوید من چنین وچنان

اول: آن که بری اثبات فضیلت وبرتری برای خود باشد که توهین دیگری را دربر داشته باشد. این عمل فی نفسه حرام است.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۵

دوم: آن که اثبات فضیلت برای خود باشد بدون اینکه به دیگری اهانت شود. واین عیبی ندارد وبر محرم وغیر محرم حرام نیست.

۱۴ – جدال نمودن

مسأله ۲۵۰

جدال نمودن (قسم خوردن به کلمهء «لاـ وَ الله» و«بلی والله») بر محرم حرام است. واحتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد.

مسأله ۲۵۱

اشاره

دو مورد از حرمت جدال استثنا شده است:

اول: آن که ضــرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند، که در این صورت قسم خوردن حتی به دو کلمهء مذکور عیبی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۶

ندارد.

دوم: آن که مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن ومانند آن.

مسأله ۲۵۲

در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد، کفاره ندارد بلکه فقط باید استغفار نماید به شرطی که از دو مرتبه تجاوز ننموده باشد. ودر غیر این صورت یک گوسفند کفاره دارد. واما اگر جدال وقسم خوردن بر دروغ باشد. در همان مرتبهء اول یک گوسفند ویک گوسفند دیگری برای مرتبهء دوم ودر مرتبهء سوم یک گاو کفاره دارد.

۱۵ – کشتن جانور بدن

مسأله ۲۵۳

کشتن شپش وانداختن او از

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۷

بدن برای محرم جایز نیست. وجابه جا کردن او عیبی ندارد. ودر صورت کشتن احوط آن است که یک مشت از طعام به فقیری کفاره بدهد. اما پشه وکک احتیاط در نکشتن آن هاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود. وأما تاراندن آن ها ظاهراً جایز است، هر چند احوط ترک است.

۱۶ – زینت نمودن

مسأله ۲۵۴

پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم حرام است. ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. بلکه زینت نمود به هر چیز باشد بر محرم حرام است وکفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است.

مسأله ۲۵۵

حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر مُحرم حرام است، هر چند خود قصد

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۸

زینت ننموده باشد. بلی اگر زینت گفته نشود عیبی ندارد، مثل اینکه دوا ودرمان ومانند آن باشد.

مسأله ۲۵۶

پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است. وزیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته مستثنی است ومی تواند او را بپوشد. ولی نباید او را به شوهر خود ودیگر مردان نشان دهد.

۱۷ – مالیدن روغن به بدن

مسأله ۲۵۷

محرم نبایستی تن خود را روغنمالی کند، هر چند خوش بو هم نباشد، وصورت درمان وضرورت استثنا شده است.

مسأله ۲۵۸

کفارهء روغن مالی در صورتی که روی علم وعمد باشد، یک گوسفند است واگر از

*****مناسک حج (فارسی): ۱۶۹

روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

۱۸ – جدا نمودن مو از بدن

مسأله ۲۵۹

اشاره

محرم نبایستی موی خود یا دیگری را از بـدن جدا کند، خواه دیگری محرم باشد یا محل. از این حکم چهار مورد اسـتثناء شده است:

اول: آن که شپش بدن محرم زیاد شود ومتأذّی باشد از آن.

دوم: آن که ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود، آن که بلندی مو وزیادی اش باعث سردرد یا ناراحتی دیگر شود.

سوم: آن که مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۰

چهارم: آن که مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود، که در این چهار صورت جدا نمودن مو عیبی ندارد.

مسأله ۲۶۰

اگر محرم بدون ضـرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند است. وچنان چه به ایجاب ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسـفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین که به هر یک دو مُد (یک کیلو ونیم) بدهد. واگر بوی زیر هر دو بغل خود را بکند، کفاره اش یک گوسفند است. وهمچنین است اگر موی یک طرف را بکند بنابر احتیاط. وچنان چه موی ریش خود یا غیر آن را بکند، بایستی یک مشت طعام به فقیر کفاره بدهد. وچنان چه سـر دیگری را چه محرم وچه محل باشد

بتراشد کفاره ندارد.

مسأله ۲۶۱

چنان چه محرم سر یا بدن خود

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۱

را به طوری که مویی از او نیفتد وخونی نشود بخاراند عیبی ندارد. وچنان چه دست به سر یا ریش خود کشیده ویک یا دو مو از آن بیفتد، یک مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹ – پوشانیدن سر بر مردان

مسأله ۲۶۲

محرم نبایستی تمامی یا قسمتی از سر خود را بپوشاند به هر چیزی باشد حتی با گل. بلکه نبایستی چیزی روی سر خود حمل کند بنابر احتیاط. بلی انداختن بند مشک بر سر یا بستن دستمال ومانند آن بجهت سر درد عیبی ندارد. وپوشاندن گوش ها نیز جایز نیست.

مسأله ۲۶۳

پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز وترک آن بهتر است.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۲

مسأله ۲۶۴

محرم نبایستی در آب ومانند آن فرو رود که سرش زیر آب شود بنابر احتیاط. وظاهراً مرد وزن در این حکم فرقی با هم ندارند.

مسأله ۲۶۵

هرگاه محرم سر خود را پوشانید، بنابر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است. وظاهراً در مورد اضطرار کفاره واجب نیست.

۲۰ – پوشانیدن رو بر زنان

مسأله ۲۶۶

بانوان در حالت احرام نبایستی صورت خود را به پوشه یا نقاب ومانند آن هر چیزی باشد بپوشانند بنابر احتیاط. همچنان که

احتیاط این است که قسمتی از روی خود را نیز نپوشانند. بلی پوشاندن صورت در حال خواب وپوشاندن قسمتی از رو مقدمهً برای پوشاندن سر در حال نماز، عیبی ندارد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۳

و احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

مسأله ۲۶۷

بانوان محرم می تواننـد از مرد اجنبی رو بگیرند، به این نحو که گوشهء چادر یا عبا ومانند آن را که بر سر دارند تا مقابل بینی یا چانهء خود پایین بکشند. واحتیاط این است که قسمت پایین آمده را به وسیلهء دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

مسأله ۲۶۸

کفارهء پوشانیدن صورت بنابر احتیاط یک گوسفند است.

۲۱ – زیر سایه رفتن مردان

مسأله ۲۶۹

مردان محرم هنگام سیر نبایستی زیر سایهء متحرک رفته یا سایبانی مانند چتر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۴

بر سر بگیرند، هر چند سایهء سقف محمل یا ماشین یا هواپیما ومانند این ها باشد. ولی راه رفتن در سایهء کوه یا دیوار یا درخت وامثال آن ها از اجسامی که ثابت باشد اشکالی ندارد. ونیز جایز است راه رفتن زیر ابری که مانع از تابش آفتاب است. وفرقی نیست در حرمت زیر سایه قرار گرفتن در مورد محرّمه بین اینکه پیاده باشند یا سواره بنابر احتیاط. واحوط بلکه اظهر این است که زیر سایهء چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، مثل اینکه بغل شتر یا ماشین حرکت کند که سایه از طرف چپ یا راستش بر او بیفتد. بلی می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد. وزیر سایهء محمل رفتن هنگام سیر وهمچنین احرام زیر سقف مسجد شجره عیبی ندارد.

مسأله ۲۷۰

مراد از زیر سایه رفتن که حرام است این است که بدان وسیله از آفتاب یا سرما یا

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۵

گرما یا باران ومانند این ها جلوگیری کند. وچنان چه هیچ یک از این ها نباشد به طوری که بود ونبود سایبان یکسان باشد، عیبی ندارد.

مسأله ۲۷۱

هنگامی که محرم به مکه رسید هر چند منزل تهیه نکرده باشد. زیر سایه رفتنش عیبی ندارد. همچنان که اگر در جایی در بین راه توقف نمود، تا وقتی که در آنجاست زیر سایه رفتنش عیبی ندارد. واظهر این است که در این موارد می تواند چتر ومانند آن بر سر بگیرد. اگر چه احتیاط در اجتناب است.

مسأله ۲۷۲

زیر سایه رفتن زنان وکودکان وهمچنین مردان در حال ضرورت یا ترس از گرما وسرما عیبی ندارد.

مسأله ۲۷۳

کفارهء زیر سایه رفتن یک گوسفند است وفرقی بین حال اختیار واضطرار نیست.

و چنان چه این عمل تکرار شود، احتیاط این است که عوض هر روز یک کفاره بدهد، هرچند اظهر این است که در هر احرام یک کفاره لازم است.

۲۲ – بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۲۷۴

شخص محرم نبایستی بدن خود را در خاراندن بلکه به مسواک نمودن بنابر احتیاط خونی نماید. ودر حال ضرورت یا رفع ناراحتی عیبی ندارد. وکفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است.

۲۳ – ناخن گرفتن

مسأله ۲۷۵

محرم نبایستی تمامی یا قسمتی

از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقای ناخن ضرر داشته باشد، مانند اینکه ناخن کنده شده وماندنش سبب ناراحتی شود، که در این صورت بریدنش جایز است واز هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

مسأله ۲۷۶

کفارهء گرفتن هر ناخنی یک مُد طعام است، وکفارهء گرفتن ناخن ها دست در یک مجلس یک گوسفند است. وهمچنین پا. وچنان چه گرفتن ناخن دست وپا در یک مجلس باشد، کفاره اش نیز یک گوسفند است. وچنان چه ناخن دست ها در یک مجلس وناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفارهء آن دو گوسفند است.

مسأله ۲۷۷

هرگاه محرم به فتوای کسی که ناخن گرفتن را جایز می داند ناخن خود را گرفت وخون درآمد، کفاره اش بنابر احتیاط بر فتوا دهنده

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۸

است.

۲۴ – دندان کندن

مسأله ۲۷۸

جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هرچند خون در نیاید، از محرمات احرام است وکفاره اش را یک گوسفند دانسته اند. ولی دلیلش تأمل دارد وبعید نیست این عمل جایز باشد.

۲۵ – برداشتن سلاح

مسأله ۲۷۹

برداشتن سلاح مانند شمشیر ونیزه وچیزهایی که عرفاً به آن ها سلاح گفته می شود بر محرم حرام است. وبعضی از فقها آلات دفاع وحفظ

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۹

مانند کلاه خود وزره وسپر را سلاح خوانده اند. واین قول احوط است.

مسأله ۲۸۰

بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند عیبی ندارد. ولی مع ذلک ترکش احوط است یعنی بنابر احتیاط سلاح را نزد خود نگذارد.

مسأله ۲۸۱

اشاره

حرمت حمل سلاح مختص به حال اختیار است ودر حال اضطرار عیبی ندارد. وکفارهء حمل سلاح بنابر احتیاط یک گوسفند است.

تا این جا بیست وپنج چیزی که بر محرم حرام است بیان شد. ودو چیز است که بر محرم ومحل حرام است:

۱ – شکار در حرم

مسأله ۲۸۲

شکار در حرم بر محرم وغیر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۰

محرم، بر زن ومرد حرام است چنان که قبلاً بیان شد.

۲ – کندن درخت وگیاه حرم

مسأله ۲۸۳

کندن وبریدن هر چیزی که در حرم روییده از درخت وغیر درخت وگیاه بر محرم وغیر محرم حرام است. اما چیزی که به راه رفتن متعارف کنده شود عیبی ندارد. همچنان که رها کردن حیوانات که از علف حرم بچرند اشکالی ندارد. واز این حکم چند چیز استثنا شده است:

۱ – اذخر که گیاه معروفی است.

۲ – نخل خرما ودرخت میوه دار.

۳ – علف هایی که خوراک شتر است.

۴ – علف ودرختی که در ملک یا خانهء شخص می روید یا خود شخص آن را می کارد ومی نشاند. واما

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۱

درختی که قبلاً۔ پیش از تملک منزل بوده در منزل، حکمش حکم سایر درخت هاست. (کندن وبریدن این چهار چیز عیبی

ندارد).

مسأله ۲۸۴

درختی که ریشه وساقه اش در حرم وشاخ وبرگش در خارج حرم یا بعکس باشد، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

مسأله ۲۸۵

کفارهء کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. وکفارهء قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. وکندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

جای کشتن کفارات

مسأله ۲۷۶

جای کشتن کفار شکار در

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۲

احرام عمره، مکه مکرمه است وجای کشتن کفارهء شکار در احرام حج، منی است.

مسأله ۲۸۷

کفاره ای بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته وهر جا بخواهد بکشد. وبهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد. ومصرف آن فقرا می باشد وعیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد وقیمت آن را برای فقرا به عهده بگیرد.

طواف

اشاره

واجب دوم عمرهء تمتع، طواف است. وبه ترک آن از روی عمد، چه حکم را بداند یا نداند یا موضوع را حج فاسد می شود. وترک آن به تأخیرش تا زمانی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۳

که دیگری نتواند خود را به اندازهء درک مقدار رکن از وقوف در عرفات برساند محقق می شود. وچنان چه عمره اش باطل شود احرامش نیز بنابر اظهر باطل خواهد بود. واحوط وبهتر در این صورت عدول به حج افراد است. وبر هر دو تقدیر واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید. ودر طواف چند چیز شرط است:

اول : نیت

، وطواف بدون قصد قربت باطل است.

دوم: [طهارت از حدث]

اشاره

طهارت از حدث

اکبر واصغر، پس چنان چه از روی عمد یا نادانی یا فراموشی در حال حدث وبدون طهارت طواف نماید، طوافش صحیح نخواهد بود.

مسأله ۲۸۸

چنان چه از محرم در اثنای طواف حدثی سر زد، مسأله چند صورت خواهد

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۴

داشت:

۱ - آن که حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، که در این صورت طواف باطل ولازم است پس از طهارت اعاده شود.

۲ - آن که حدث بعد از تمامی دور چهارم وبدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده وطهارت گرفته وطواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می دهد.

۳ - آن که حدث بعد از نصف یا تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم واختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده اش نماید. وبه جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف وطهارت، یک طواف کامل به قصد

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۵

اعم از تمام کردن طواف پیش ویک طواف کامل جدید به جا آورد. به این معنی که قصدش این باشد که طوافی را که به جا

می آورد چنان چه تمامش بر ذمه بوده، به این طواف ذمهء او فارغ می شود و گر نه مقداری از آن به جای کمبود طواف سابق وباقیمانده لغو باشد.

مسأله ۲۸۹

اگر پیش از شروع به طواف یا در اثنای آن شک در طهارت بنماید، چنان چه بداند که قبلاً با طهارت بوده ونمی داند بعداً از او حدثی سر زده یا نه، در این صورت اعتنا به شک خود نکند. ودر غیر این صورت واجب است طهارت گرفته وشروع به طواف یا طوافی که در دست داشته از سر بگیرد.

مسأله ۲۹۰

هرگاه پس از فراغت از طواف، شک در طهارت نماید به شک خود اعتنا نکند، هر چند احوط اعاده است. ولی برای نماز طواف حتماً باید وضو بگیرد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۶

مسأله ۲۹۱

هرگاه مکلف نتواند وضو بگیرد تیمم نموده وطواف را به جا آورد. واگر تیمم هم نمی تواند بکند، حکمش حکم کسی است که نمی تواند طواف را به جا آورد. پس اگر مأیوس از توانایی شد، لازم است برای طواف نایب بگیرد، واحوط واولی این است که خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسأله ۲۹۲

اشاره

بر زن حائض ونفساء (زاهو) بعد از گذشتن ایام حیض ونفاس وبر جنب واجب است که برای طواف غسل کنند، ودر صورت معذور بودن از غسل ومأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کنند. واحوط واولی این است که نایب نیز بگیرد. ودر صورت معذور بودن از تیمم، نایب گرفتن متعین است.

حیض شدن در عمره تمتع

مسأله ۲۹۳

اشاره

هرگاه زن هنگام بستن احرام

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۷

برای عمرهء تمتع یا پس از بستن احرام، خون حیض ببیند ووقت گنجایش به جا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، بایستی صبر کند تا پاک شود وغسل نموده واعمال عمره را به جا آورد. وچنان چه وقت وسعت این کار را نداشته باشد، مسأله دارای دو صورت خواهد بود:

اول: آن که حیضش هنگام احرام پیش از بستن احرام باشد، در این صورت حج تمتعش بدل به حج افراد شده وبر او واجب است در صورت تمکن بعد از فراغت از حج، عمرهء مفرده به جا آورد.

دوم: آن که حیضش بعد از بستن احرام

باشد. در این صورت مخیر است بین اینکه اول حج افراد را به جا آورد وبعد از فراغت، عمرهء مفرده به جا آورد مانند صورت اول، وبین اینکه اعمال عمرهء تمتع را بدون طواف ونمازش به جا آورد، به اینکه سعی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۸

و تقصیر نموده وبرای حج احرام بسته وبه حج رفته وپس از فراغت از حج وبازگشت به مکه قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد. ودر صورتی که یقین داشته باشد که حیضش ادامه خواهد داشت ونمی تواند حتی پس از بازگشت به مکه طواف نماید، برای طواف خود نایب گرفته وشخصاً سعی را به جا آورد. وروزی که باید خود را آزمایش کند، در حکم ایام حیض است وحکم آن ایام بر آن روز جاری است.

مسأله ۲۹۴

اگر زن در اثنای طواف حیض شود، مشهور بین فقها این است که اگر حیض شدن پیش از تمام شدن چهار شوط باشد طوافش باطل می شود وچنان چه بعد از آن باشد، آنچه به جا آورده صحیح وواجب است بعد از پاکی وغسل نمودن باقیمانده را به جا آورده. واحوط در هر دو صورت این

*****مناسک حج (فارسی): ۱۸۹

است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام واتمام به جا آورد به این معنی که چنین نیت کند که اگر یک طواف کامل بر من واجب است، که این طواف است واگر به جا آوردن کمبود طواف سابق بر من واجب است، هر مقدار از این طواف کمبود او را تکمیل می کند بکند وباقیمانده زیادی باشد. واین در صورتی است که وقت گنجایش این کار را داشته باشد ودر

غير این صورت سعی وتقصیر نموده وبرای حج محرم شود ولازم است پس از بازگشت از منی وقبل از طواف حج، قضای طواف عمره را به نحوی که گفته شد به جا آورد.

مسأله ۲۹۵

هرگاه زن پس از طواف وپیش از نماز آن، یعنی بین طواف ونمازش، حیض شود طوافش صحیح است ونماز طواف را پس از پاکی وغسل به جا آورد. وچنان چه وقت نداشت

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۰

سعی وتقصیر را به جا آورده ونماز طواف را پیش از طواف حج قضا نماید.

مسأله ۲۹۶

هر گاه زنی پس از طواف ونمازش احساس نمود که حیض دارد ونداند که پیش از طواف یا پیش از نماز یا در اثنا بوده یا بعد از نماز رخ داده، در این صورت بنابر صحت طواف ونماز بگذارد. وچنان چه بداند که قبل از نماز حادث شده ووقتش هم تنگ است، سعی وتقصیر نموده ونماز را تا پس از پاکی تأخیر بیندازد وعمره اش صحیح است.

مسأله ۲۹۷

هر گاه زنی به مکه رسید ومی توانست اعمال عمره را به جا آورد ولی با علم وعمد به جا نیاورد تا حیض شد ووقت هم تنگ شد، ظاهراً عمره اش فاسد است. واحتیاط این است که عدول به حج افراد نموده وحج خود را در سال بعد اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۱

مسأله ۲۹۸

طواف مستحبی را می توان بدون طهارت به جا آورد وطهارت در او معتبر نیست ولی نماز طواف ومستحبی بدون طهارت صحیح نخواهد بود وباید با طهارت باشد.

مسأله ۲۹۹

کسی که معذور از طهارت (وضو یا غسل) تمام است، مانند کسی که در دست وپایش شکستگی وزخمی است که پانسمان

شـده وکسـی که (سـلس) مرضـی دارد که بولش قطره قطره می ریزد، به همان دسـتوری که برای نماز خود طهارت می گیرد، برای طواف نیز همـان طهـارت کافی است. واما مبطون (کسـی که نمی توانـد از غایط خودداری کنـد) احوط این است که در صـورت تمکن، هم شـخصاً طـواف نمـوده وهم برای طواف نـایب بگیرد. وامـا زن مسـتحاضه پس احوط آن است که برای هر کدام از طواف ونماز طواف وضو بگیرد، اگر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۲

اسـتحاضه قلیله باشـد واینکه یـک غسل به جا آورد برای هر دو وبرای هر کـدام نیز وضو بگیرد، اگر متوسـطه باشـد واما کثیره غسل کنـد برای هر کدام ومحتاج به وضو نیست مگر اینکه محدث به حدث اصـغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضـو است به غسل.

شرط سوم :[طهارت از خبث]

اشاره

از شـرایط طواف، طهارت از خبث است یعنی پاکی بدن ولباس. پس طواف با بدن یا لباس نجس صـحیح نیست. ونجاستی که در نماز بخشوده بود، مانند خود کمتر از درهم، در طواف بخشوده نیست بنابر احتیاط.

مسأله ۳۰۰

بودن خون وخونابهء زخم ودمل که اجتناب از آن سـخت باشد در بدن یا لباس در طواف مانعی ندارد وبر طرف کردنش لازم نیست. همچنان که بودن چیز نجس همراه انسان در طواف

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۳

عیبی ندارد. وهمچنین است نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی شود مانند همیان وکلاه وجوراب.

مسأله ۳۰۱

در صورتی که نجس بودن بـدن یـا لبـاس خود را نمی دانسـته وپس از انجام طواف بفهمـد، طوافش صـحیح است وحاجتی به اعاده ندارد، وهمچنین است طواف نماز اگر نمی دانسته بدن یا لباسش نجس بوده وبعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است.

مسأله ۳۰۲

هر گاه نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نموده وبا آن ها طواف نمود وبعد از طواف یادش آمد طوافش بنابر اظهر صـحیح است، اگرچه اعـادهء آن بـا لبـاس پاک احوط است. وچنان چه بعـد از نماز طواف یادش بیایـد که بـدن ولباسـش نجس بوده، حتماً باید با بدن ولباس پاک اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۴

مسأله ۳۰۳

هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آن که پیش از فراغت از طواف بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامهء پاکی داشته باشد همان جا جامهء نجس را کنده وبا جامهء پاک طواف خود را تمام نماید. وچنان چه جامهء پاک همراه نداشته باشد، اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده وپس از ازالهء نجاست از بدن یا لباس باقیماندهء طواف را به جا آورد. وچنان چه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع ونجاست را ازاله نموده وبنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد. (معنای اعم واتمام سابقاً بیان شد)

شرط چهارم [مختون بودن مردان]

اشاره

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۵

مختون بودن است. واحوط بلکه اظهر این است که بچهء ممیز که خوب وبد را تشخیص می دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد. واما اگر بچهء ممیز نباشد یا احرامش را ولیش ببندد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

مسأله ۳۰۴

هرگاه محرم ختنه نشده خواه بالغ خواه بچهء ممیز طواف نموده طوافش کافی نخواهد بود. واگر طواف را ختنه شده اعاده نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد. واحکام آینده بر وی جاری خواهد شد.

مسأله ۳۰۵

هر گاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود، اگر بتواند بین ختنه وحج در سال استطاعت جمع کند، یعنی در همان سال خود را ختنه نموده وبه حج برود، واجب است این کار را بکند. وچنان چه ممکن نباشد، حج را تا سال بعد تأخیر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۶

نماید. پس اگر متمکن از ختنه نباشد اصلاً، به این معنی که ختنه کردن برای او ضرر ومشقت یا ناراحتی داشته باشد،لازم است حج را به جا آورد. لکن احتیاط این است که در عمره وحج شخصاً طواف نموده وبرای طواف نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به جا آورد.

شرط پنجم از شرط طواف، پوشاندن عورت است بنابر احتیاط. وساتر بایستی مباح باشد. واحتیاط این است که ساتر دارای جمیع شرایط

لباس نمازگزار باشد.

واجبات طواف

هفت چیز در طواف معتبر وواجب است:

اول: آن که از حجر الاسود شروع شود،

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۷

و احوط واولی این است که تمام بـدن خود را بر تمام حجر الاسود بگذرانـد. وبرای این احتیاط این مقدار کفایت می کند که قبل از حجر الاسود ایستاده ونیت نمایـد که طواف را از جایی که محاذات واقعی محقق می شود به جا می آورم وزیاده بر آن از باب مقدمهء علمیه باشـد. یعنی انسان وقتی از جلوتر شـروع کرد علم پیـدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجر محاذی وبرابر شده است.

دوم: آن که هر شوط ودوری به حجر الاسود ختم شود. ودر شوط آخر احتیاطاً قـدری از حجر بگذرد وزیادی را مقدمهء علمیه محسوب دارد.

سوم: آن که کعبه (خانهء خـدا) در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قراردهد. وچنان چه کعبه به جهت بوسـیدن ارکان یا به جهت ازدحام رو به رو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۸

طـواف شـمرده نمی شـود. وظـاهر این است که میزان در قرار دادن کعبه طرف چپ صـدق عرفی است، همچنـان که از طواف پیغمبر اکرم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) بر می آیـد که سواره طواف می نمودند. وبهتر این است که دقت شود به خصوص در دو دهانهء حجر اسماعیل ودر نبش های خانهء خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

چهارم: آن که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنی که دور حجر اسماعیل بگردد وداخل حجر نرود.

پنجم: آن که طواف کننـده از بیرون دور خانهء خدا دور بزند نه درون خانهء خدا، ودور تا دور خانهء خدا به طور شـیب بنایی شده که به آن شاذروان می گویند که نبایستی طواف کننده روی آن راه برود.

ششم: آن که هفت دور متوالی وپی در پی دور

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۹

خانهء خـدا بچرخـد وکمتر از هفت دور کافی نیست. وعمـداً زیادتر از هفت دور هم طواف را باطل می کند، چنان که خواهد آمد.

مسأله ۳۰۶

مشهور بین فقها این است که طواف بایـد بین مقام ابراهیم علیه السـلام خانهء خـدا باشـد. یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود. ومسافت آن بیست وشـش ذراع ونیم تقدیر شده است ونظر به اینکه حجر اسماعیل داخل مطاف است وخود بیست ذراع است، پس در طرف آن بیش از شـش ذراع ونیم نبایـد دور شـد. لکن ظـاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست وشـش ذراع ونیم نیز کافی باشـد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آن ها مشقت داشته باشد. ومراعات احتیاط با قدرت وتمکن بهتر واولی است.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۰

مسأله ۳۰۷

هرگـاه طواف کننـده از مطـاف بیرون رفته ووارد کعبه شود، طوافش باطـل واعـادهء آن لازم است. وبهـتر این است که طواف خود را تمام نموده سپس اعاده نماید، اگر بیرون رفتنش پس از تجاوز از نصف طواف بوده.

مسأله ۳۰۸

چنـان چه هنگـام طواف روی شاذروان رفت، آن مقـدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است واحتیاط این است که آن مقـدار را تـدارک نموده وطواف خود را تمام وسپس طواف را اعاده نماید. واحتیاط این است که هنگام طواف دست خود را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

مسأله ۳۰۹

هرگاه طواف کننده در حجر اسـماعیل برود، شوطی که رفتن در حجر در او بوده باطل ولازم است اعاده شود. وبهتر این اسـت که

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۱

طواف را تمـام نموده وسپس اعاده نمایـد. ودر حکم رفتن در حجر است بالا رفتن بر دیوار حجر بنابر احتیاط. بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

مسأله ۳۱۰

هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطـل واعـاده اش لازم است وچنـان چه موالاـت فوت نشود یـا خروجش بعـد از تجاوز نصف باشـد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

مسأله ۳۱۱

چنان چه در اثنای طواف حدثی از او سر بزند، جایز است بیرون رفته وتطهیر نموده وبرگشته وطواف خود را تمام نماید، همچنان که گذشت. وهمچنین است بیرون رفتن برای ازالهء

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۲

نجاست از بدن یا لباس. واگر زنی در اثنای طواف حیض شود، واجب است طواف را قطع نموده وفوراً از مسجد بیرون برود. وحکم چنین افراد در شرایط طواف بیان شد.

مسأله ۳۱۲

هرگاه طواف کننده به علت سر درد یا دل درد ومانند آن ناچار طواف خود را قطع نموده واز مطاف بیرون رفت، چنان چه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل واعاده اش لازم است وچنان چه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب گرفته وشخصاً بعد از زوال عذر، احتیاطاً باقی مانده را به جا آورده وطواف را اعاده نماید.

مسأله ۳۱۳

طواف کننده می تواند جهت عیادت مریض یا رفع حاجت خود یا حاجت برادر دینی خود از مطاف بیرون برود. ولی لازم است اگر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۳

طوافش واجب باشد ومقدار یک یا دو شوط به جا آورده باشد، طواف را اعاده نماید وچنان چه بیرون رفتنش بعد از شوط سوم بوده، احتیاط این است که یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

مسأله ۳۱۴

نشستن در اثنای طواف جهت استراحت ورفع خستگی جایز است. ولی باید به اندازه ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود، که در این صورت طوافش باطل شده ولازم است از سر بگیرد.

نقص در طواف

مسأله ۳۱۵

هرگاه عمداً مقداری از طواف را کم کند وموالات فوت شود، طوافش باطل

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۴

خواهـد بود. وچنان چه موالات فوت نشود، تا از مطاف بیرون نرفته می توانـد کمبود را به جا آورد. وحکم بیرون رفتن عمـدی از مطاف در سابق گفته شد.

مسأله ۳۱۶

هر گاه مقـداری از طواف را سـهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد واز مطاف بیرون نرفته باشد، کمبود را به جا آورد وطوافش صـحیح خواهـد بود. وچنان چه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش بیایـد ومقـدار فراموش شده یـک شوط باشـد، یـک شوط را به جا آورد وطوافش صـحیح است. وچنان چه شـخصاً نتوانـد کمبود را انجام دهـد هرچنـد به جهت این باشـد که پس از بـازگشت به وطن یادش بیایـد، بایـد دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد. وچنان چه مقدار فراموش شده بیش از یک وکمتر از چهار شوط باشد، بایستی برگشته وکمبود را شخصاً به جا آورد. وبهتر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۵

این است که پس از به جا آوردن کمبود، طواف را اعاده نمایـد، واگر مقـدار فراموش شـده چهار یا بیش از چهار شوط باشد، احوط اتمام سپس اعاده است.

زیادی در طواف

مسأله ۳۱۷

زیادی در طواف پنج صورت دارد.

اول: آن که طواف کننده مقدار زیادی را به قصد جزئیت طوافی که مشغول است یا طواف دیگری به جا نیاورده باشد، که در این صورت طوافش به این زیادی باطل نخواهد شد.

دوم: آن که هنگام شـروع به طواف یا در اثنا چنین قصـد کند که زیادی، جزء طوافش باشد. یعنی بنا داشـته باشد که طواف را هشت شوط یا بیشتر نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۶

در این صورت طوافش جزماً باطل ولازم است اعاده نماید.

سوم: آن که زیادی را پس از فراغت از طواف، به قصد جزئیت آن به جا آورد، که در این صورت نیز اظهر بطلان طواف است.

چهارم: آن که زیادی را به قصـد جزئیت طواف دیگری به جا آورد وطواف دوم را تمام کنـد، که در این صورت گرچه در طواف زیادی نداشته، ولی احوط بلکه اظهر بطلان طواف اول است به جهت آن که دو طواف واجب را پشت سر هم آورده.

پنجم: آن که قصـد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنمایـد واتفاقاً نتوانـد طواف دیگر را به آخر برساند. در این صورت نه زیادی هست ونه قران، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود، وآن در صورتی است که

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۷

مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن با اینکه می داند قران حرام ومبطل طواف است آن را قصد نماید، که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی شود هر چند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود که قران بین دو طواف باشد.

مسأله ۳۱۸

هرگاه طواف خود را از روی سهو بیش از هفت شوط نماید، چنان چه زیادی کمتر از یک شوط باشد آن را قطع نماید وطوافش صحیح است. وچنان چه زیادی یک شوط یا بیشتر باشد، احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد قربت مطلقه تمام نماید.

شک در عدد اشواط

مسأله ۳۱۹

هرگاه بعد از تمامی طواف

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۸

و تجاوز از محل شک نماید که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

مسأله ۳۲۰

هرگاه یقین داشته باشد که هفت شوط به جا آورده وشک کند که زیادتر بوده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که شوط آخری هشتم بوده، به شک خود اعتنا ننماید وطوافش صحیح است، مگر در صورتی که شکش قبل از تمامی شوط آخری باشد، که در این صورت ظاهر این است که طوافش باطل است واحتیاط این است که به قصد رجا تمامش نموده واعادهء طواف کند.

مسأله ۳۲۱

هرگاه بین شش وهفت یا پنج وشش وهمچنین عددهای قبل شک کند، حکم به بطلان طواف می شود. وهمچنین اگر شک کند که آیا شش شوط به جا آورده یا هشت شوط، که نداند

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۹

شوط آخر ششم است یا هشتم، که در این صورت نیز طوافش باطل خواهد بود.

مسأله ۳۲۲

چنان چه بین شش وهفت شک نموده واز روی نادانی بنا را بر شش گذاشته وطواف را تمام کند، لازم است طواف را از سر بگیرد. وچنان چه بر نادانی خود باقی ماند تا وقتی که تدارک ممکن نباشد بعید نیست طوافش صحیح باشد.

مسأله ۳۲۳

طواف کننده می تواند بر رفیق وهمراه خود در حفظ شمارهء شوطها اعتماد کند، در صورتی که صاحبش یقین داشته باشد، مثلاً ـ در صورت شک اگر رفیق انسان بگوید این شوط پنجم است، می شود بر گفتهء او اعتماد نموده ودو شوط دیگر به جا آورد.

مسأله ۳۲۴

هر گاه در طواف مستحبی شک نماید، بنا را بر کمتر بگذارد وطوافش صحیح است.

مسأله ۳۲۵

هر گاه از روی عمد وعلم به حکم یا جهل بر آن طواف عمرهء تمتع را ترک نموده ونتواند بیش از وقوف به عرفات تدارکش نماید، عمره اش باطل بوده وواجب است حج را در سال بعد اعاده نماید. ودر سابق گفته شد که اظهر این است که احرامش نیز باطل می شود، ولی احوط این است که عدول به حج افراد نموده واو را به قصد اعم از حج وعمرهء مفرده تمام نماید، وچنان چه عمداً طواف حج را ترک نماید، وتدارکش ممکن نباشد، حجش باطل خواهد بود ولازم است در سال بعد اعاده نماید. واگر ترک طواف از جهت ندانستن حکم بوده، یک شتر کفاره نیز لازم خواهد شد.

مسأله ۳۲۶

هر گاه از روی فراموشی طواف ترک شود، بعد از یاد آمدن تدارکش واجب است. وچنان چه پس از گذشتن وقتش به یاد آمد،

قضای آن به جا آورده شود وحج صحیح خواهد بود واحتیاط این است که بعد از قضای طواف، سعی نیز به جا آورده شود. واگر وقتی یادش بیاید که قضا نمودن آن ممکن نباشد، مثل اینکه پس از بازگشت به وطن یادش آمد واجب است نایب بگیرد واحتیاط این است نایب پس از طواف، سعی را نیز به جا آورد.

مسأله ۳۲۷

اگر طواف را فراموش نمود وبه وطن خود بازگشت وبا عیال خود نزدیکی کرد وسپس یادش آمد، لازم است در صورتی که

فراموش شـده طواف حج باشد، یک قربانی به منی واگر فراموش شده طواف عمره باشد، یک قربانی به مکه بفرسـتد. ودر این قربانی گوسفند کافی است.

مسأله ۳۲۸

هرگاه طواف را فراموش نموده وزمـانی یـادش آمـد که قضـایش ممکن است، بـا همان احرام اول قضایش نمایـد وحاجتی به تجدید

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۲

احرام نیست. بلی در صورتی که از مکه خـارج شـد ویـک ماه یا بیشتر بر آن گذشـته باشـد، لازم است برای دخول مکه احرام تازه ببندد چنان که گذشت.

مسأله ۳۲۹

آن چه در طواف کننده حلال می شود، بر فراموش کنندهء طواف تا آن را شخصاً یا نایبش قضا ننموده حلال نمی شود.

مسأله ۳۳۰

هرگاه جهت بیماری یا شکسـتگی یا امثال این ها شـخصاً نتواند طواف را به جا آورد، لازم است به کمک دیگری طواف را به جا آورد، هرچنـد به سوار شـدن بر دوش او باشـد. وچنان چه با کمک دیگری نیز نتوانـد طواف کند، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف کند. وهمچنین در نماز طواف که شـخصً باید خودش به جا آورد ودر صورت نتوانستن دیگری را نایب بگیرد. وحکم زن حائض ونفساء (زاهو) در شرایط طواف بیان شد.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۳

نماز طواف

اشاره

واجب سوم از واجبـات عمرهء تمتع، دو رکعت نمـاز طواف است که ماننـد نماز صـبح است، ولی مکلف مخیر است که آن را بلنـد یـا آهسـته بخوانـد، وواجب است در نزدیکی مقـام ابراهیم به جـا آورده شود. واحوط بلکه اظهر این است که پشت مقـام باشـد. ودر صورت عـدم تمکن، بـا مراعات نزدیکی به مقام بنابر احتیاط در هر جای مسـجد می توانـد به جا آورد. واین حکم نماز طواف واجب است ونماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

مسأله ۳۳۱

کسی که از روی علم وعمد نماز طواف را به جا نیاورد حجش باطل است. زیرا که بدون این نماز، سعی باطل خواهد بود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۴

مسأله ۳۳۲

نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگویند بین طواف ونماز فاصله شده است.

مسأله ۳۳۳

هرگاه فراموش کرد نماز طواف را بخواند وسعی نمود وبعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً نماز طواف را بخواند واعادهء سعی واجب نیست اگر چه احوط است.و چنان چه در اثنای سعی یادش بیاید، سعی را بریده ونماز طواف را در جاهایی که گفته شد به جا آورده سپس سعی را از جایی که بریده تمام نماید. وچنان چه بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده، بایستی به مکه برگشته ونماز را در جاهایی که گفته شد به جا آورد. ودر صورتی که نتواند به مکه برگردد هرجا که یادش آمد به جا آورد. بلی اگر بتواند به حرم برگردد احوط واولی این است که

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۵

برگشته ونماز را در حرم به جا آورد. وحکم کسی که نماز طواف را به جهت نادانی ترک کرده، حکم کسی است که فراموشش کرده. وفرقی بین جاهل قاصر ومقصر در این جا نیست.

مسأله ۳۳۴

هرگاه نماز طواف را فراموش نمود وتا دم مردن یادش نیامد ومُرد، بر ولیش واجب است آن را قضا نماید.

مسأله ۳۳۵

هرگاه قرائت نمازگزار غلطی داشته باشد، در صورتی که نتواند آن را درست کند اشکالی در اکتفا به آنچه می تواند، در نماز طواف وغیر آن نیست وهمان اندازه کافی است، وچنان چه می تواند آن را تصحیح ودرست کند، لازم است تصحیح نماید. وچنان چه در این کار اهمال وسهل انگاری کرد تا وقت تنگ شد، احوط این است که به اندازه ای که می تواند نماز طواف را به جا آورد وآن را

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۶

به جماعت بخواند ونایب نیز بگیرد.

مسأله ۳۳۶

هرگاه نداند که قرائتش درست نیست ودر نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است وحاجتی به اعاده ندارد، حتی اگر بعد از نماز بفهمد که قرائتش اشکال داشته، ولی اگر معذور نبوده، لازم است پس از تصحیح نماز را اعاده کند. وحکم کسی

که نماز طواف را فراموش کرده بر او جاری می شود.

سعی

اشاره

واجب چهارم از واجبات عمرهء تمتع، سعی بین صفا ومروه است. وخود یکی از ارکان است که اگر عمداً ترک شود حج باطل خواهد بود، خواه علم به حکم داشته یا جاهل به حکم باشد. وقصد قربت در

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۷

سعی معتبر است. ولی ستر عورت وطهارت از حدث یا خبث در آن معتبر نیست. وبهتر این است که طهارت رعایت شود.

مسأله ۳۳۷

سعی باید بعد از طواف ونماز طواف به جا آورده شود. واگر پیش از طواف یا نماز آن به جا آورده شود، لازم است بعد از آنها اعاده شود. وحکم کسی که طواف را فراموش کند وبعد از سعی یادش بیاید، پیشتر گفته شد.

مسأله ۳۳۸

نیت در سعی معتبر است به این معنی که اگر در عمره است، به نیت عمره واگر در حج است به نیت حج، قربهً الی الله به جا آورده شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۸

سعی یعنی چه؟

رفت وآمد بین صفا ومروه را سعی گویند. صفا در یک طرف ومروه در طرف دیگر قرار دارد. رفتن از اول جزء از صفا به مروه را یک شوط گویند. وهمچنین برگشتن از اول جزءِ مروه به صفا یک شوط است. وتمام سعی هفت شوط است. بنابر این سعی از صفا شروع ودر شوط هفتم به مروه ختم می شود. واحتیاط لازم در این است که موالات (پی در پی بودن) را مراعات کند به طوری که فصل معتد به، در بین اشواط حاصل نشود. ووقتی حاجی بخواهد از مسجد الحرام به مسعی برود، صفا طرف دست راستش قرار می گیرد.

مسأله ۳۳۹

هرگاه سعی را از مروه شروع کند، اگر یک شوط به جا آورده یعنی از مروه به صفا رسیده، باید آن را لغو دانسته واز صفا شروع نماید، وچنان چه بعد از شوط اول باشد، مثل اینکه در بین راه صفا ومروه در شوط دوم باشد، آن را نیز لغو نموده وسعی را از صفا از سر بگیرد

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۹

مسأله ۳۴۰

لازم نیست رفت وآمد (سعی) بین صفا ومروه، پیاده باشد وسعی سواره بر حیوان یا دوش انسان یا چرخ هایی که فعلاً در آن جا متداول است، جایز است. ولی در هر حال باید ابتدا از صفا وختم به مروه باشد.

مسأله ۳۴۱

لازم است رفت وآمد بین صفا ومروه از راه متعارف باشد، واگر از صفا از توی مسجد یا راه دیگری به سوی مروه برود کافی نیست. بلی لازم نیست رفت وآمد، در یک خط مستقیم باشد.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۰

مسأله ۳۴۲

واجب است هنگام توجه به مروه آن را رو به روی خود قرار دهد. وهمچنین در بازگشت از مروه به صفا، باید متوجه به صفا باشد. پس اگر به هنگام سعی به طور عقب گرد برود،کفایت نمی کند. والتفات به طرف راست وچپ وپشت سر، هنگام سعی عیبی ندارد.

مسأله ۳۴۳

نشستن روی صفا یا مروه یا در بین آن ها به جهت استراحت عیبی ندارد، گرچه احوط این است که بین آن دو ننشیند.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۱

احکام سعی

اشاره

در گذشته گفته شد که سعی از ارکان حج است وترک آن عمداً با علم یا جهل به حکم، تا زمانی که تدارکش پیش از وقوف به عرفات ممکن نشود، حج باطل واعاده اش در سال بعد لازم خواهد بود. واظهر این است که احرامش باطل خواهد بود، اگر چه احوط واولی این است که عدول به افراد نموده وسعی را به قصد اعم از حج افراد یا عمرهء مفرده تمام نماید.

مسأله ۳۴۴

هرگاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت یاد او بیاید باید به جا آورد هرچند یاد آمدنش پس از فراغت از اعمال حج باشد. وکسی که شخصاً نتواند یا برایش مشقت داشته باشد

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۲

بایستی نایب بگیرد وحجش در هر دو صورت صحیح خواهد بود.

مسأله ۳۴۵

کسی که شخصاً پیاده یا سواره نتواند سعی را به جا آورد، دیگری را نایب بگیرد که به جای اوسعی کند وحجش صحیح است.

مسأله ۳۴۶

احتیاط این است که بعد از طواف ونماز آن بدون ضرورت مانند شدت گرما یا خستگی زیاد،تأخیر نکند، اگر چه اقوی این است که می تواند سعی را تا شب تأخیر کند، بلی در حال اختیار نباید سعی را به فردا بیندازد.

مسأله ۳۴۷

زیادی در سعی مانند زیادی در طواف سبب بطلان خواهد بود، اگر از روی علم وعمد باشد، چنان که در طواف گذشت. بلی اگر جاهل به حکم باشد، اظهر این است که سعیش به زیادی باطل نمی شود، هر چند احتیاط در اعادهء آن

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۳

است.

مسأله ۳۴۸

هر گاه از روی خطا در سعی خود زیاد نمود، سعیش درست است. ولی اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مستحب است که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود وختم سعی دوم طبعاً به صفا خواهد بود، وچنان چه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن او به قصد رجا عیبی ندارد.

مسأله ۳۴۹

هر گاه عمداً با علم به حکم یا جهل به آن، از سعی خود کم نمود، وتدارکش تا زمان وقوف به عرفات ممکن نباشد، حجش فاسد شده ولازم است سال بعد اعاده نماید، وظاهرش این است که احرامش نیز باطل می شود،هرچند اولی این است که عدول به حج افراد نموده وبه نیت اعم از حج وعمرهء مفرده تمامش نماید. وچنان چه کمبود سعی از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۴

روی فراموشی وبعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد،

تـدارک نماید. ودر صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سـخت باشد واجب است نایب بگیرد، هرچند به این جهت باشـد که پس از بازگشت به وطن یادش آمـده باشد، در این صورت احتیاط این است که نایب به نیت فراغ ذمهء منوب عنه از اتمام یا تمام، یک سـعی کامل به جا آورد. واگر کمبودش پیش از شوط چهارم واز روی فراموشـی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد. ودر صورت دشواری آن، نایب بگیرد.

مسأله ۳۵۰

چنان چه از روی فراموشـی، مقـداری از سـعی در عمرهء تمتع کم نموده وبه اعتقاد اینکه از سـعی فارغ شده محل شده، در این صورت

احوط بلکه اظهر این است که یک گاو کفاره دارد ولازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

شک در سعی

مسأله ۳۵۱

شک در عدد اشواط سعی پس از تقصیر اعتبار ندارد. وجمعی از فقها فرموده اند که شک در عدد اشواط بعد از سعی هر چند پیش از تقصیر باشد، به ان اعتنا نباید کرد. ولی اظهر این است که در این صورت باید به این شک اعتنا شود.

مسأله ۳۵۲

اگر هنگامی که در مروه است شک کند که شوط آخری هفتم است یا نهم، اعتنا به شک خود ننماید، وسعیش صحیح خواهد بود. وچنان چه این شک در اثنای شوط باشد، یعنی هنوز به مروه نرسیده چنین شکی کند، سعیش باطل ولازم

است سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۳۵۳

حکم شک در عدد اشواط سـعی، مانند حکم شک در عدد اشواط طواف است. پس هر گاه شک کند در عدد اشواط، سـعی را باطل می کند.

تقصیر

اشاره

واجب پنجم از واجبات عمرهء تمتع تقصیر است. یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل. وقصد قربت در تقصیر معتبر است. وکندن مو، جای چیدن را نمی گیرد.

مسأله ۳۵۴

بیرون آمدن از احرام عمرهء تمتع، باید فقط به تقصیر باشد، پس اگر خواسته باشد به جای تقصیر سر خود را بتراشد کفایت

نمی کند. بلکه سر تراشیدن، بر متمتع حرام است وچنان چه از روی عمد وعلم بتراشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. وبنابر احتیاط، این حکم مطلقاً حتی در صورت جهل نیز جاری است.

مسأله ۳۵۵

هر گاه بعد از سعی وپیش از تقصیر، با زنی نزدیکی وجماع کند وجاهل به حکم باشد، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۳۵۶

تقصیر، پیش از تمامی سعی حرام است. وچنان چه کسی پیش از فراغت از سعی، تقصیر نماید باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۵۷

لازم نیست تقصیر بعد از سعی بلافاصله به جا آورده شود. وشخص می تواند هر جا دلش خواست، خواه در سعی یا در منزل یا جای دیگر تقصیر نماید.

مسأله ۳۵۸

هر گاه تقصیر را عمداً ترک

نموده وبرای حج احرام بست، عمره اش فاسد وباطل خواهد بود. وظاهر این است که حج تمتعش بدل به حج افراد شده ولازم است بعد از حج، عمرهء مفرده به جا آورد. واحتیاط این است که حج را در سال بعد اعاده نماید.

مسأله ۳۵۹

هر گاه از روی فراموشی تقصیر را ترک نموده وبرای حج احرام بست، عمره اش صحیح است واحتیاطاً یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۳۶۰

همین که محرم در عمرهء تمتع تقصیر نمود، آنچه به جهت احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود به جز تراشیدن سر. واما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمرهء تمتع در ماه شوال به جا آورده شود، سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است، واما بعد از آن

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۹

احتیاط این است که سر تراشیده نشود وچنان چه تراشیده شد واز روی علم وعمد بود، احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

مسأله ۳۶۱

طواف نساء در عمرهء تمتع واجب نیست وبه جا آوردن آن به قصد رجا عیبی ندارد. وشیخ شهید - رحمه الله از بعض علما وجوب طواف نساء را در عمرهء تمتع نقل فرموده اند.

واجبات حج

۱ – احرام حج

اشاره

در گذشته واجبات حج به طوراجمال بیان شد، وتفصیل هر یک به قرار ذیل است:

اول احرام است. وبهترین وقت آن روز تَروِیَه (هشتم ذی الحجه) است. وسه روز پیشتر از آن هم جایز است، خصوصاً برای پیرمردان وبیماران

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۰

در صورتی که از ازدحام بترسند. این دو دسته احرام بسته وپیش از بیرون رفتن مردم از مکه بیرون می روند. ودر گذشته گفته شد که بیرون رفتن از مکه با احرام حج برای ضرورت بعد از فراغ از عمره هر وقت باشد جایز است.

مسأله ۳۶۲

همچنان که برای شخصی که عمره به جا می آورد جایز نیست قبل از تقصیر برای حج احرام ببندد، برای حاجی جایز نیست پیش از تمامی اعمال حج برای عمرهء مفرده احرام ببندد. بلی احرام بستن برای عمرهء مفرده پس از اعمال حج وپیش از طواف نساء مانعی ندارد.

مسأله ۳۶۳

وقت احرام در صورتی تنگ می شود که تأخیرش باعث نرسیدن به وقوف در عرفات روز عرفه (نهم ذی الحجه) شود.

مسأله ۳۶۴

احرام حج در کیفیت وواجبات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۱

و محرمات، مانند احرام عمره است واختلاف بین آن ها فقط در نیت است.

مسأله ۳۶۵

مکلف می تواند از هر جای شهر مکهء قدیم برای حج احرام ببندد. ومستحب است احرام حج از مسجد الحرام در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل باشد.

مسأله ۳۶۶

کسی که احرام حج را از روی فراموشی یا جهل به حکم ترک نموده واز مکه بیرون رفته سپس یادش بیاید یا علم به حکم پیدا کند، واجب است به مکه برگردد هر چند از عرفات باشد واز مکه محرم شود وچنان چه به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند به مکه برگردد، از همان جایی که هست محرم شود. وهمچنین است اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد باید از جایی که هست احرام ببندد، هر چند متمکن از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۲

بازگشت به مکه واحرام از مکه باشد. وچنان چه اصلاً یادش نیامد وحکم را ندانست تا از اعمال حج فارغ شد حجش صحیح است.

مسأله ۳۶۷

کسی که احرام حج را از روی علم وعمد ترک کند، لازم است تدارکش نماید، وچنان چه پیش از وقوف به عرفات متمکن از تدارک نشود، حجش فاسد ولازم است سال بعد اعاده اش نماید.

مسأله ۳۶۸

احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام وپیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی ننماید، وچنان چه طواف نمود بنابر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۳

۲ – وقوف در عرفات

اشاره

واجب دوم از واجبات حج تمتع، وقوف(بودن) در «عرفات» است با قصد قربت. ومراد از وقوف حاضر بودن در عرفات است چه سواره چه پیاده، چه در حال حرکت چه آرام.

مسأله ۳۶۹

صحرای عرفات حدودی برای آن معین شده که نام آن ها ثویه ونمره وذی المجاز ومأزمین است. وخود این ها خارج از موقف می باشند.

مسأله ۳۷۰

کوهی به نام «جبل الرحمه» در صحرای عرفات است که ظاهراً موقف است ووقوف روی آن کوه مکروه است. ومستحب است وقوف در دامنهء کوه از طرف چپ باشد.

مسأله ۳۷۱

وقوف در عرفات بایستی از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۴

روی اختیار باشد. پس اگر در مجموع وقت خواب یا بیهوش باشد، وقوفی نکرده است.

مسأله ۳۷۲

وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط، از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب است. واظهر این است که می تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید یعنی از یک بعد از ظهر وقوف نماید. ووقوف در تمام این وقت هر چند واجب است وترکش گناه است، ولی از ارکان حج نیست به این معنی که اگر کسی مقداری از این وقت را وقوف نکند حجش فاسد نخواهد شد. بلی اگر وقوف را اصلاً از روی اختیار ترک نماید حجش فاسد نخواهد بود. وآنچه رکن است وقوف فی الجمله است.

مسأله ۳۷۳

کسی که به جهت فراموشی یا نادانی یا عذر موجه دیگر وقوف اختیاری (از ظهر تا

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۵

غروب) را درک ننماید، وقوف اضطراری (مقداری از شب عید) بر او لازم است وبا این وقوف حجش صحیح خواهد بود. واگر این وقوف را عمداً ترک نماید حجش فاسد می شود.

مسأله ۳۷۴

کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب با علم وعمد، حرام است. ولی حج را فاسد نمی کند. وکسی کوچ کرد وپشیمان شده وبرگشت چیزی بر او نیست. واگر برنگشت باید یک شتر کفاره بدهد ودر منی آن را بکشد وچنان چه نتواند یک شتر کفاره بدهد باید هجده روز

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۶

روزه بگیرد وبنابر احتیاط پی در پی ومتوالی باشد. واین حکم نسبت به کسی که از روی فراموشی یا ندانستن حکم، کوچ کند نیز جاری است یعنی اگر یادش آمد یا حکم را دانست، باید برگردد که اگر برنگشت بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد واگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد.

مسأله ۳۷۵

اشاره

اگر ماه نزد قاضی اهل سنت ثابت شد وبر طبق آن حکم نمود ونزد شیعه ثابت نشد. دو صورت دارد:

اول: آن که احتمال برود که حکم او مطابق واقع است، که در این صورت پیروی از آن ها ووقوف با آن ها وترتیب جمیع آثار ثبوت ماه که راجع به اعمال حج است واجب می شود. وبنابر اظهر همین مقدار در حج کافی است. وکسی که مخالفت تقیه نموده وبگوید احتیاط در مخالفت آنها است فعل حرام به جا آورده ووقوفش فاسد خواهد بود. وخلاصه آن که پیروی از حاکم سنّی به جهت تقیه واجب است وبا تقیه حج صحیح است. واحتیاط در این جا مشروعیت ندارد، بخصوص که بیم تلف نفس ومانند آن باشد که در زمان ما این اتفاق می افتد.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۷

دوم: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویه وهشتم باشد، که در این صورت وقوف با آن ها کافی نخواهد بود. ودر این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، ودر غیر این صورت حجش بدل به عمرهٔ مفرده شده وحجی نخواهد داشت. وچنان چه استطاعتش از همین سال بوده وبرای سال های بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر اینکه استطاعت تازه ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۸

۳ – وقوف در مزدلفه

اشاره

واجب سوم از واجبات حج تمتع، وقوف در «مزدلفه» است با قصد قربت. ومزدلفه اسم مكانی است به آن «مشعر الحرام» نيز گفته می شود. وحدود آن از مأزمين تا حياض ووادی محسّر است كه در آن ها نبايد وقوف نمود، مگر در ازدحام وتنگی وقت كه مأزمين (دو راه تنگ وباريك) بايد بالا رفت.

مسأله ۳۷۶

هرگاه حاجتی از عرفات كوچ كرد احتياط اين است كه شب عيد را در مزدلفه بيتوته كند، هر چند وجوب بيتوته ثابت نشده است.

مسأله ۳۷۷

وقوف در مزدلفه از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عيد قربان واجب است، ولی آنچه ركن است، وقوف مختصراست كه اگر مقداری

****مناسك حج (فارسی): ۲۳۹

بين الطلوعين وقوف نموده وعمداً كوچ كند حجش صحيح است، اگر چه فعل حرامی به جا آورده است.

مسأله ۳۷۸

كسی كه وقوف بين الطلوعين مزدلفه را اصلاً ترك نمايد، حجش باطل وفاسد خواهد بود. وزنان وكودكان واشخاص ضعيف مانند پيرمردان وبيماران وشخصی كه از دشمن می ترسد، از اين حكم مستثنی هستند وبرای اين ها جايز است شب عيد مقداری وقوف نموده وقبل از طلوع فجر به سوی منی كوچ كنند.

مسأله ۳۷۹

كسی كه شب عيد را در مزدلفه وقوف نموده واز جهت ندانستن مسأله قبل از طلوع فجر كوچ نمايد، حجش بنابر اظهر صحيح است ويك گوسفند بايد كفاره بدهد.

مسأله ۳۸۰

كسی كه از روی فراموشی يا عذر ديگری نتواند بين الطلوعين در مزدلفه وقوف

****مناسك حج (فارسی): ۲۴۰

اختياری را بنمايد، وقوف اضطراری (بودن مختصر بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عيد) كافی است واگر آن راعمداً ترك

کند، حججش فاسد خواهد شد.

درک وقوفین

اشاره

دانسته شد که هر یک از وقوف عرفات ووقوف مزدلفه دو قسم است. اختیاری واضطراری. وهر گاه مکلف وقوف اختیاری هر یک را درک نماید که عملش صحیح است. ودر صورتی که درک نکند چند صورت خواهد داشت که هر صورتی حکمی دارد:

اول: آن که هیچ یک از وقوفهای اختیاری واضطراری را درک نکند، که در این صورت حجش باطل، ولازم است با همان احرام حج، عمرهء مفرده به جا آورد. وواجب است در صورتی که استطاعتش

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۱

باقی یا حج از سال های پیش بر ذمه اش مستقر باشد، سال بعد حج نماید.

دوم: آن که وقوف اختیاری عرفات واضطراری نزدلفه را درک نماید.

سوم: آن که وقوف اضطراری عرفات واختیاری مزدلفه را درک نماید، که در این صورت حجش بی اشکال صحیح است.

چهارم: آن که وقوف اضطراری هر یک از عرفات ومزدلفه را درک نماید، که اظهر در این صورت این است که حجش صحیح باشد، گرچه احوط در صورتی که شرایط وجوب حج باقی یا حج قبلاً بر ذمه اش مستقر شده باشد، در سال آینده حج به جا آورد.

پنجم: آن که فقط وقوف اختیاری در مزدلفه را درک کند، که در این صورت نیز حجش صحیح است.

ششم: آن که فقط وقوف اضطراری مزدلفه

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۲

را درک کند که در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد. ولی احتیاط این است که باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آن چه به او تعلق گرفته چه عمرهء مفرده وچه حج به جا آورده ودر سال بعد حج را اعاده نماید.

**هفتم: آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید، که اظهر در این صورت باطل بودن حج وانقلاب آن به عمرهء مفرده است مگر آن که شب، وقوف در مزدلفه بنماید واز روی جهل به مسئله قبل از فجر از آن جا افاضه (کوچ) کند چنان چه قبلاً گذشت. ولی در صورت امکان بازگشت، اگر چه تا ظهر روز عید باشد واجب است برگردد وقدری در مزدلفه توقف نماید وچنان چه ممکن نباشد حج او صحیح است ومی بایست یک گوسفند قربانی کند.

هشتم: آن که فقط وقوف اضطراری عرفات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۳

را درک نماید، که در این صورت حجش باطل است وبدل به عمرهء مفرده می شود.

واجبات منی

[۱ - رمی جمرهء عقبه = واجب چهارم از واجبات حج]

[۲ - ذبح ونحر در منی = واجب پنجم از واجبات حج]

[۳ - حلق یا تقصیر = واجب ششماز واجبات حج]

هرگاه مکلف از مزدلفه کوچ کرد بـایستی به منی رفته واعمالی را که در آن جا واجب است انجام دهـد. واعمال آن جا همان طور که تفصیلاً بیان خواهد شد، سه عمل است:

۴ - رمی جمرهء عقبه

اشاره

واجب چهارم از واجبات حج رمی جمرهء عقبه است در روز عید. یعنی به جایی که نامش جمرهء عقبه

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۴

است سنگریزه بیندازد. وآن چند شرط دارد:

۱ - نیت وقصد قربت.

۲ - بودن هفت ریگ، که کمتر از آن کفایت نمی کند چنان که کفایت نمی کند غیر از ریگ از اجسام.

۳ - زدن ریگ ها یکی پس از دیگری باشد. وزدن دو تا یا بیشتر با هم کافی نیست.

۴ - رسیدن سنگریزه ها به جمره.

۵ - آن که رسیدن بایستی با پرتاب کردن باشد وگذاشتن سنگریزه بر جمره کافی نیست. وظاهر اینکه اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده وسپس به جمره برسد کافی باشد. بلی اگر سنگریزه در راه به چیز نسبتاً سفتی مانند برخورد ودر آن جسته وبه جمره رسید، کفایت نخواهد کرد.

۶ – آن که رمی بین طلوع وغروب آفتاب (در

روز) باشد. وزنان وکسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است، می توانند شب عید رمی جمره نمایند.

مسأله ۳۸۱

هرگاه شک کند که سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته وسنگ دیگری بزند، مگر آن که شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد، که در این صورت اعتنا نکند.

مسأله ۳۸۲

زدن جسم دیگری غیر از سنگریزه کافی نیست. ودو چیز در سنگریزه معتبر است:

۱ – آن که از سنگ های حرم باشد. وبهتر این است که از مشعر برچیده شود.

۲ – آن که بکر ودست نخورده باشند وقبلاً در رمی استعمال نشده باشند.

مسأله ۳۸۳

کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است واحوط آن است که مقدار سابق را رمی نماید. واگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند ونایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق.

مسأله ۳۸۴

چنان چه کسی از روی ندانستن مسأله یا فراموشی در روز عید رمی جمره ننمود، لازم است تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا مسأله را دانست تدارکش نماید وچنان چه شب یادش آمد، بایستی روز بعد آن را انجام دهد. واین در صورتی است که از کسانی نباشد که رمی در شب برایش جایز است. وحکمش خواهد آمد، چنان چه بعد از روز سیزدهم مسأله را دانست یا یادش آمد، احتیاط این است که به منی رفته ورمی نموده ودر سال بعد رمی را شخصاً خودش یا نایبش به جا آورد. وچنان چه پس از

بیرون رفتن از مکه دانست یا یادش آمد، برگشتن بر او واجب نیست بلکه در سال بعد بنابر احتیاط شخصاً یا نایبش انجام دهد.

مسأله ۳۸۵

چنـان چه از روی فراموشـی یـا نـادانی روز عیـد رمی ننمود وپس از طواف حـج دانست یـا یادش آمـد وتـدارک نمود، اعادهء طواف بر او واجب نیست، هرچنـد احوط است. ولی اگر ترک رمی از روی علم وعمـد باشد، ظاهر این است که طوافش باطل است وواجب است که پس از تدارک رمی اعادهء طواف نماید.

۵ – ذبح ونحر در منی

اشاره

واجب پنجم از واجبات حج تمتع، ذبح یا نحر در منی است. ذبح یعنی کشتن گاو و گوسفند ونحر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۸

ی عنی کشـتن شتر (قربانی کردن). وباید با قصد قربت ودر روز باشد، مگر کسـی که ترسی داشته باشد، که چنین شخصی می توانـد قربانی خود را شب بنماید. وواجب است قربانی پس از رمی باشد ولی چنان چه او را از روی فراموشـی یا نادانی پیش از رمی به جا آورد صـحیح است وحاجتی به اعاده نـدارد. وواجب است ذبـح یا نحر در منی باشد وهرگاه متمکن نباشد چنان چه میگوینـد ذبـح را تغییر داده انـد ودر وادی محسـر قرار داده انـد. پس اگر متمکن از تـأخیر وذبـح در منی باشـد اگر چه تا آخر ذالحجه، حلق یا تقصـیر نمایـد ومُحل شود وذبـح را تأخیر بیندازد. وهمچنین طواف ونماز طواف وسـعی را تأخیر بیندازد والّا – جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفا کند.

مسأله ۳۸۶

احتیاط این است که ذبح ونحر در روز عید قربان باشد. ولی اگر از روی فراموشی

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۹

ی ا عـذر دیگر یا نادانی ترک نمود، لازم است تا آخر ایام تشـریق (یازدهم ودوازدهم وسـیزدهم) تـدارکش نماید. وچنان چه عذر او مسـتمر بود می تواند تا آخر ماه ذی الحجه تأخیر نماید، وچنان چه بعد از طواف دانست یا یادش آمد وتدارکش نمود، اعـادهء طـواف بر او واجب نخواهـد بـود، هر چنـد اعـاده اش احـوط است. ولی اگر از روی علم وعمـد قربـانی را ترک نموده وطواف کرد، ظاهر این است که طوافش باطل وواجب است بعد از تدارک قربانی اعاده اش نماید.

مسأله ۳۸۷

ی ک قربانی فقط برای یک نفر کفایت می کند ونمی شود برای دو نفر یا بیشتر باشد.

مسأله ۳۸۸

قربانی بایستی یا شتر یا گاو یا گوسـفند باشـد. وشتر بایستی سال پنجم را تمام کرده ودر سال شـشم داخل شده باشد وشتر اگر

شش ساله نباشد کافی نیست. وگاو وبز بایستی بنابر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۰

احتیاط سه ساله باشند وکمتر از آن کافی نیست. ودر گوسفند بایستی هشت ماه باشد وکمتر از آن کافی نیست واحتیاط این است که یک سالش تمام ودر سال دوم داخل شده باشد. وچنان چه پس از قربانی کردن معلوم شد که قربانی در سن معتبر نبوده، لازم است قربانی دیگری در سن معتبر بنماید. وقربانی بایستی از جمیع اعضا سالم باشد وقربانی کور وشل وگوش بریده وشاخ شکسته ومانند این ها کفایت نمی کند. واظهر این است که اخته شده نیز کفایت نمی کند. ولاغر نیز نباشد. واحوط واولی این است که بیمار وموجوء (رگ مالیده) ومرضوض (تخم کوبیده) وپیر که مغز استخوانش آب شده نباشد، وقربانی ای که گوشش شکافته یا سوراخ باشد عیبی ندارد، اگر چه احوط این است که از این ها نیز سالم باشد، واحوط واولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۱

خلقت شاخ ودم نداشته باشد.

مسأله ۳۸۹

چنان چه قربانی را به عقیدهء اینکه سالم است خریداری نموده وقیمتش را پرداخته وبعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می تواند به آن اکتفا نماید ولازم نیست قربانی دیگری بنماید.

مسأله ۳۹۰

آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد تماماً در صورت تمکن وقدرت است. وکسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه کند، هرچه ممکنش باشد همان کافی است.

مسأله ۳۹۱

چنان چه قربانی را به عقیدهء اینکه چاق است، کشت وبعد از کشتن معلوم شد لاغر است کافی است وحاجتی به قربانی دیگر ندارد.

مسأله ۳۹۲

هرگاه شک در لاغری قربانی داشته وبه جهت فرمانبرداری خداوند متعال او را کشت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۲

هر چند به امید اینکه به درگاه الهی قبول باشد سپس معلوم شد چاق بوده است کفایت می کند.

مسأله ۳۹۳

هرگاه قربانی سالم وبی عیبی خرید وپس از خریداری ناخوش ومریض شد یا شکستی دید یا عیب دیگری پیدا کرد، کشتن همان کافی است ولازم نیست تعویضش نماید.

مسأله ۳۹۴

هرگاه قربانی خرید وگم شد، قربانی دیگری به جای او بخرد. پس چنان چه اولی را پیش از کشتن دومی یافت، اولی را بکشد ونسبت به دومی مختار است که بکشد یا نکشد ودر حکم سایر اموال او خواهد بود. واحوط واولی این است که او را نیز بکشد. وچنان چه اولی را پس از کشتن دومی یافت، بنابر احتیاط اولی را نیز بکشد.

مسأله ۳۹۵

اگر قربانی گمشده ای را پیدا کرد باید تا روز دوازدهم اعلان وتعریف کند چنان چ

صاحبش پیدا نشد عصر روز دوازدهم او را از قبل صاحبش بکشد.

مسأله ۳۹۶

کسی که پول قربانی را دارد وقربانی گیرش نمی آید، بایستی پول او را نزد شخص امینی امانت بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجه با آن پول قربانی خریده وبکشد وچنان چه ماه ذی الحجه گذشت نباید بکشد مگر در سال بعد.

مسأله ۳۹۷

کسی که نه قربانی دارد ونه پولش را، به جای قربانی باید ده روز روزه بگیرد، سه روزش را در حج یعنی روز هفتم وهشتم ونهم ذی الحجه را روزه بگیرد وهفت روز دیگر را در وطن خود بگیرد. واحتیاط این است که هفت روز، پی در پی باشد. وسه روز اول را می تواند پس از شروع به اعمال عمرهء تمتع از اول ماه ذی الحجه بگیرد وبایستی پی در پی باشند. وچنان چه به وطن خود بر

نگشت ودر مکه اقامت نمود، بایستی تا بازگشت اصحاب وهمراهانش به وطن یا تا یک ماه صبر نموده وبعد از آن هفت روز را روزه بگیرد.

مسأله ۳۹۸

کسی که بایـد در حـج روزه بگیرد چنان چه نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، هشـتم ونهم را روزه گرفته وروز دیگر را پس از بـازگشت از منی روزه بگیرد. واگر روز هشـتم نیز نتوانـد روزه بگیرد، هر سـه روز را تـا بعـد از برگشـتن از منی تـأخیر نمایـد. واحتیاط این است که پس از بازگشت هر چه زودتر روزه ها را بگیرد وبـدون عـذر تأخیر ننماید. وچنان چه پس از گذشت از منی نتـوانست روزه بگیرد، این سه روز را در راه بـازگشت به وطن روزه بگیرد یـا در وطن خود ولی نبایـد بین سه روز وهفت روز جمع نماید یعنی بین روزهء سه روز وروزهء هفت روز فاصله بگذارد وچنان چه تا اول محرم سه روز را

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۵

روزه نگرفت، روزه از او ساقط می شود وقربانی برای سال بعد از او متعین می شود.

مسأله ۳۹۹

کسی که نه قربانی داشته ونه پولش را ودر حج سه روز روزه گرفته سپس قربانی برای او ممکن شد، بنابر احتیاط قربانی بر او واجب خواهد شد.

مسأله ۴۰۰

کسی که نتوانـد به تنهایی قربانی تهیه نمایـد ومی توانـد با دیگری شـرکت نماید، احتیاط این است که بین شـرکت در قربانی وروزه گرفتن به ترتیبی که گفته شد جمع نماید.

مسأله ۴۰۱

هرگاه قربانی یا پولش را به کسی داده ودر کشـتن آن وکیلش نمایـد پس شک کنـد که وکیل قربانی را کشـته یا نه، بنا را به نکشتن بگذارد. بلی اگر وکیل راستگو ومورد وثوق باشد وبگوید کشته ام کافی است.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۶

مسأله ۴۰۲

آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد، در کفاره شرط نیست، هرچند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.

مسأله ۴۰۳

کشـتار واجب در قربانی وکفاره، لازم نیست به مباشـرت خود شخص باشد بلکه جایز است درحال اختیار دیگری را نایب قرار دهد. وبایستی کشـنده مسـلمان باشد ونیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد وکشنده لازم نیست نیت کند هر چند احوط واولی نیت نمودن اوست.

مصرف قربانی

مسأله ۴۰۴

احتیاط این است که قربانی را سه قسمت نموده یک قسمت را به فقیر مومن صدقه

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۷

داده ویک قسمت را به مؤمنین هدیه نموده ویک قسمت باقی را خود بخورد. وواجب نیست ثلث فقیر را به شخص خود فقیر بدهد بلکه جایز است به وکیل فقیر داده شود گرچه وکیل فقیر خود صاحب قربانی باشد. وکیل در آن قسمت بر حسب اجازهء موکل خود هر تصرفی را که گفته است می نماید چه بخشیدن به دیگر یا فروش یا اعراض وغیر این ها. وجایز است اخراج گوشت قربانی از منی. (مراعات این نکته برای حجاج محترم بسیار مفید است که هنگام حرکت از وطن از فقیری وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواستهء او تصرف کند. زیرا یافتن فقیر مؤمن در منی برای حجاج بسیار مشکل است).

مسأله ۴۰۵

افراز وجدا کردن هر قسمتی از یکدیگر لازم نیست وهمین که یک سوم مشاع را به عنوان صدقه ویک سوم مشاع را به عنوان هدیه داده

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۸

و از قسمت باقی مانده مقداری بخورد کافی است.

مسأله ۴۰۶

کسی که صدقه یا هدیه را قبض می کند، هر طور بخواهد می تواند تصرف کند. وچنان چه او را به غیر مؤمن یا غیر مسلمان ببخشد عیبی ندارد.

مسأله ۴۰۷

چنان چه قربانی را کشت وپیش از تصدق وهدیه نمودن، دزدی قربانی را دزدید یا کسی به زور از او گرفت، صاحب قربانی ضامن نخواهد بود. بلی اگر خود به اختیار خود او را تلف یا به نااهل بخشید، بنابر احتیاط دو سوم هدیه وصدقه را ضامن خواهد بود.

۶ – حلق یا تقصیر

اشاره

واجب ششم از واجبات حج تمتع، حلق(سر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۹

تراشیدن) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است. وقصد قربت در او معتبر است. واحتیاط این است که در روز انجام شود وبعد از رمی جمره وقربانی باشد. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم، آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آن ها مقدم داشت اعاده اش لازم نیست.

مسأله ۴۰۸

سرتراشیدن بر زنان جایز نیست، ودر حق آن ها تقصیر متعین است.

مسأله ۴۰۹

مرد بین حلق وتقصیر مخیر است وهر کدام را خواسته باشد می تواند اختیار کند وسر تراشیدن (حلق) بهتر است. وکسی که برای دفع شپش ومانند آن موی سر خود را با عسل یا صمغ چسبانیده یا موی سر خود را جمع کرد ودر هم پیچیده وگره زده یا بافته یاشد، احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند بلکه وجوب آن اظهر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۰

است. وصَرِوره (کسی که برای اولین بار حج می نماید) احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هرچند مخیر بودنش بین حلق وتقصیر خالی از قوت نیست.

مسأله ۴۱۰

کسی که بخواهد سر بتراشد وبداند سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، بایستی اول تقصیر کند ومقداری از موی سر خود را چیده سپس سر تراشد.

مسأله ۴۱۱

خنثای مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد باید تقصیر نماید. والّا - باید هم تقصیر وهم حلق نماید وبنابر احتیاط تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

مسأله ۴۱۲

پس از حلق یا تقصیر آنچه بر محرم به احرام حرام شده بود حلال می شود جز زن وبوی خوش (عطر زن) بلکه شکار نیز بنابر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۱

احتیاط.

مسأله ۴۱۳

هر گاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق وتقصیر ننمود تا از منی بیرون رفت، بایستی به منی برگشته ودر آن جا سر تراشیده یا تقصیر نماید. وچنان چه بازگشت به منی غیر ممکن یا دشوار باشد، در جای خود حلق یا تقصیر نموده وموی خود را در صورت امکان به منی بفرستد.

مسأله ۴۱۴

هر گاه از روی فراموشی یا نادانی، حلق وتقصیر ننمود یا پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد وتدارک نمود، بنا بر اظهر اعادهء طواف واجب نخواهد بود، هر چند اعادهء آن بلکه اعادهء سعی نیز احوط است. ودر صورتی که تذکر یا دانستن حکم پیش از خروج از مکه باشد، احتیاط به اعادهء طواف در صورت امکان ترک نشود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۲

[۷ – ۸ – ۹]طواف حج ونماز آن وسعی

اشاره

واجب هفتم وهشتم ونهم از واجبات حج طواف ونماز وسعی است وکیفیت وشرایط این سه واجب، عین کیفیت وشرایطی است که در طواف عمرهء تمتع ونماز وسعی آن بیان شد.

مسأله ۴۱۵

در حج تمتع واجب است طواف حج بعد از حلق یا تقصیر باشد. وچنان چه با علم وعمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده ویک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۴۱۶

احتیاط این است که طواف حج از روز یازدهم ذی الحجه تأخیر نشود، گرچه جواز تأخیرش تا بعد از ایام تشریق (سه روز پس از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۳

عید اضحی: یازدهم ودوازدهم وسیزدهم) بلکه تا آخر ماه ذی الحجه خالی از قوت نیست.

مسأله ۴۱۷

تقدیم طواف حج ونماز وسعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می توانند طواف حج ونمازش را قبل از وقوفین به جا آورده وسعی را در وقت خودش بنمایند. واحوط این است که سعی

را نیز مقدم داشته ودر وقتش هم اعاده نمایند. واولی بهتر نیز در صورت امکان، اعادهء طواف ونماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی الحجه.

مسأله ۴۱۸

کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می ترسد، می تواند طواف حج ونماز وسعی را بر وقوفین مقدم بدارد. بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد. وبعد از اعمال منی هر جا دلش

بخواهد برود.

مسأله ۴۱۹

کسی که عارضه ای برایش رخ داد که نتوانـد طواف نماید، مانند زنی که حیض ببیند یا زاهو شود، ونتواند تا پاک شدن خود در مکه بماند که طواف کند لازم است برای طواف ونماز نایب بگیرد وپس از طواف نایب شخصاً سعی کند.

مسأله ۴۲۰

وقتی متمتع طواف حج ونماز آن را به جا آورد وسعی نمود بوی خوش بر او حلال می شود. واز محرمات احرام فقط زن وبنابر احتیاط شکار باقی می مانـد. وظاهر این است که بتوانـد بعـد از طواف وسعی عقـد نمایـد ولی لـذت بردن از زن برایش جایز نیست بنابر احتیاط، اگر چه اظهر جواز غیر از جماع است.

مسأله ۴۲۱

کسی که تقدیم طواف وسعی بر وقوفین برایش جایز باشد هرگاه طواف وسعی نمود

بوی خوش بر او حلال نمی شود تا مناسک منی (رمی وذبح وحلق یا تقصیر) را به جا نیاورد.

۱۰ – ۱۱ – طواف نساء ونماز آن

اشاره

واجب دهم ویـازدهم از واجبـات حـج تمتع، طواف نساء ونماز آن است. واین دو گرچه واجبنـد ولی از اعمال ومناسـبات حج نیستند وترک آن ها حتی عمداً موجب فساد وبه هم خوردن حج نمی شود.

مسأله ۴۲۲

طواف نساء همچنان که بر مردان واجب است بر زنان نیز واجب است. پس اگر مرد به جا نیاورد، زن بر او حرام، وچنان چه زن ترک نماید، مرد بر او حرام می شود وکسی که به نیابت دیگری حج می نماید، طواف نساء را برای او به جا می آورد نه برای خود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۶

مسأله ۴۲۳

طواف نساء ونمازش در کیفیت وشرایط عیناً مانند طواف حج ونماز آن است.

مسأله ۴۲۴

کسی که از جهت بیماری یا غیر آن به تنهایی نمی تواند طواف نساء را به جا بیاورد، از دیگری کمک بگیرد وطواف نماید هر چند بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود. وچنان چه از این هم متمکن نباشد، لازم است دیگری را نایب بگیرد. واین حکم نسبت به نماز طواف نیز جاری است.

مسأله ۴۲۵

کسی که عمداً با دانستن حکم یا ندانستن یا از روی فراموشی آن، طواف نساء را به جا نیاورد تا وقتی که شخصاً تدارکش ننماید، زن بر او حرام خواهد بود. وکسی که از روی فراموشی به جا نیاورد، در صورتی که مباشرتش غیر ممکن یا دشوار باشد می تواند دیگری را نایب نماید وهر وقت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۷

نایب طواف را به جا آورد، زن بر او حلال خواهد شد.

و چنان چه قبل از تدارک فوت نماید، احتیاط این است که از ترکه اش قضای آن به جای آورده شود.

مسأله ۴۲۶

تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست وکسی که از روی علم وعمد تقدیم نماید، لازم است بعد از سعی اعاده کند. وهمچنین است در صورتی که از روی نادانی وفراموشی مقدم نماید بنابر احتیاط.

مسأله ۴۲۷

کسی که از روی عذر طواف نساء را قبل از وقوفین به جا می آورد تا وقتی که مناسک منی(رمی وذبح وحلق یا تقصیر) ننموده، زن بر او حلال نمی شود.

مسأله ۴۲۸

زنی که حائض شود وقافله تا وقت پاکی او منتظرش نشود، می تواند طواف نساء را ترک نموده وبا قافلهء خود همراه شود. ودر این صورت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۸

و احتیاط این است که برای طواف نساء ونمازش نایب بگیرد. چنان چه مشغول طواف بوده وپس از به جا آوردن نصف آن حیض شود، می تواند باقی را ترک وبا قافله برود. واحتیاط در این صورت این است که برای باقی ماندهء طواف ونمازش نایب بگیرد.

مسأله ۴۲۹

فراموشی نماز طواف نساء مانند فراموشی نماز طواف حج است. وحکم آن گذشت.

مسأله ۴۳۰

هر گاه متمتع، طواف نساء ونمازش را به جا آورد، اگر مرد است زن بر او حلال واگر زن است، مرد بر او حلال می شود. وفقط چیزی که از حرام ها باقی می ماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است بنابر احتیاط. وأما کندن گیاه ودرخت حرم وشکار در حرم، گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم ندارد وشامل غیر محرم نیز هست.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۹

۱۲ – بیتوته در منی

اشاره

واجب دوازدهم از واجبات حج، بودن شب یازدهم ودوازدهم است در منی. وقصد قربت در آن معتبر است. وچنان چه حاجی روز عید را جهت به جا آوردن طواف وسعی به مکّه برود، واجب است به منی برگشته وشب را در آن جا بماند، وکسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بماند. وهمچنین است کسی که با زن نزدیکی کرده است بنابر احتیاط. وبرای غیر این ها کوچ کردن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است. ولی چنان چه تا شب در منی باقی ماند، واجب است شب سیزدهم را نیز بماند.

مسأله ۴۳۱

هر گاه آمادهء حرکت وکوچ از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۰

منی شـد واز جـای خود حرکت نمود وبه جهت ازدحـام ومانـند آن نتوانست قبـل از غروب از منی برایش ممکن باشـد واجب است بماند. واگر ممکن نباشد یا دشوار باشد جایز است از منی شبانه خارج شود وبنابر احتیاط یک گوسفند باید بکشد.

مسأله ۴۳۲

کسـی که بـودن شب در منی بیش از مقـداری که بتوانـد رمی جمرات کنـد واجب نیست. وواجب نیست تمـام شب را در منی باشد ومی تواند از سـر شب تا بعد از نیمهء شب یا از قبل از نیم شب تا طلوع فجر در آن جا بماند. واولی برای کسی که نصف اول شب را آن جا مانده وبیرون رفته، این است که پیش از طلوع فجر وارد مکّه نشود.

مسأله ۴۳۳

چند طایفه از وجوب بیتوته در

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۱

منی مستثنی هستند:

۱ - کسانی که از بیتوته معذورند، مانند بیمار وپرستارش وکسی که بر جان ومال خود در آن جا بترسد.

۲ - کسـی که در مکّه تمام شب ویا باقیمانـده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده ومشـغول به عبادت بوده به جز حاجت ضروری مانند خوردن وآشامیدن وتطهیر وامثال آن ها کار دیگری نداشته.

۳ - کسـی که طواف خانهء خدا را نموده ودر عبادت خود باقی مانده ودر عبادت خود باقی مانده سپس از مکّه بیرون رفته واز عقبهء مدنیین گذشته باشد. چنین شخصی می تواند در راه بیتوته نماید ولازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله ۴۳۴

کسی که بیتوتهء منیرا عمداً ترک کند، برای هر شب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۲

و احتیاط این است که در صورت فراموشـی یا ندانسـتن حکم نیز کفاره بدهـد. واحوط برای شـخص معـذور از بیتوته را ترک نموده کفاره نیست. وهمچنین کسـی که بعد از انجام طواف وسـعی از مکّه به سوی منیخارج شده ودر اثر راه بندان قبل از فجر به منیرسیده، بر چنین شخصی نیز کفاره نیست.

مسأله ۴۳۵

کسـی که از منیکـوچ کرده وبعـد از اینکه شب شـد در شب سـیزدهم جهت کـاری به منیبرگشت، واجب نیست در منی بیتوته

کند.

۱۳ – رمی جمرات

اشاره

واجب سیزدهم از واجبات حج، رمی جمرات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۳

سه گانه(جمرهء اولی، جمرهء وسطی، جمرهء عقبه) است. ورمی در روز یازدهم ودوازدهم واجب است. وهر گاه شب سیزدهم در منییتوته کند، رمی روز سیزدهم نیز بنابر احتیاط واجب خواهد شد. ورمی جمرات بایستی به مباشرت خود شخص انجام شود ونایب گرفتن در حال اختیار جایز نیست.

مسأله ۴۳۶

در رمی واجب است ابتدا از جمرهء اولی سپس جمرهء وسطی ودر آخر جمرهء عقبه باشد. وچنان چه برخلاف این ترتیب عمل شود دوباره رمی کند، هر چند مخالفت از روی نادانی یا فراموشی باشد. بلی اگر بعد از اینکه جمر سابق را چهار ریگ زد فراموش نموده وبه جمر بعدی رفت، واجب نیست رمی را تماماً اعاده کند بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمر قبلی زد کفایت می کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۴

مسأله ۴۳۷

واجباتی که در رمی جمرهء عقبه در اعمال روز عید قربان ذکر شد، در جمرات سه گانه نیز واجب است.

مسأله ۴۳۸

رمی جمرات باید در روز انجام شود. وکسی که در روز نتواند رمی کند مانند غلام وچوپان وبدهکاری که می ترسد گرفتار شود وهر کسی که بر جان ومال وناموس خود بترسد (و این حکم شامل پیرمرد وزن وبچه وضعیف که بر جان خود از ازدحام می ترسند می باشد)، برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند. ولکن جایز نیست برای غیر از کسی که ترس از مکث در منی دارد، کوچ کردن در شب دوازدهم بعد از رمی تا بعد از ظهر آن روز.

مسأله ۴۳۹

کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند واجب است روز دوازدهم آن را قضا

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۵

نماید. وکسی که رمی روز دوازدهم را فراموش کرده، بایستی در روز سیزدهم قضا نماید. واحتیاط این است که در بین ادای همان روز وقضای روز قبل فاصله گذاشته،و قضای روز قبل را پیش از ادای همان روز به جا آورد وقضای روز قبل طرف صبح وادای همان روز هنگام زوال باشد.

مسأله ۴۴۰

کسی که رمی را در منی فراموش نموده وپس از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی بازگشته ورمی نماید. وچنان چه فراموش شده رمی دو روز یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین وظیفهء هر روز وروز دیگری یک ساعت فاصله بگذارد. وچنان چه پس از خروج از مکه یادش آمد که رمی نکرده، واجب نیست به منی برگردد بلکه در سال بعد خود یا نایبش آن را قضا نماید.

مسأله ۴۴۱

بیماری که امید ندارد تا مغرب

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۶

بهبود حاصل کند، برای رمی نایب بگیرد. وچنان چه اتفاقاً پیش از غروب آفتاب بهبودی یافت وحالش خوب شد، بنابر احتیاط خودش نیز رمی کند.

مسأله ۴۴۲

حج به ترک رمی هرچند عمداً باشد باطل نمی شود وواجب است در سال بعد قضای آن را شخصاً یا به نایب گرفتن به جا آورد بنابر احتیاط.

احکام مصدود

مسأله ۴۴۳

مصدود کسی است که بعد از بستن احرام برای عمره یا حج از انجام اعمال آن جلوگیری ومنع شود.

مسأله ۴۴۴

مصدود از عمره در جای خود قربانی کرده واز احرام خارج می شود. واحتیاط این

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۷

است که حلق یا تقصیر را به آن ضمیمه نماید بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمرهء مفرده.

مسأله ۴۴۵

مصدود از حج چنان چه از موقف عرفات ومشعر یا خصوص موقف مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) وبیرون آمدن از احرام است. واحتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید. وچنان چه مصدود از طواف وسعی بعد از موقفین وقبل از اعمال منی باشد یا بعد از آن، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد وظیفه اش قربانی در محل صد وجلوگیری است واگر بتواند برای طواف وسعی نایب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهد یعنی هم قربانی کند وهم نایب بگیرد، گرچه اظهر جواز اکتفا به قربانی است در صورتی که جلوگیری از دخول در

مکه باشد، وجواز اکتفا به نایب گرفتن است اگر جلوگیری بعد از آن باشد. وچنان چه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت چنان چه بتواند برای رمی وقربانی نایب بگیرد، صحیح است وخود حلق یا تقصیر نموده واز احرام خارج شده سپس بقیهء مناسک واعمال را به جا آورد. وچنان چه نتواند نایب بگیرد، در این صورت ظاهراً وظیفه اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند ودر جای خود حلق یا تقصیر نموده وبرای به جا آوردن اعمال مکه به مکه رفته وپس از

انجام اعمال آن جا از سعی وطواف تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شده بود حلال خواهد شد حتی زن وحاجتی به چیز دیگر ندارد وحجش صحیح است وبایستی در سال بعد بنابر احتیاط رمی را اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۹

مسأله ۴۴۶

در صورتی که مصدود از سالهای پیش مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند به قربانیی که ذکر شد حج از او ساقط نمی شود بلکه واجب است در سال بعد حج نماید.

مسأله ۴۴۷

کسی که تمام اعمال حج را به جا آورده ودر مکه است وجهت بیتوته در منی ورمی جمرات می خواهد به منی برود ومنع وجلوگیری شود، حجش تمام است وبرای رمی در صورت امکان همان سال نایب می گیرد ودر صورت عدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد بنابر احتیاط. وحکم مصدود بر چنین شخصی جاری نیست.

مسأله ۴۴۸

کسی که نتواند حج خود را ادامه دهد از جهت پیش آمد مانعی غیر از صد وحصر، احتیاط این است که در جای خود قربانی نموده واز احرام خارج شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۰

مسأله ۴۴۹

قربانیی که در این موارد گفته شد خواه شتر باشد خواه گاو یا گوسفند فرقی ندارد. وچنان چه نتواند قربانی کند، بنابر احتیاط بدل آن را که روزه است به ترتیبی که گفته شد انجام دهد.

مسأله ۴۵۰

کسی که حج خود را خراب کرده وبعداً مصدود شود آیا حکم صد بر او جاری می شود یا نه، دو وجه دارد ظاهر این است که جاری می شود ولی بایستی علاوه بر قربانی کفارهء افساد حج را نیز بدهد.

مسأله ۴۵۱

کسی که قربانی همراه خود برده ومصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است وقربانی دیگری بر او واجب نمی شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۱

مسأله ۴۵۲

محصور کسی را گویند که در اثر بیماری ومانند آن پس از پوشیدن احرام نتواند اعمال عمره وحج را انجام دهد.

مسأله ۴۵۳

وظیفهء کسی که در عمرهء مفرده محصور شده این است که یک قربانی بفرستد وبا دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند وخود در آن وقت معین از احرام خارج می شود. وبرای چنین شخصی بخصوص جایز است در جای خود قربانی نموده واز احرام بیرون بیاید. وبر چنین شخصی بعد از این کار، تمام محرمات احرام حلال می شود بجز زن، وزن بر او حلال نمی شود مگر بعد از آن که خوب شود وعمرهء مفرده را به جا آورد. وکسی

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۲

که در عمرهء تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که زن هم بر این شخص حلال می شود. وکسی که محصور در حج شده بازهم حکمش حکم سابق است واحتیاط این است که با زن نزدیکی نکند تا آن که طواف حج وسعی وطواف نساءرا در حج یا عمرهء مفرده به جا آورد، آن وقت زن بر او حلال می شود.

مسأله ۴۵۴

هرگاه محصور شد وقربانی خود را فرستاد وبعد از آن مرضش سبکتر شد، چنان چه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نموده، واجب است خود را برساند. وچنان چه هر دو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود، حج را درک نموده ودر غیر این صورت اگر قربانیش کشته نشده، حج او بدل به عمرهء مفرده می شود واگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است وتمام محرمات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۳

بر او حلال شده مگر زن. وبر او واجب است که طواف حج ونماز طواف وسعی وطواف نساء ونمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنابر احتیاط.

مسأله ۴۵۵

اگر محصور از اعمال وواجبات منی شد ویا محصور از طواف وسعی بعد از درک وقوفین شد، پس وظیفهء آن همان است که در مسألهء «۴۴۵» برای مصدود گذشت. بلی اگر حصر از طواف وسعی بعد از دخول مکه شد، پس هیچ اشکالی نیست در اینکه وظیفه اش نایب گرفتن است.

مسأله ۴۵۶

هرگاه شخص محصور شد وقربانی خود را فرستاد سپس به سر خود آسیبی رساند قبل از آن که قربانی به جای خود برسد، جایز است خود گوسفندی کشته یا سه روز روزه گرفته یا شش مسکین را اطعام نماید که به هر کدام دو مُد بدهد

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۴

و حلق نماید.

مسأله ۴۵۷

در صورتی که محصور، استطاعتش تا سال بعد باقی بماند یا از سال های پیش حج بر او واجب شده باشد به فرستادن قربانی وبیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی شود وبایستی در سال بعد حج نماید.

مسأله ۴۵۸

هرگاه شخص محصور نه قربانی داشته باشد ونه قیمت آن را، بایستی به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد یعنی سه روز در حج وهفت روز پس از بازگشت به وطن.

مسأله ۴۵۹

مستحب است محرم هنگامی که می خواهد احرام ببندد، بر پروردگار خود شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد، هرچند بیرون آمدن از احرام متوقف بر او نیست، زیرا هر جا که نتواند وعذر یا مانعی پیدا

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۵

کرد خود به خود از احرام بیرون خواهد آمد، چه این شرط را کرده باشد چه نکرده باشد.

تا این جا واجبات حج بیان شد واز این به بعد مستحبات وآداب آن را بیان خواهیم نمود، وفقها - رضوان الله علیهم آداب ومستحبات زیادی بیان فرموده اند که این رسال مختصر، گنجایش آن را ندارد وما به بیان مختصر ومقدار کمی از آن ها اکتفا می نماییم.

آداب ومستحبات حج

اشاره

بدان که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان نماییم. لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده وبقیه را به کتب مفصله وا می گذاریم.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۶

مستحبات سفر

کسی که اراده‌ء سفر به مکه یا سفر دیگر را دارد، مستحب است که از حضرت حق جل وعلا طلب خیر کند ووصیت بنماید وصدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید، ووقتی که برای مسافرت مهیا شده، مستحب است در خانهء خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی فاتحه الکتاب وسورهء توحید را بخواند وبگوید { : «اَللّٰهُمَّ إنّی أتَقَرَّبُ ألَیْکَ بِهِنَّ فَاجْعَلْهُنَّ خَلیفَتی فی أَهْلی وَ مَالی». }

و مستحب است به درب خانهء خود ایستاده وسه مرتبه از پیش رو وطرف راست وچپ سورهء فاتحه وبه همین ترتیب سه مرتبه آیهءالکرسی را بخواند وبعد بگوید { : «اَللّٰهُمَّ احْفَظْنی واحْفَظْ }

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۷

{ مَا مَعِی، وَ سلِّمْنی وَ سَلِّمْ مَا مَعی، وَ بَلِّغْنی وَ بَلِّغْ مَا مَعی بَبَلاغِکَ الحَسَنِ الجَمیلِ». }

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱ – آن که قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده وناخن وشارب خود را بگیرد وموی زیر بغل وعانه را با نوره ازاله نماید.

۲ – کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعده وشخصی که قاصد عمرهء مفرده است پیش از یک ماه موی سر وریش را رها کند. وبعضی از فقها به وجوب آن قائل شده اند. واین قول اگر چه ضعیف است ولی احوط است.

۳ – آن که پیش از احرام در میقات غسل

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۸

احرام بنماید. واین غسل از زن حائض ونفساء نیز صحیح است. وتقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آن یافت نشود، جایز است. ودر صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد،

مستحب است غسل را اعاده بنمایـد. وبعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است، باز هم اعادهء مستحب است. واگر مکلف در روز غسل نمود، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند وهمچنین اگر غسل در شب نموده، تا آخر روز آینـده کافی است. ولی اگر بعـد از غسل وپیش از احرام به حدث اصـغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴ – هنگام پوشیدن دو جامهء احرام بگوید:

{ «الحَمْدُ للهِ الَّذِی رَزَقَنی مَا اُواری بِه عَوْرَتی، وَ اُؤدِّی فیهِ فَرْضی، وَ أعْبُدُ فیهِ رَبِّی، وَ أنْتَهی }

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۹

{ فیه إلی مَا أمَرَنِی. الحَمْدُ لله الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنی وَ أرَدْتُهُ فأعانَنی وَ قَبِلنی وَ لَمْ یَقْطَعْ بی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمنی، فَهُوَ حِصْنی وَ کَهْفِی وَ حِرْزی وَ ظَهْری وَ مَلاذِی وَ رَجائی وَ مَنْجای وَ ذُخْری وَ عُدَّتی فِی شِدَتی وَ رَخائی». }

۵ – آن که دو جامهء احرام از پنبه باشد.

۶ – آن که احرام را به ترتیب ذیل ببنـدد: در صورت تمکن بعد از فریضهء ظهر ودر صورت عدم تمکن از آن، بعد از شـش یا دو رکعت نمـاز نافله در رکعت اوّل پس از حمـد سور توحیـد ودو رکعت دوّم سورهء جحـد را بخوانـد، وشـش رکعت افضـل است وبعد از نماز، حمد وثنای الهی را به جا آورد وبر پیغمبر وآل او صلوات بفرستد آن گاه بگوید:

{ «اَللّهُمَّ إنِّی أسئلُکَ أنْ تَجْعَلَنی مِمَّن }

*****مناسک حج (فارسی): ۲۹۰

{ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَإنّی عَبدُکَ وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اُوقِی الاَّ مَا

وَقیت وَ لا آخذ الاّ ما أعْطَیْتَ، وَ قَدْ ذَکَرْتَ الحَجَّ فَأسْئَلُکَ أنْ تَعْزِمُ لی عَلیهِ عَلَی کِتابِکَ وَ سُنَهِ نَبیکَ(صَلواتُکَ عَلیهِ وَ آله) وَ تُقَوِّیَنِی عَلی ما ضَعُفْتَ عَنْهُ وَ تَسَلَّمَ مِنّی مَناسِکی فی یُسرٍ مِنْکَ وَ عافیهٍ، وَ اجْعَلْنی مِنْ وَ فْدِکَ الَّذینَ رَضِیْتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ، اَللّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَهٍ بَعیدَهٍ وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاء مَرْضاتِکَ، اَللّهُمَّ فَتَمِّم لی حَجّی وَ عُمْرَتی، اَللّهُمَّ إنی اُریدُ التَّمَتُّع بِالْعُمْرَهِ إلی الحَجِّ عَلَی کِتابِکَ وَ سُنِهِ نَبِیِّکَ(صَلوَاتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ) فَإنْ عَرَضَ لی عارِضٌ یَحْسُبنی فَحُلَّنی حَیثُ حَبَسْتَنی لِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ، اَللّهُمَّ إن لَمْ تَکُنْ حَجَهً فَعُمْرَهً، أحْرَمَ لَکَ شَعْری وَ بَشَری وَ لَحْمی وَ دَمی وَ عِظامی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَ الطِّیب، أبْتَغی بِذلِکَ }

{ وَجْهَکَ وَ الدّارَ الاخِرَهَ». }

۷ – آن که به نیت احرام تلفظ نموده وبه اخطار یا مجرد داعی نفسانی اکتفا ننماید. وبرای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸ – سابقاً گفتیم که تلبیه واجب که احرام به آن محقق می شود، بنابر احوط این است:

(«لَبَّیکَ اَللّهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ لا شریک لک لَبَّیکَ، إنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعمَهَ لَکَ وَ الْمُلکَ لا شَریکَ لَکَ»)

و مستحب است بعد از آن بگوید:

(«لَبَّیکَ ذَا المَعارَجِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ داعیاً إلی دار السّلامِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ غفّار الذنوبِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ أهْلَ التبیهء لَبَّیکَ، لَبَّیکَ ذا الجلالِ والاکرام لَبَّیکَ، لَبَّیکَ تبدئ والمعاد الیک لَبَّیکَ، لَبَّیکَ تستغنی ویفتقر الیک لَبَّیکَ، لَبَّیکَ مرهوباً ومرغوباً إلیک إله الحقِّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ ذالنعماء والفضل الحسن الجمیل)

(

لَبَّیکَ، لَبَّیکَ کشاف الکرب العظام لَبَّیکَ، لَبَّیکَ عبدک وابن عبدیک لَبَّیکَ، لَبَّیکَ یا کریم لَبَّیکَ».)

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

(«لَبَّیکَ اَتَقَرَّب إلیک بِمُحَمَّد وآل محمد لَبَّیکَ، لَبَّیکَ بحجهء أو عمرهء لَبَّیکَ، لَبَّیکَ وهذه عمرهء متعهء إلی الحج لبیک، لَبَّیکَ أهل التلبیهء لَبَّیکَ، لَبَّیکَ تلبیهء تمامها وبلاغها علیک»)

۹ - آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند ودر موارد آینده نیز آن را بگوید: وقت برخواستن از خواب، بعد از هر نماز واجب ومستحب، وقت رسیدن به سواره هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن، وقت سوار شدن یا پیاده شدن واوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، وزن حائض ونفساء نیز این تلبیه ها را بگویند. وشخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکّه را ببیند وپس از آن

قطع خواهد شد. واما حج، پس تلبیهء آن تا ظهر روز عرفه مستمر است وپس از آن بریده خواهد شد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱ - احرام در جامهء سیاه بلکه أحوط ترک آن است، وافضل احرام در جامهء سفید است.

۲ - خوابیدن محرم در رخت وبالش زرد رنگ.

۳ - احرام بستن در جامهء چرکین، واگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴ - احرام بستن در جامهء راه راه.

۵ - استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶ - حمام رفتن، واولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه

ونحو آن نساید.

۷ – لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید، بلکه احوط ترک آن است.

مستحبات دخول حرم

۱ – همین که حاجی به حرم رسید پیاده شده وبه جهت دخول حرم غسل نماید.

۲ – از برای تواضع وفروتنی نسبت به حضرت حق جل وعلا، پا برهنه شده ونعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود واین عمل ثواب زیادی دارد.

۳ – وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(«اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ: وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ)

(مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیق اَللّهُمَّ اِنّی اَرْجُو اَنْ اَکُونَ مِمَّنْ اَجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّهء بَعیدَهء وَ فَجٍّ عَمیق، سامِعاً لِنِدائِکَ، وَ مُستَجیباً لَکَ، مُطیعاً لاِمْرِکَ وَ کُلِّ ذِلکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَاِحْسانِکَ إلَیَّ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ، أبْتَغِی بِذلِکَ الزُّلْفَهءَ عِنْدَکَ، وَالْقُرْبَهءَ إلَیْکَ، وَالْمَنْزِلَهءَ لَدَیْکَ، وَالْمَغْفِرَهءَ لِذُنُوبِی، وَالتَّوْبَهءَ عَلَیَّ مِنْهَا بِمَنِّکَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ حَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النّارِ، وَ آمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرّاحِمِینَ»)

۴ – وقت دخول حرم مقداری از علف «اذخر» گرفته آن را مضغ نماید.

مستحبات دخول مکهء معظمه

برای دخول مکهء معظمه نیز مستحب است

مکلف غسل بنماید وهنگامی که وارد مکّه می شود با حالت تواضع وارد شود. وکسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده ووقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید. وهمچنین مستحب است با پای برهنه وبا حالت سکینه ووقار وارد شود، وهنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود. وگفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل «باب السلام» است، بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده ومستقیماً بیاید تا از اسطوانات بگذرد. ومستحب است بر در مسجد الحرام

ایستاده وبگوید:

*****مناسک حج (فارسی): ۲۹۷

(«اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ ما شآءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلى انبياء اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ اَلسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ وَ اَلسَّلامُ عَلى اِبْراهيمَ خليلِ اللَّهِ، اَلْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ».)

پس داخل مسجدالحرام شود ورو به کعبه دست ها را بلند نموده وبگوید:

(«اَللَّهُمَّ إِنِّی أسْألُكَ فِی مَقامِی هذا، وَ فِی أوَّلِ مَناسِكِی، أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی، وَ أنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِی، وَ أنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، الْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَيْتَهُ الْحَرامَ، اَللَّهُمَّ إِنِّی أشْهَدُ أنَّ هذا بَيْتُكَ الْحَرامُ، الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ، وَ أمْناً مُبارَكاً، وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ، اَللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُكَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتَ بَيْتُكَ، جِئتُ أطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أؤُمُّ طاعَتَكَ، مُطِيعاً لِامْرِكَ، راضِياً بِقَدَرِكَ، أسْألُكَ مَسْألَةَ الْفَقِيرِ إلَيْكَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِكَ، واسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِكَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۲۹۸

(وَ مَرْضاتِكَ»)

و در روایت دیگر وارد است

که نزد در مسجد بگوید:

(«بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ مِنَ اللهِ وَ إِلَى اللهِ وَ ماشاءَاللهُ، وَ عَلى مِلَّهِ رَسُولِ اللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرُ الْاَسْماءِ لِلّهِ، وَ الْحَمْدُلله ، وَ السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدِبْنِ عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُاللهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلى أَنْبِياءِاللهِ وَ رُسُلِهِ، اَلسَّلامُ عَلى خَلِيلِ اللهِ الرَّحْمنِ، اَلسَّلامُ عَلى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُلِلّهِ رَبِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلى عِبادِاللهِ الصَّالِحِينَ، اَللّهُمَ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ بارِكْ عَلى مُحَمَّد، وَ آلِ مُحَمَّد وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد، كَما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، أَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد)

*****مناسک حج (فارسی): ۲۹۹

(عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وعَلى إِبْراهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ عَلى أَنْبِيائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اَللّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَ مَرْضاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْايمانِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ، اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّن يُناجِيهِ، اَللّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلى كُلِّ مَأتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُور، فَأَسْأَلُكَ يا اللهُ يا رَحْمنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاإِلهَ إِلاّ أَنتَ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وبِأَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُواً أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلى أَهْلِ بَيْتِهِ، يا جَوادُ يا كَرِيمُ، يا ماجِدُ يا جَبَّارُ يا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ بِزِيارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْ ءٍ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۰

(تُعطِيني

فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّار.») پس سه مرتبه می گوید: («اَللّهُمَّ فَکَّ رَقَبَتی مِنَ النّار»)

پس می گوید:

(«وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَ ادْرَأ عَنّی شَرَّ شَیاطِینِ الْإنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ شَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ»)

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الاسود شد بگوید:

(«أشْهَدُ أنْ لاإلهَ إلّااللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لهُ، وَ أشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللهِ، وَ کَفَرْتُ بالطاغُوتِ وَاللاَّتِ وَالْعُزّی، وَ بعِبادَهِ الشَّیْطانِ، وَ بِعِبادَهِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ»)

پس نزدیک حجر الاسود رفته وآن را استلام نماید وبگوید:

(«اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا، وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا أنْ هَدانَا اللّهُ، سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُلِلّهِ ولا إلهَ إلاَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۱

(اللّهُ وَاللهُ أکْبَرُ، أکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أکْبَرُ مِمّن أخْشی وَاَحْذَرُ، ولا إلهَ إلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ ولَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیتُ، وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی، وَ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ء قَدِیرٌ»)

و صلوات بر پیغمبر وآل او بفرستد، وسلام بر پیغمبران بدهد چنان چه وقت دخول مسجد سلام می داد. آن گاه می گوید:

(«إنّی اُومِنُ بِوَعْدِکَ وَ اُوفی بِعَهدِکَ»)

و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجر الاسود رسیدی دست های خود را بلند کن وحمد وثنای الهی را به جای آور وصلوات بر پیغمبر بفرست واز خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده واستلام نما، واگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما، واگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن وبگو:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۲

(«اَللّهُمَّ أمانَتِی

أَدَّيْتُها، وَ مِيثاقِى تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِى بِالْمُوافاهءِ، اَللَّهُمَّ تَصْدِيقاً بِكِتابِک، وَ عَلى سُنَّهءِ نَبِيِّک صَلَواتُک اَشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلاَّاللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيکَ لَهُ، وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللهِ، وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ، وَباللاَّتِ وَالْعُزّى، وَ عِبادَهءِ الشَّيْطانِ، وَ عِبادَهءِ کُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دُونِ اللهِ»)

و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان وبگو:

(«اَللَّهُمَّ إلَيْکَ بَسَطْتُ يَدِى، وَ فِيما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِى، فَاقْبَلْ سُبْحَتِى، وَاغْفِرْلِى وَارْحَمْنِى، اَللَّهُمَّ إنِّى أعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَ مَواقِفِ الْخِزْىِ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَهءِ»)

آداب ومستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگويد:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۳

(«اَللَّهُمَّ إنِّى أسْألُکَ بِاسْمِکَ الَّذِى يُمْشى بِهِ عَلى طَلَلِ الْماءِ، کَما يُمْشى بِهِ جُدَدِ الْاَرْضِ، وأسْألُکَ بِاسْمِکَ الّذِى يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ، وَأسْألُکَ بِاسْمِکَ الَّذِى تَهْتَزُّ لَهُ اَقْدامُ مَلائِکَتِکَ، وَأسْألُکَ بِاسْمِکَ الَّذِى دَعاکَ بِهِ مُوْسى مِنْ جانِبِ الّطُورِ، فاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَألْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّهءً مِنْکَ، وَأسْألُکَ بِاسْمِکَ الَّذى غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ماتَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأخَرَ، وأتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بِى کَذا وکَذا) »و حاجت خود را بطلبد. ونيز مستحب است در حال طواف بگويد:

(«أللَّهُمَّ إنِّى إلَيْکَ فَقِيرٌ، وإنِّى خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلا تُغَيِّرْ جِسْمِى، ولا تُبَدِّلْ اِسْمِى» وصلوات بر محمّد وآل او بفرستد) به خصوص وقتی که به در خانهء کعبه می رسد. ووقتی که به حجر اسماعيل رسيد به ناودان نگاه نموده وبگويد:

(«اَللَّهُمَّ أدْخِلْنِى الْجَنَّهءَ بِرَحمَتِکَ وَ أجِرْنِى)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۴

(بِرَحْمَتِکَ مِنَ النَّارِ، وَ عافِنِى مِنَ الْسُّقْمِ، وَأوْسِعْ عَلَىَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأ عَنِّى شَرَّ فَسَقَهءِ الْجِنِّ وَالْانْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَهءِ الْعَرَبِ

وَ الْعَجَمِ) » وچون از حجر بگذرد به پشت سر کعبه برسد بگوید:

(«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، والجُودِ وَالْکَرَمِ، إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی، إنَّکَ أنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ».) چون به رکن یمانی برسد دست بردارد وبگوید:

(«یا اَللهُ یا وَلِیَّ الْعافِیهِ، وخالِقَ الْعافِیهِ، ورازِقَ الْعافِیهِ، وَ الْمُنْعِمُ بِالْعافِیهِ، وَ الْمَنّانُ بِالْعافِیهِ، وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیهِ عَلَیَّ وَ عَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُما، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ ارْزُقْنا الْعافِیَهَ، وَ تَمامَ الْعافِیهِ، وَ شُکْرَ الْعافِیهِ فی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ، یا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».) پس سر به جانب کعبه بالا کند وبگوید:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۵

(«اَلْحَمْدُللهِ الَّذِی شَرَّفَکِ وَ عَظَّمَکِ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الْذَّی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً، وَ جَعَلَ عَلِیّاً اِماماً، اَللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».) و چون میان رکن یمانی وحجر الاسود برسد بگوید:

(«رَبَّنا آتِنا فِی الْدُّنیا حَسَنَهً وَ فِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنا عَذابَ النَّارِ».)

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید وشکم وروی خود را به دیوار کعبه بچسباند وبگوید:

(«اَللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَکانُ الْعائِذِبِکَ مِنَ النَّارِ».) پس به گناهان خود اعتراف نموده واز خداوند آمرزش بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد. بعد بگوید:

(«اَللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَ الْفَرَجُ وَ الْعافِیهُ اَللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَ اغْفِرْلِی مَااطَّلَعْتَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۶

(عَلَیْهِ مِنِّی وَ خَفِیَ عَلی خَلْقِکَ، أسْتَجِیرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ».) و آن چه خواهد آمد دعا

کند، ورکن یمانی را استلام کند وبه حجر الأسود آمده وطواف خود را تمام نموده وبگوید:

(«اَللّهُمَّ قَنَّعْنی بما رَزَقْتَنی وَ بارِكْ لی فِیمَا آتَیْتَنی».)

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانهء کعبه وحجرالاسود را استلام نماید ودر وقت استلام حجر بگوید:

(«أمانَتی أدَّیتُها وَ میثاقِی تَعاهَدتُهَ لِتُشهَدَ لی بالمُوافاهء»)

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۷

رکعت اولی سورهء توحید، ودر رکعت دوم سورهء جحد را بخواند، وپس از نماز حمد وثنای الهی را به جا آورده وصلوات بر محمد وآل محمد بفرستد واز خداوند عالم طلب قبول نماید. ودر بعضی از روایات است که حضرت صادق(علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته وچنین می گفت:

(«سَجَدَ وَجْهِی لَكَ تَعَبُّداً وَرِقّاً، لاإلهَ إلاّ أنْتَ حَقّاً حَقّاً، اَلأوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَیْ ء، وَالْاخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَیْ ء، وَها أنَا ذا بَیْنَ یَدَیْكَ، ناصِیَتِی بَیَدِكَ، فاغْفِرْلِی، إنَّهُ لایَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُكَ، فَاغْفِرْ لِی، فَإنِّی مُقِرٌّ بِذُنُوبِی عَلی نَفْسِی، وَلا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ غَیْرُكَ».)

و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

و بعد از فراغ از نماز طواف وپیش از سعی مستحب است به نزد چاه زمزم رفته یك یا دو دلو آب

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۸

بکشد وآن را به سر وپشت وشکم خود بریزد وبگوید:

(«اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ وَعِلْماً نافِعاً وَ رِزْقاً واسِعاً، وَشِفآءً مِنْ كُلِ داءٍ وَ سُقْمٍ».)

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید.

مستحبات سعی

مستحب است که از در مقابل حجر الاسود به طرف صفا خارج شود، با رعایت وقار وآرامش. ووقتی بر صفا بالا رفت به کعبه نگاه کند، وبه طرف رکنی که حجر الاسود در آن است متوجه شود وخدای را حمد وثنا گوید ونعمت های الهی را به یاد

آورد. سپس هفت مرتبه «اللَّهُ أكبَرُ» بگوید، وهفت مرتبه« اَلْحَمْدُ للَّهِ» ِ بگوید، وهفت مرتبه «لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ» بگوید، وسه مرتبه:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۰۹

(

«لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکَ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَ یُمیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، وَهُوَ عَلی کُلِّشَی ءٍ قَدیر)

سپس بر محمد وآل محمد صلوات بفرستد بعد سه مرتبه بگوید:

(«اللَّهُ أکبَرُ عَلی ما هَدانا وَ الْحَمْدُللَّهِ ِعَلی ماأولانا، وَ الْحَمْدُللَّهِ ِالحَیِّ القَیّومِ، وَالْحَمْدُللَّهِ الحَیِّ الدائِمِ»،) سپس سه مرتبه بگوید:

(«اَشْـهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ، وَ اَشْـهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْـدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ لا نَعْبُـدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصـینَ لَهُ الدّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْـرِکُونَ»،) و سه مرتبه بگوید:

(«اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الْعَفْوَ وَ الْعافِیهءَ وَ الْیَقینَ فی الدّنْیا وَ الآخِرَهءِ».)

و سه مرتبه بگوید:

(«اَللّهُمَّ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنهءً، وَفِی الْاخِرَهءِ حَسَنَهءً، وَقِنا عَذابَ النَّارِ».)

بعد صد مرتبه «اللَّهُ أکبَرُ» بگوید،

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۰

و صد مرتبه «اَلْحَمْدُ للَّهِ» بگوید، وصد مرتبه «لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ» بگوید، صد مرتبه «الحمدلله» بگوید وصد مذتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» بگوید، بعد بگوید:

(«لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، اَنْجزَ وَعْدَهُ، وَ نَصرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَللّهُمَّ بارِکَ لی فی المَوتِ وَ فیمَا بَعْدَ المَوْتِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ ظُلْمَهءُ الْقَبْرِ وَ وَحْشِتِهُ، اَللّهُمَّ اَظِلنی فی ظِلَّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ اِلَّا ظِلِّکَ».)

و دین وخویشتن واهل وعیال خود را به خدا بسپارد واین کار را زیاد کند، پس بگوید:

(«اسْـتَوْدِعَ اللَّهُ الرَّحْمنُ الرَّحیمَ الَّذی لاتَضـیعُ وَدائِعُهُ دینی وَ نَفْسِـی وَ أهلی، اَللّهُمَّ اسْتَعْمِلْنی عَلَی کِتابِکَ وَ سُنَّهءِ نَبِیِّکَ، وَ تَوَفَّنی عَلَی مِلَّهءَ وَ اَعِذْنی مِنْ الْفِتْنَهءِ».)

سپس سه مرتبه «اللَّهُ أکبَرُ» بگوید، وآن

را دو بار اعاده کند، ویک بار دیگر نیز تکبیر بگوید، وبعد

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۱

آن را اعاده کند، واگر همهء آن را نتواند پس مقداری را که می تواند انجام دهد.

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت شده است که آن حضرت به صفا بالا می رفت به طرف کعبه روی می کرد وبعد دو دست خود را بلند می کرد سپس می گفت:

(«اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْب أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَهِ، فَإِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ، أللّهُمَّ افْعَلْ بِی ما أنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی ما اَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِی وإن تُعَذِّبْنِی فَاَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابِی، وَ اَنَا مُحْتَاجٌ إلی رَحْمَتِکَ، فَیا مَنْ اَنَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِی اَللّهُمَّ لاتَفْعَلْ بِی ما اَنَا أهْلُهُ فَإِنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی ما اَنَا اَهْلُهُ تُعَذِّبْنِی، وَ لَمْ تَظْلِمْنِی، اَصْبَحْتُ اَتَّقِی عَدْلَکَ، وَلا اَخافُ جَوْرَکَ فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لایَجُورُ ارْحَمْنِی».)

و از امام صادق(علیه السلام) روایت شده

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۲

است که فرمود: اگر می خواهی مال وثروتت زیاد شود پس وقوف در صفا را زیاد کن(در صفا زیاد بایست).

و مستحب است پیاده سعی کند وبا آرامش ووقار راه برود تا به محل منارهء اوّلی برسد پس به طرف منارهء دوّمی هروله نماید، سپس با وقار وآرامش راه برود تا به مروه بالا رود وبر بالای مروه همان اعمالی را انجام دهد که در صفا انجام داده بود، واز مروه به طرف صفا بر می گردد به همین صورت که گفتیم، واگر سواره باشد در میان دو مناره سرعت کند.

پس سزاوار است که بکوشد تا گریه کند(خود را به گریه وادار کند) وبسیار خدا را بخواند.

و برای زنان هروله نیست.

*****مناسک حج (فارسی):

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است. وپس از اینکه شخص احرام بسته واز مکّه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، وچون متوجه منیشود بگوید:

(«اَللَّهُمَّ إیّاکَ أرْجُو، وَ إیّاکَ أدْعُو، فَبَلِّغْنِی أَمَلِی، وَ أصْلِحْ لِی عَمَلِی».) و با تن ودلی آرام با تسبیح وذکر حق تعالی برود. وچون به منی رسید بگوید:

(«اَلْحَمْدُلله ِ الَّذِی أقْدَمَنِیها صالِحاً فِی عافِیَهٍ وَ بَلَّغَنِی هذَا الْمَکانِ»، پس بگوید:)

(«اَللَّهُمَّ هذِهِ مِنی، وَ هِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ، فَاَسْأَلُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ به عَلی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۴

(أنْبیائِکَ، فَإنَّما أنَا عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ».)

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده وبه طاعت الهی مشغول باشد، وبهتر آن است عبادات وخصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، وچون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، واگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه أحوط آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود وروانه شدن پیش از صبح مکروه واز بعضی حرمت آن را نقل نموده اند، مگر از برای ضرورت مانند بیمار وکسی که از ازدحام مردم خائف باشد. وچون به عرفات متوجه این دعا را بخواند.

(«اَللّهُمَّ إلَیْکَ صَمَدْتُ، وَ إیّاکَ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَکَ أرَدْتُ، أسْأَلُکَ أنْ تُبارِکَ لِی فِی رِحْلَتِی، وَأنْ تَقْضِیَ لِی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۵

(حاجَتِی، وَ أن تَجْعَلَنِی مِمَّنْ تُباهِی بِهِ الیَوْمَ مَنْ هُوَ أفْضَلُ مِنِّی».)

و

تا رسیدن به عرفات تلبیه بگوید.

مستحبات وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱ – با طهارت بودن در حال وقوف.

۲ – غسل نمودن، وبهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳ – آن چه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجّه جناب أقدس الهی گردد.

۴ – نسبت به قافله ای که از مکّه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۶

۵ – وقوف او در پایین کوه ودر زمین هموار بوده باشد، وبالا رفتن کوه مکروه است.

۶ – در اول وقت، نماز ظهر وعصر را به یک اذان ودو اقامه به جا آورد.

۷ – قلب خود را به حضرت حق جل وعلا متوجه سازد وحمد الهی وتهلیل وتمجید نموده وثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن صد مرتبه «اللهُ أكْبَر»، و صد مرتبه «الْحَمْدُللهِ»، و صد مرتبه «سُبْحانَ اللهِ» بگوید و، صد مرتبه سورهء توحید را بخواند وآن چه خواهد دعا نماید واز شیطان رجیم به خدا پناه ببرد، وبگوید:

(«اَللّهُمَّ إنّی عَبدُکَ، فَلا تَجعَلْنی مِنْ أخْیَبِ وَفدِکَ، وَارْحَمْ مَسیری إلَیکَ مِنَ الفجِّ العمیقَ»،) و این دعا را نیز بخواند:

(«اَللّهُمَّ رَبِّ الْمشَاعِرِ کُلِّها فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۷

(النّارِ وَ أوْسِعْ عَلِیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهءِ الْجِنِّ وَ الاْنْسِ، اَللّهُمَّ لاتَمْکُرْ بِی وَلا تَخْدَعْنِی وَلا تَسْتَدْرِجْنِی اللهمَ انی اسألکَ وحودِکَ وکَرَمِکَ ومِنکَ وفَضلِکَ یا أسْمَعَ السَّامِعینَ وَ یا أبْصَرَ النَّاظِرینَ وَ یا أسْرَعَ الْحاسِبینَ وَ یا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد

وَ أنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا».)

وحاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد وبگوید:

(«اَللّهُمَّ حاجَتِی إلَیْکَ الَّتِی إنْ أعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرَّنِی ما مَنَعْتَنِی وَ التی إنْ مَنَعْتَنِیها لَمْ یَنْفَعْنِی ما أعْطَیْتَنِی، أسْأَلُکَ خَلاصَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ اَللّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ وَ مِلْکُ یَدِکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ وَ أجَلِی بِعِلْمِکَ، أسْأَلُکَ أنْ تُوَفِّقَنِی لِما یُرْضِیکَ عَنِّی وَ أنْ تُسَلِّمَ مِنِّی مَناسِکِیَ الَّتِی أرَیْتَها خَلِیلَکَ إبْراهِیمَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَیْها نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۸

(اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ وَ أطَلْتَ عُمْرَهُ وَ أحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حیاهً طَیِّبَه».)

۸ - این دعا را بخواند:

(«لا إلهَ إلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی ویُمِیتُ وَ یُمِیتُ یحیی وهُوَ حَیٌ لایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ء قَدِیرٌ، اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ انت کما تَقُولُ وَ خَیْر ما یَقُولُ الْقائِلُونَ، اَللّهُمَّ لَکَ صَلاتِی وَ دینی وَ مَحْیای وَ مَماتِی وَ لَکَ تُراثِی (بَراءَتِی خ ل) وَ بِکَ حَوْلِی وَ مِنْکَ قُوَّتِی، اَللّهُمَّ إنِّی أعُوذُبِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ وَسواسِ الْصُّدُرِ وَ مِنْ شَتاتِ الأَمْرِ ومِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، اَللّهُمَّ اِنِّی أسْألُکَ من خَیْرَ ماتأتی الرِّیاح وَ أعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ ما تأتی بِهِ الرِّیاحُ وَ أسْأَلُکَ خَیْرَ الْلَّیْلِ وَ خَیْرَ النَّهارِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُوراً وسَمْعِی وَ بَصَرِی نُوراً وَ فِی لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ عُرُوقِی وَ مَقْعَدِی وَ مَقامِی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۱۹

(وَ مَدْخَلِی وَ مَخْرَجِی نُوراً وَ أعْظِمْ لِی نُوراً یا رَبِّ یَوْمَ ألْقاکَ إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ء قَدیرٌ».)

و در

این روز تا می تواند از خیرات وصدقات تقصیر نکند.

۹ - آن که کعبه را استقبال نموده واین اذکار را بگوید: «سُبْحانَ اللهِ» صد مرتبه ،«اللهُ أكْبر» صد مرتبه، «ماشاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إلاّ باللهِ» صد مرتبه، («أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لايَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ء قَدِيرٌ») صد مرتبه، پس از اول سوره‌ء بقره ده آیه بخواند پس سوره‌ء توحید سه مرتبه، و آیه‌ء الکرسی را بخواند تا آخر، پس این آیات را بخواند:

(«إنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأرْضَ فِی سِتَّهِ أيّام ثُم اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِی الَّلَيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۰

(وَالنُجُوْمَ مُسَخَّرات بِأمْرِهِ اَلا لَهُ الْخَلْقُ والْأمْرُ تَبارَکَ اللهُ رَبُّ الْعالَمِينَ * اُدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَهً إنَّهُ لا يُحِبُّ المُعْتَدِينَ * وَلا تُفْسِدُوا فی الْأرْضِ بَعْدَ إصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»،) پس سوره‌ء «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق» و سوره‌ء «قُل أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» را بخواند، پس آن چه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده وحمد الهی نماید، وهمچنین بر أهل ومال وسایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید وبگوید:

(«أللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلى نَعْمائِکَ الَّتی لاتُحصی بِعَدَد وَلا تُكافَأُ بِعَمَل».)

و به آیاتی از قرآن که در آن ها حمد شده است خدا را حمد نماید، وبه آیاتی که در آن ها ذکر تسبیح شده است، خدا را تسبیح نماید، وبه آیاتی که در

آن ها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید،

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۱

و به آیاتی که در آن ها تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید، وبر محمد وآل محمد(علیهم السلام) زیاد صلوات بفرستد وبه هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند، وبه آن چه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، وبه اسماء الهی که در آخر سوره‌ء حشر موجود است خدا را بخواند، وآن ها عبارتند از:

(«اللهُ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشّهادَهِ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ اَلْمُتَكَبِّرُ الخالِقُ الْبارِى ءُ الْمُصَوِّرُ».)

و این دعا را بخواند:

(«أَسْأَلُكَ يا اللهُ يا رَحْمنُ، بِكُلِّ اسْم هُوَ لَكَ، وَ أسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ ما أحاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَبِجَمْعِكَ وَ بِأرْكانِكَ كُلِّها، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الأكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِى مَنْ دَعاكَ بِهِ كانَ حَقّاً عَلَيْكَ أنْ لا تُخَيِّبَهُ، وَ بِاسْمِكَ)

(الْأعْظَمِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۲

(الْأعْظَمِ الَّذى مَنْ دَعاكَ بِهِ كانَ حَقّاً عَلَيْكَ أنْ لاتَرُدَّهُ، وَ أنْ تُعْطِيَهُ ماسَأَلَ، أنْ تَغْفِرَ لِى جَمِيعَ ذُنُوبِى فِى جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».)

و هر حاجت که داری بخواه، واز حق سبحانه وتعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده وهر سال. وهفتاد مرتبه بگو: «أسْأَلُكَ الْجَنَّهء» و هفتاد مرتبه «أسْتَغْفِرُاللهَ رَبِّى وَ أتُوبُ إلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را:

(«أللّهُمَّ فُكَّنِى مِنَ النَّارِ، وَأوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّى شَرَّ فَسَقَهءِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَهءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».)

۱۰ – آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

(«اَللّهُمَّ

إنِّی أعُوذُبِکَ مِنَ الفَقْرِ، وَ مِنْ تَشَتُّتِ الاْمُرِ، وَ مِنْ شَرِّ ما یَحْـدُثُ بِالَّیْلِ وَالنَّهارِ، أمْسی ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ، وَ أمْسی خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأمانِکَ،)

(وَ أمْسی ذُلِّی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ، وَ أمْسی وَجْهِیَ الْفانِیَ الْبالِی مُسْتَجِیْراً بِوَجْهِکَ الباقِی، یاخَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا أجْوَدَ مَنْ أعْطی، جَلِّلْنِی بِرَحْمَتِکَ، وألْبِسْنِی عافِیَتَکَ، وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».)

و بدان که ادعیهء وارده در این روز شریف بسیار است وهر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است. وبسیار خوب است که در این روز دعای صحیفهء کامله ودعای حضرت سیّد الشهداء وحضرت زین العابدین(سلام الله علیما) خوانده شود وبعد از غروب آفتاب بگوید:

(«اَللَّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هـذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِل أبَداً ما أبْقَیْتَنِی، وَاقْلِبْنِیَ الْیَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِی، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِی، بأفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ، وَ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ، وَاجْعَلْنِیَ الْیَوْمَ مِنْ أکْرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ،)

(وَأعْطِنی أفْضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَالْبَرَکَهءِ وَالرَّحْمَهءِ وَالرِّضْوانِ وَالْمَغْفِرَهءِ، وَ بارِکْ لِی فِی ما أرْجِعُ إلَیْهِ مِنْ أهْل أوْ مال أوْ قَلِیل أو کَثِیر، وَ بارِکْ لَهُمْ فِیَّ»)

و بسیار بگوید:

(«أللَّهُمَّ أعْتِقْنِی مِنَ النّارِ»)

مستحبات وقوف به مزدلفه

بدان که مستحب است با تن ودلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه متوجه شده واستغفار نماید، وهمین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

(«اَللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوَقُّفِی، وَ زِدْهُ فِی عَمَلِی، وَ سَلِّمْ لِی دِینِی، وَ تَقَبَّلْ مَناسِکِی»)

و در راه رفتن میانه روی نماید وکسی را آزار ندهد. مستحب است نماز شام وخفتن را تا

مزدلفه به

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۵

تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، ومیان هر دو نماز به یک اذان ودو اقامه جمع کند، ونوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد. ودر صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب وعشا را به تأخیر نینداخته ودر میان راه بخواند. ومستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید. واگر حاجی صَرِوره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد. ومستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادات واطاعت الهی به سر برد واین دعا را بخواند.

(«اَللَّهُمَّ هـذِهِ جُمَعُ، اَللَّهُمَّ إنِّی أسْألُکَ أنْ تَجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْرِ، اَللَّهُمَّ لاتُؤْیِسْنِی مِنَ الْخَیْرِ الَّذِیْ سَألْتُکَ أنْ تَجْمَعَهُ لِیْ فِی قَلْبِی، وَأَطْلُبُ إلَیْکَ أنْ تُعَرِّفَنِی ماعَرَّفْتَ أوْلِیاءَکَ فِی مَنْزِلِی هذا، وَ أنْ تَقِیَنِی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۶

(جَوامِعَ الشَرِّ».)

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت، حمد وثنای الهی را به جا آورد، وبه هر مقداری که میسور باشد از نعم وتفضلات حضرت حق ذکر کند، وبر محمد وآل محمد صلوات بفرستد، آن گاه دعا نماید، وبعضی به وجوب آن قائل شده اند. واین دعا را نیز بخواند:

(«اَللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَادْرَأ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، اَللَّهُمَّ أنْتَ خَیْرُ مَطْلُوب إلَیْهِ، وَ خَیْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَیْرُ مَسْؤول، وَ لِکُلِّ وافِد جائِزَهٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتِی فِی مَوْطِنِی هـذا، أنْ تُقِیلَنِی عَثْرَتِی، وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِی، وَ أنْ تُجاوِزَ عَنْ خَطِیْئَتِی، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ الدُّنیا زادِی».)

و مستحب

است سنگریزه هایی را که در منی

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۷

رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد. ومجموع آن ها هفتاد است.

و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته وبه وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود، واگر سواره است سواری خود را حرکت دهد وبگوید:

(«اَللَّهُمَّ سَلِّمْ لی عَهْدِی، وَاقْبَلْ تَوبَتِی، وَأجِبْ دَعْوَتِی، وَاخْلُفْنِی فِیْ مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِی».)

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱ - با طهارت بودن در حال رمی.

۲ - هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته این دعا را بخواند:

(«اَللّهُمَّ هؤلاءِ حَصَیَاتی فَأحْصِهِنَّ لی وَ ارفَعهُنَّ فی عَمَلی»)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۸

۳ - با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید:

۴ - هر سنگی را که بیندازد این دعا را بخواند:

(«اللهُ أكْبَرُ، اَللَّهُمَّ ادْحَرْ عنِّی الشَّیْطانَ، اَللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِكِتابِكَ، وَ عَلی سُنَّهِ نَبِیِّكَ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجّاً مَبْرُوراً، وَ عَمَلا مَقْبُولا، وَسَعْیاً مَشْكُوراً، وَ ذَنْباً مَغْفُوراً»)

۵ - میان او وجمره در جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد، ودر جمرهء اولی ووسطی کنارهء جمره بایستد.

۶ - جمرهء عقبه را رو به جمره وپشت به قبله رمی نماید وجمرهء اولی ووسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷ - سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده وبا ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ - پس از برگشتن به جای خود در منی این

*****مناسک حج (فارسی): ۳۲۹

دعا را بخواند:

(«اَللّٰهُمَّ بِکَ وَ ثِقْتُ، وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُ، وَ نِعْمَ المَوْلی، ونِعْمَ النَّصِیرُ»)

مستحبات هَدْی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ – در صورت تمکن، قربانی شتر باشد ودر صورت نبودن آن، گاو ودر صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

۲ – قربانی بسیار فربه باشد.

۳ – در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده ودر صورت گوسفند یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.

۴ – شتری که می خواهند او را نحر کنند، ایستاده واز سر دست ها تا زانوی او را ببندند وشخص

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۰

از جانب راست او بایستد، وکارد یا نیزه یا

خنجر به گودال گردن او فروبرد، ودر وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

(«وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ، إنَّ صَلاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیایَ وَ مَماتِی لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، لا شَرِیکَ لَهُ، وَ بِذلِکَ اُمِرْتُ وَ أنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ، اَللَّهُمَّ مِنْکَ وَ لَکَ بِسْمِ اللهِ وَ اللهُ أکْبَرُ، اَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی»)

۵ - اینکه خود، قربانی را بکشد واگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۱

۱ - آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند واین دعا را بخواند:

(«اَللّهُمَّ أعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُوراً یَومَ القِیامَهِ»)

۲ - آن که موی را در منی در خیمهء خود دفن نماید. واولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش وشارب خود گرفته وهمچنین ناخن ها را بگیرد.

مستحبات طواف حج ونماز آن وسعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره ونماز آن وسعی ذکر شد این جا نیز جاری است. ومستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید وبر در مسجد بایستد واین دعا را بخواند:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۲

(«اَللَّهُمَّ اَعِنّی عَلَی نُسُکِکَ، وَ سَلِّمْنی لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِی، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَ أنْ تُرْجِعَنِی بِحاجَتِی، اَللّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ، وَالبَیْتُ بَیْتُکَ، جِئتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَ أؤُمُّ طاعَتَکَ، مُتَّبِعاً لأمْرِکَ، راضِیاًبِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الْمُضْطَرِّ إلَیْکَ، الْمُطِیعِ لِامْرِکَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، أنْ تُبَلِّغَنِی عَفْوَکَ، وَتُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ»)

پس به نزد حجر الاسود بیاید واستلام وبوسه نماید، واگر بوسیدن ممکن نشد دست بر حجر مالیده ودست خود را ببوسد، واگر آن هم ممکن نشد مقابل ایستاده وتکبیر بگوید، وبعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۳

مستحبات منی

بـدان که برای حاجی مسـتحب است که روز یازدهم ودوازدهم وسـیزدهم را در منی بماند، وحتی به جهت طواف مسـتحب از منی بیرون نرود. وتکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز ودر غیر منی بعد از ده نماز که اول آن ها نماز

ظهر روز عید است مستحب می باشد وبعضی آن را واجب دانسته اند. واولی در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

(«اَللّهُ أكْبَرُ اَللّهُ أكْبَرُ، لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَاللّهُ أكْبَرُ، اَللّهُ أكْبَرُ وَلِلّهِ الْحَمْدُ، اللّهُ أكْبَرُ عَلی ما هَدانَا، اللّهُ أكْبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَهءِ الأَنْعامِ، وَالْحَمْدُلِلّهِ عَلی ما أبْلانا».)

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۴

نمازهای واجب ومستحب را در مسجد خیف به جا آورد. ودر حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، وهر کس در آن جا صد مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، وهر کس در آن جا صد مرتبه «لا اِله إلاّ اللّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد، وهر کس در آن جا صد مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدیق نماید.

مستحبات دیگر مکهء معظمه

آداب ومستحبات دیگر در مکهء معظمه از این قرار است.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۵

۱ – زیاد ذکر نمودن خدا وخواندن قرآن.

۲ – ختم نمودن یک قرآن.

۳ – خوردن از آب زمزم، وبعد از خوردن این دعا را بخواند:

(«اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ وَعِلْماً نافِعاً وَ رِزْقاً واسِعاً، وَشِفآءً مِنْ كُلِ دآءٍ وَ سُقْمٍ» و) نیز بگوید:

(«بسم اللّه، وَالْحَمدللّهِ، والشُكرُللّهِ»)

۴ – نظر نمودن به کعبه واکثار از آن.

۵ – در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن: در اول شب سه طواف ودر آخر شب سه طواف وپس از دخول صبح دو طواف وبعد از ظهر دو طواف.

۶ – هنگام

توقف در مکه به عدد أیام سال یعنی سیصد وشصت مرتبه طواف مکه نماید واگر این مقدار نشد پنجاه ودو مرتبه واگر آن هم میسور نشد هر

مقداری که بتواند.

۷ - شخص صَروره به خانهء کعبه داخل شود. ومستحب است قبل از دخول غسل بنماید ودر وقت داخل شدن بگوید:

(«اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمناً فآمِنِّی مِنْ عَذابِ النَّار»)

پس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد، حم سجده ودر رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه وپنج آیه از سایر جاهای قرآن بین ستون بر سنگ قرمز بخواند.

۸ - دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویهء کعبه وبعد از نماز این دعا را بخواند.

(«اَللّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَأوْ تَعَبَّأَأوَ اَعَدَّأوَاسْتَعدَّ،لِوِفادَهءٍ اِلی مَخْلُوقٍ رَجآءَ رِفْدِهِ وَجآئِزَتِهِ وَ نوافِلِه وَ فواضِلِه، فَاِلَیْکَ یاسَیِّدی تَهْیِئَتی وتَعْبِئَتی وَإعْدادی)

(وَاسْتِعْدادی رَجآءَ رَفْدِکَ وَ نوافِلِکَ وَ جآئِزَتِکَ، فَلا تُخَیِّبْ الیَومَ رَجائی یا مَنْ لا یَخیبُ عَلَیْهِ سائِلٌ وَلا یَنْقُصُهُ نآئِلٌ، فَاِنّی لَمْ آتِکَ الیَومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قدَّمتُهُ وَ لا شفاعَهءِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لِکِنّی اَتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْم وَ الْإساَءَهءِ عَلی نَفْسی، فَإنَّهُ لاحُجَّهءَ لی وَ لا عُذْرَ، فَأسأَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعطِینی مَسْألَتی وتُقیلَنی عَثْرَتی وَ تقلِبنی بِرَغْبَتی وَ لا تَرُدَّنی مَجبوهاً مَمنوعاً ولا خائباً، یا عَظیمُ یاعَظیمُ یا عظیم أرجُوکَ لِلْعَظیمِ، أسألُکَ یاعَظیمُ أن تَغْفِرَلی الذَّنبَ العَظیمَ، لا اِلهَ اِلَّا أنتَ»)

مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «الله اکبر» بگوید پس بگوید:

(«اَللّهُمَّ لاتَجْهِدْ بَلاءَنا، ربَّنا وَ لا تُشمِتْ

بِنا أعْداءَنا، فإنَّکَ أنتَ الضّارُّ النافعُ»)

بعداً پایین آمده وپله ها را دست چپ قرار داده

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۸

کعبه را استقبال نماید ونزد پله ها دو رکعت نماز بخواند:

طواف وداع

بدان که برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، ودر هر شوطی حجر الاسود ورکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید. وچون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد وآنچه خواهد دعا نماید. بعداً حجرالاسود را استلام نموده وشکم خود را به خانهء کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر ودست دیگر را به طرف در گذاشته وحمد وثنای الهی نماید وصلوات بر پیغمبر وآل او بفرستد واین دعا را بخواند:

*****مناسک حج (فارسی): ۳۳۹

(«اَللّهُمَّ صـل عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ اَمینِکَ وَ حَبیبِکَ وَ نَجِیِّکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، اَللّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالتَکَ جاهَدَ فی سَبیلِکَ وصَدَعَ بِاَمْرِکَ وَ اُوذِیَ فِیکَ وفی جَنْبِکَ حَتّی اَتاهُ الیَقینُ، اَللّهُمَّ اَقْبَلَنی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لی بِاَفْضَلِ ما یَرْجِعَ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفدِکَ مِنْ المَغْفِرهِ وَ الْبَرَکهِ وَ الرِّضْوانِ وَ الْعافِیَهِ».)

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود واز خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد. ووقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده وآن را به فقرا تصدیق نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۰

زیارت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از حج

بدان که از جملهء امور مستحبه که بسیار موکد است این است که شخص هنگام برگشتن از راه مدینهء طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله(صلی

الله علیه وآله وسلم) وحضرت صدیقهء طاهره(سلام الله علیها) وأئمهء بقیع(علیهم السلام) مشرف گردد.

زیارت حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم)

(«اَلسَّلامُ عَلَیْ رَسُولَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَهءَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللَّهِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ، وَ جاهَدْتَ)

(فی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۱

(سَبیلِ اللَّهِ، وَ عَبَدْتَهُ حَتّی اَتیکَ الْیَقینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ اَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّاً عَنْ اُمَّتِهِ، اَللّهُمَّ صَلِ عَلی مَحَمِّدٍ وَ آلِ مُحَمِّدٍ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهِیمَ وَ آلِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.»)

زیارت حضرت صدیقه(علیها السلام)

که هر یک از ائمه به آن زیارت می شود:

(«یا مُمْتَحَنهءُ، اِمْتَحَنَکِ الله الَّذی خَلَقَکِ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَکِ، فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صابِرَهءً، وَ زَعَمْنْا اَنَّا لَکِ اَولِیآءُ وَ مُصَدِّقُونَ، وَ صابِرونَ لِکُلِّ ما اَتانا بِهِ اَبُوکِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ اَتانا بِهِ وَصِیُّهُ عَلَیْهِ السَّلامُ وَ فانَّا نَسْئَلُکَ أنْ کُنَّا صْدَّقِناکِ الّا الْحِقْتنا بِتَصْدیقِنا لَهُما(بالبشری خ ل) لِتُبَشِّرَ اَنْفُسَنا بِاَنَّا قَدْ طَهُرْنا بِوَلایَتِکَ».)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۲

زیارت جامعه

(اَلسَّلامُ عَلی اَوْلِیآءِ اللَّهِ وَ اَصْفِیآئِه، اَلسَّلامُ عَلی اُمَنآءِ اللَّهِ وَ اَحِبّآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلی اَنْصارِ اللَّهِ وَ خُلَفآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلی مَحآلِّ مَعْرِفَهءِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکْرِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُظْاهِری اَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الدُّعاهءِ اِلَی اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمُسْتَقِرّینَ فی مَرْضاتِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصینَ فی طاعَهءِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْأَدِلّآءِ عَلَی اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الَّذینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللَّهَ، وَ مَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللَّهَ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّی مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَاُشْهِدُ اللَّهَ اَنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُمْ، وَ حَرْبٌ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۳

)

لِمَنْ حـارَبْتُم مُؤْمِنٌ بِسِـرِّكُم وَ عَلانِيَتِكَمْ، مُفَوِّضٌ فی ذلِکَ کُلِّهِ اِلَیْکَم، لَعَنَ اللَّهُ عَـدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، وَ اَبْرَءُ اِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» . والحمدلله أولاً وآخراً.)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۴

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۵

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۶

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۷

دعاء امام حسین(علیه السلام) در روز عرفه

(اَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَیْسَ لِقَضآئِهِ دافِعٌ، وَ لا لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَ لا کَصُـنْعِهِ صُـنْعُ صانِعٍ، وَ هُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ، فَطَرَ اَجْناسَ الْبَدائِعِ، وَ اَتْقَنَ بِحِکْمَتِهِ الصَّنائِعَ، لا تَخْفی عَلَیْهِ الطَّلایِعُ، وَلا تَضـیعُ عِنْـدَهُ الْوَدائِعُ، جازی کُلِّ صانِعٍ، وَ رائِشُ کُلِّ قانعٍ، وَراحِمُ کُلِّ ضارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنافِعِ، وَالْکِتابِ الْجامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَ لِلْکُرُباتِ دافِعٌ، وَ لِلدَّرَجاتِ رافِعٌ، وَ لِلْجَبابِرَهءِ قامِعٌ، فَلا اِلَهَ غَیْرُه)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۸

(وَلا شَیْ ءَ یَعْدِلُهُ وَ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ، اللَّطیفُ الْخَبیرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّشَیْ ءٍ قَدیرٌ، اَللَّهُمَّ اِنّی اَرْغَبُ إِلَیْکَ، وَ اَشْـهَدُ بِـالرُّبُوبِیَّهءِ لَـکَ، مُقِرّاً بِـاَنَّکَ رَبّی، وَ اِلَیْکَ مَرَدّی، اِبْتَـدَاْتَنی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ اَنْ اَکُونَ شَـیْئاً مَـذْکُوراً، وَخَلَقْتَنی مِنَ التُّراب، ثُمَّ اَسْـکَنْتَنِی الْاَصْـلابَ، آمِناً لِرَیْـبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلافِ الـدُّهُورِ وَ السِّنیـنَ، فَلَمْ اَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُـلْبٍ اِلی رَحِمٍ فی تَقـادُمٍ مِنَ الْاَیَّامِ الْماضِیَهءِ، وَالْقُرُونِ الْخالِیَهءِ، لَمْ تُخْرِجْنی لِرَاْفَتِکَ بی وَلُطْفِکَ لی وَ اِحْسانِکَ اِلَیَّ، فی دَوْلَهءِ اَئِمَّهءِ الْکُفْرِ الَّذینَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۴۹

(نَقَضُوا عَهْـدَکَ، وَکَـذَّبُوا رُسُـلَکَ،لکِنَّکَ اَخْرَجْتَنی لِلَّذی سَـبَقَ لی مِنَ الْهُـدَی الَّذی لَهُ یَسَّرْتَنی، وَ فیهِ اَنْشَأْتَنی، وَ مِنْ قَبْلِ ذلِکَ رَؤُفْتَ بی بِجَمیلِ صُـنْعِکَ، وَ سَوابِغِ نِعَمِکَ، فابْتَـدَعْتَ خَلْقی مِنْ مَنِیٍ یُمْنی، وَ اَسْـکَنْتَنی فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ شْهِدْنی خَلْقی، وَ لَمْ تَجْعَلْ

اِلَیَّ شَیْئاً مِنْ اَمْری، ثُمَّ اَخْرَجْتَنی لِلَّذی سَبَقَ لی مِنَ الْهُدی اِلَی الدُّنْیا تآمّاً سَوِیّاً، وَحَفِظْتَنی فِی الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِیّاً، وَ رَزَقْتَنی مِنَ الْغِذآءِ لَبَناً مَرِیّاً، وَ عَطَفْتَ عَلَیَّ قُلُوبَ الْحَواضِنِ، وَ کَفَّلْتَنی الْاُمَّهاتِ الرَّواحِمَ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۰

(وَکَلَأْتَنی مِنْ طَوارِقِ الْجآنِّ، وَ سَلَّمْتَنی مِنَ الزِّیادَهِ وَ النُّقْصانِ، فَتَعالَیْتَ یا رَحیمُ یا رَحْمنُ، حتّی اِذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْکَلامِ، اَتْمَمْتَ عَلَیَّ سَوابِغَ الْاِنْعامِ، وَ رَبَّیْتَنی زایِداً فی کُلِّ عامٍ، حَتّی إذَا اکْتَمَلَتْ فِطْرَتی، وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتی، اَوْجَبْتَ عَلَیَّ حُجَّتَکَ بِاَنْ اَلْهَمْتَنی مَعْرِفَتَکَ، وَ رَوَّعْتَنی بِعَجائِبِ حِکْمَتِکَ، وَ اَیْقَظْتَنی لِما ذَرَأْتَ فی سَمآئِکَ وَاَرْضِکَ مِنْ بَدائِعِ خَلْقِکَ، وَ نَبَّهْتَنی لِشُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ، وَاَوجَبْتَ عَلَیَّ طاعَتَکَ وَ عِبادَتَکَ، وَ فَهَّمْتَنی ما جآءَتْ بِهِ رُسُلُکَ، وَ یَسَّرْتَ لی تَقَبُّلَ مَرْضاتِکَ، وَ مَنَنْتَ عَلَیَّ فی جَمیعِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۱

(ذلِکَ بِعَونِکَ وَ لُطْفِکَ، ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنی مِنْ خَیْرِ الثَّری، لَمْ تَرْضَ لی یا اِلهی نِعْمَهً دُونَ اُخری، وَ رَزَقْتَنی مِنْ اَنواعِ الْمَعاشِ، وَ صُنُوفِ الرِّیاشِ، بِمَنِّکَ الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ عَلَیَّ، وَ اِحْسانِکَ الْقَدیمِ اِلَیَّ، حَتّی اِذا اَتْمَمْتَ عَلَیَّ جَمیعَ النِّعَمِ، وَ صَرَفْتَ عَنّی کُلَّ النِّقَمِ، لَمْ یَمْنَعْکَ جَهْلی وَ جُرْأَتی عَلَیْکَ، اَنْ دَلَلْتَنی اِلی ما یُقَرِّبُنی اِلَیْکَ، وَ وَفَّقْتَنی لِما یُزْلِفُنی لَدَیْکَ، فَاِنْ دَعَوْتُکَ اَجَبْتَنی، وَ اِنْ سَئَلْتُکَ اَعْطَیْتَنی، وَ اِنْ اَطَعْتُکَ شَکَرْتَنی، وَ اِنْ شَکَرْتُکَ زِدْتَنی، کُلُّ ذلِکَ اِکْمالٌ لِأَنْعُمِکَ عَلَیَّ وَ اِحْسانِکَ اِلَیَّ، فَسُبْحانَکَ سُبْحانَکَ مِنْ مُبْدِئٍ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۲

(مُعیدٍ حَمیدٍ مَجیدٍ، تَقَدَّسَتْ اَسْمآؤُکَ، وَ عَظُمَتْ الآؤُکَ، فَأَیَ نِعَمِکَ یا اِلهی اُحْصی عَدَداً وَ ذِکْراً، أَمْ اَیُّ عَطایاکَ أَقُومُ بِها شُکْراً، وَ هِیَ یا رَبِّ اَکْثَرُ مِنْ اَنْ یُحْصِیَهَا الْعآدّوُنَ، أَوْ یَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

الْحافِظُونَ، ثُمَ ما صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنّى اَللّهُمَّ مِنَ الضُرِّ وَ الضَّرَّآءِ، أَكْثَرُ مِمّا ظَهَرَ لى مِنَ الْعافِيَهِ وَ السَّرّآءِ، وَ اَنا اَشْهَدُ يا اِلهى بِحَقيقَهِ ايمانى، وَ عَقْدِ عَزَماتِ يَقينى، وَ خالِصِ صَريحِ تَوْحيدى، وَ باطِنِ مَكْنُونِ ضَميرى، وَ عَلائِقِ مَجارى نُورِ بَصَرى، وَ اَساريرِ صَفْحَهِ جَبينى، وَ خُرْقِ مَسارِبِ نَفْسى، وَ خَذاريفِ مارِنِ عِرْنينى،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۳

(وَ مَسارِبِ سِماخِ سَمْعى، وَ ما ضُمَّتْ وَ اَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتاىَ، وَ حَرَكاتِ لَفْظِ لِسانى، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمى وَ فَكّى، وَ مَنابِتِ اَضْراسى، وَ مَساغِ مَطْعَمى وَ مَشْرَبى، وَ حِمالَهِ اُمِّ رَأْسى، وَ بُلُوعِ فارِغِ حَبآئِلِ عُنُقى، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تامُورُ صَدْرى، وَ حمائِلِ حَبْلِ وَ تينى، وَ نِياطِ حِجابِ قَلْبى، وَ أَفْلاذِ حَواشى كَبِدى، وَ ما حَوَتْهُ شَراسيفُ اَضْلاعى وَ حِقاقُ مَفاصِلى، وَ قَبضُ عَوامِلى، وَ اَطرافِ اَنامِلى، وَ لَحْمى وَ دَمى، وَ شَعْرى وَ بَشَرى، وَ عَصَبى وَ قَصَبى، وَ عِظامى وَ مُخّى وَعُرُوقى، وَ جَميعِ جَوارِحى، وَ مَا انْتَسَجَ عَلى ذلِكَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۴

(اَيّامَ رِضاعى، وَ ما اَقلَّتِ الْأَرْضُ مِنّى، وَ نَوْمى وَ يَقَظَتى وَ سُكُونى، وَ حَرَكاتِ رُكُوعى وَ سُجُودى، اَنْ لَوْ حاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعصارِ وَ الْأَحْقابِ لَوْ عُمِّرْتُها اَنْ أُؤَدِّىَ شُكْرَ واحِدَهٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذلِكَ، اِلاَّ بِمَنِّكَ الْمُوجَبِ عَلَىَّ بِهِ شُكْرُكَ اَبَداً جَديداً، وَ ثَنآءً طارِفاً عَتيداً اَجَلْ، وَ لوْ حَرَصْتُ اَنَا وَ الْعآدُّونَ مِنْ اَنامِكَ أَنْ نُحْصِىَ مَدى اِنْعامِكَ سالِفِهِ وَ انِفِهِ، ما حَصَرْناهُ عَدَداً، وَ لا اَحْصَيناهُ اَمَداً هَيْهاتَ أَنّى ذلِكَ، وَ اَنْتَ الْمُخْبِرُ فى كِتابِكَ النّاطِقِ، وَ النَّبَأِ الصّادِقِ، وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَهَ اللّهِ لا تُحْصُوها، صَدَقَ

كِتابُكَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۵

(اَللّٰهُمَّ وَاِنْبآؤُکَ، وَبَلَّغَتْ اَنْبِیآؤُکَ وَ رُسُلُکَ ما اَنْزَلْتَ عَلَیْهِمْ مِنْ وَحْیِکَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دینِکَ، غَیْرَ أَنّی یا اِلهی اَشْهَدُ بِجُهْدی وَجِدّی، وَ مَبْلَغِ طاعَتی وَوُسْعی، وَ أَقُولُ مُؤْمِناً مُوقِناً، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً فَیَكُونَ مَوْرُوثاً، وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ شَریکٌ فی مُلْكِهِ فَیُضآدَّهُ فیما ابْتَدَعَ، وَ لا وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ فَیُرْفِدَهُ فیما صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ لَوْ كانَ فیهِما الِهَهٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا، سُبْحانَ اللّٰهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً یُعادِلُ حَمْدَ مَلآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبینَ، وَ اَنْبِیآئِهِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۶

(الْمُرْسَلینَ، وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی خِیَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْمُخْلَصینَ، وَ سَلَّمَ) . پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال واهتمام نمود در دُعا وآب از دیده های مبارَکش جاری بود پس گفت: (اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی اَخْشاکَ کَاَنّی اَراکَ، وَاَسْعِدْنی بِتَقویکَ، وَ لا تُشْقِنی بِمَعْصِیَتِکَ، وَ خِرْلی فی قَضآئِکَ، وَ بارِکْ لی فی قَدَرِکَ، حَتّی لا أُحِبَّ تَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ وَ لا تَأْخیرَ ما عَجَّلْتَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنایَ فی نَفْسی، وَ الْیَقینَ فی قَلْبی، وَ الْإِخْلاصَ فی عَمَلی، وَالنُّورَ فی بَصَری، وَ الْبَصیرَهَ فی دینی، وَ مَتِّعْنی بِجَوارِحی، وَ اجْعَلْ سَمْعی وَ بَصَری اَلْوارِثَیْنِ مِنّی وَ انْصُرْنی عَلی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۷

(مَنْ ظَلَمَنی، وَ اَرِنی فیهِ ثاری وَ مَأْرِبی، وَ اَقِرَّ بِذلِکَ عَیْنی، اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ کُرْبَتی، وَ اسْتُرْ عَوْرَتی، وَ اْغْفِرْ لی خَطیئَتی، وَ اخْسَأْ شَیْطانی، وَ فُکَّ رِهانی، وَ اْجْعَلْ لی یا اِلهی، الدَّرَجَهَ الْعُلْیا فِی الْآخِرَهِ وَ الْأُولی، اَللّٰهُمَّ لَکَ

الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنی، فَجَعَلْتَنی سَمیعاً بَصیراً، وَ لَکَ الْحَمْدُ کَما خَلَقْتَنی، فَجَعَلْتَنی خَلْقاً سَوِیّاً رَحْمهً بی، وَ قَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً، رَبِّ بِما بَرَأْتَنی فَعَدَّلْتَ فِطْرَتی، رَبِّ بِما اَنْشَأْتَنی فَاَحْسَنْتَ صُورَتی، رَبِّ بِما اَحْسَنْتَ اِلَیَّ وَ فی نَفْسی عافَیْتَنی، رَبِّ بِما کَلَأْتَنی وَ وَفَّقْتَنی، رَبِّ بِما اَنعَمْتَ عَلَیَّ فَهَدَیْتَنی، رَبِّ بِما اَوْلَیْتَنی وَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَعْطَیْتَنی، رَبِّ بِما اَطْعَمْتَنی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۸

(وَ سَقَیْتَنی، رَبِّ بِما اَغْنَیْتَنی وَ اَقْنَیْتَنی، رَبِّ بِما اَعَنْتَنی وَ اَعْزَزْتَنی رَبِّ بِما اَلْبَسْتَنی مِنْ سِتْرِکَ الصّافی، وَ یَسَّرْتَ لی مِنْ صُنْعِکَ الْکافی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِنّی عَلی بَوآئِقِ الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّیالی وَ الْأَیّام، وَ نَجِّنی مِنْ اَهْوالِ الدُّنْیا وَ کُرُباتِ الْآخِرَهِ وَ اکْفِنی شَرَّ ما یَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِی الْأَرْضِ، اَللّهُمَّ ما اَخافُ فَاکْفِنی وَ ما اَحْذَرُ فَقِنی، وَ فی نَفْسی وَ دینی فَاحْرُسْنی، وَ فی سَفَری فَاحْفَظْنی وَ فی اَهْلی وَ مالی فَاخْلُفْنی، وَ فیما رَزَقْتَنی فَبارِکْ لی، وَ فی نَفْسی فَذَلِّلْنی، وَ فی اَعْیُنِ النّاسِ فَعَظِّمْنی، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنی، وَ بِذُنُوبی فَلا تَفْضَحْنی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۵۹

(،وَ بِسَریرَتی فَلا تُخْزِنی، وَ بِعَمَلی فَلا تَبْتَلِنی، وَ نِعَمَکَ فَلا تَسْلُبْنی، وَ اِلی غَیْرِکَ فَلا تَکِلْنی اِلهی اِلی مَنْ تَکِلُنی، اِلی قَریبٍ فَیَقْطَعُنی، اَمْ اِلی بَعیدٍ فَیَتَجَهَّمُنی، اَمْ اِلَی الْمُسْتَضْعِفینَ لی وَ اَنْتَ رَبّی، وَ مَلیکُ اَمْری اَشْکُو اِلَیْکَ غُرْبَتی، وَ بُعْدَ داری، وَ هَوانی عَلی مَنْ مَلَّکْتَهُ اَمْری، اِلهی فَلا تُحْلِلْ عَلَیَ غَضَبَکَ، فَاِنْ لَمْ تَکُنْ غَضِبْتَ عَلَیَّ فَلا اُبالی سِواکَ سُبْحانَکَ غَیْرَ اَنَ عافِیَتَکَ اَوْسَعُ لی، فَاَسْئَلُکَ یا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذی اَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ

السَّمواتُ، وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، وَ صَلَحَ بِهِ اَمْرُ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، اَنْ لا تُميتَنى عَلى غَضَبِکَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۰

(وَ لا تُنْزِلْ بى سَخَطَکَ لَکَ الْعُتْبى لَکَ الْعُتْبى حَتّى تَرْضى قَبْلَ ذلِک، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَ الْبَيْتِ الْعَتيقِ الَّذى اَحْلَلْتَهُ الْبَرَکهءَ، وَ جَعَلْتَهُ لِلنّاسِ اَمْناً، يا مَنْ عَفا عَنْ عَظيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ اَسْبَغَ النَّعْمآءَ بِفَضْلِهِ، يا مَنْ اَعْطَى الْجَزيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتى فى شِدَّتى، يا صاحِبى فى وَحْدَتى، يا غِياثى فى كُرْبَتى، يا وَلِيّى فى نِعْمَتى، يا اِلهى وَ اِلهَ آبائى اِبْراهيمَ وَ اِسْماعيلَ وَ اِسْحقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ اِسْرافيلَ، وَ ربَّ مُحَمَّدٍ خاتِمِ النَّبِيّينَ، وَ الِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَ مُنْزِلَ التَّوريهءِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۱

(وَ الْاِنْجيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقانِ، وَ مُنَزِّلَ كهيعص وَ طه وَ يس وَ الْقُرآنِ الْحَكيمِ، اَنْتَ كَهْفى حينَ تُعْيينِى الْمَذاهِبُ فى سَعَتِها، وَ تَضيقُ بِىَ الْأَرْضُ بِرُحْبِها، وَ لَوْلا رَحْمَتُکَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَ اَنْتَ مُقيلُ عَثْرَتى، وَ لَوْلا سَتْرُکَ اِيّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ، وَ اَنْتَ مُؤَيِّدى بِالنَّصْرِ عَلى اَعْدآئى، وَ لَوْلا نَصْرُکَ اِيّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبينَ، يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعهءِ، فَاَوْلِيآئُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلوُکُ نيرَ الْمَذَلَّهءِ عَلى اَعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، يَعْلَمُ خائِنَهءَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ ما تَأْتى بِهِ الْأَزْمِنَهءُ وَ الدُّهُورُ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۲

(يا مَنْ لا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ. اِلاَّ هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ اِلاَّ هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُهُ اِلاَّ هُوَ، يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمآءِ، وَ سَدَّ

الْهَوآءَ بِالسَّمآءِ يا مَنْ لَهُ اَكْرَمُ الْأَسْمآءِ يا ذَاالْمَعْرُوفِ الَّذى لا يَنْقَطِعُ اَبَداً، يا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِى الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّهءِ مَلِكاً، يا رادَّهُ عَلى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظيمٌ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوى عَنْ اَيُّوبَ، وَ يا مُمْسِكَ يَدَىْ اِبْرهيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنآءِ عُمُرِهِ، يا مَنِ اسْتَجابَ لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيى، وَ لَمْ يَدَعْهُ فَرْداً وَحيداً، يا مَنْ اَخْرَجَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۳

(يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنى اِسْرآئيلَ فَاَنْجاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقينَ، يا مَنْ اَرْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلى مَنْ عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَهءَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَ قَدْ غَدَوْا فى نِعْمَتِهِ يَاْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدْ حآدُّوهُ وَ نآدُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ، يا اَللَّهُ يا اَللَّهُ، يا بَدىُ يا بَديعاً، لا نِدَّلَكَ، يا دآئِماً لا نَفادَ لَكَ، يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى، يا مَنْ هُوَ قآئِمٌ عَلى كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرى فَلَمْ يَحْرِمْنى، وَ عَظُمَتْ خَطيئَتى)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۴

(فَلَمْ يَفْضَحْنى، وَ رَ انى عَلَى الْمَعاصى فَلَمْ يَشْهَرْنى، يا مَنْ حَفِظَنى فى صِغَرى، يا مَنْ رَزَقَنى فى كِبَرى، يا مَنْ اَياديهِ عِنْدى لا تُحصى، وَنِعَمُهُ لا تُجازى، يا مَنْ عارَضَنى بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسانِ، وَ عارَضْتُهُ بِالْإِساءَهءِ وَ الْعِصْيانِ، يا مَنْ هَدانى بالْلْإِيمانِ مِنْ قَبْلِ اَنْ اَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنانِ، يا مَنْ دَعَوْتُهُ مَريضاً فَشَفانى، وَ عُرْياناً فَكَسانى، وَ جائِعاً فَاَشْبَعَنى، وَ عَطْشانَ فَاَرْوانى، وَ ذَليلاً

فَاَعَزَّنی، وَ جاهِلاً فَعَرَّفَنی، وَ وَحیداً فَکَثَّرَنی، وَ غائِباً فَرَدَّنی، وَ مُقِلّاً فَاَغْنانی، وَ مُنْتَصِراً فَنَصَرَنی، وَغَنِیّاً فَلَمْ یَسْلُبْنی، وَ اَمْسَکْتُ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۵

(عَنْ جَمیعِ ذلِکَ فَابْتَدَانی، فَلَکَ الْحَمْدُ وَ الشُّکْرُ، یا مَنْ اَقالَ عَثْرَتی، وَ نَفَّسَ کُرْبَتی، وَ اَجابَ دَعْوَتی، وَ سَتَرَ عَوْرَتی، وَ غَفَرَ ذُنُوبی، وَ بَلَّغَنی طَلِبَتی، وَ نَصَرَنی عَلی عَدُوّی، وَ اِنْ اَعُدَّ نِعَمَکَ وَ مِنَنَکَ وَ کَرائِمَ مِنَحِکَ لا اُحْصیها، یا مَوْلایَ اَنْتَ الَّذی مَنَنْتَ اَنْتَ الَّذی اَنْعَمْتَ، اَنْتَ الَّذی اَحْسَنْتَ، اَنْتَ الَّذی اَجْمَلْتَ اَنْتَ الَّذی اَفْضَلْتَ، اَنْتَ الَّذی اَکْمَلْتَ، اَنْتَ الَّذی رَزَقْتَ، اَنْتَ الَّذی وَ فَّقْتَ، اَنْتَ الَّذی اَعْطَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اَغْنَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اَقْنَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اوَیْتَ، اَنْتَ الَّذی کَفَیْتَ، اَنْتَ الَّذی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۶

(هَدَیْتَ، اَنْتَ الَّذی عَصَمْتَ، اَنْتَ الَّذی سَتَرْتَ، اَنْتَ الَّذی غَفَرْتَ، اَنْتَ الَّذی اَقَلْتَ، اَنْتَ الَّذی مَکَّنْتَ، اَنْتَ الَّذی اَعْزَزْتَ، اَنْتَ الَّذی اَعَنْتَ، اَنْتَ الَّذی عَضَدْتَ، اَنْتَ الَّذی اَیَّدْتَ، اَنْتَ الَّذی نَصَرْتَ، اَنْتَ الَّذی شَفَیْتَ، اَنْتَ الَّذی عافَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اَکْرَمْتَ، تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ، فَلَکَ الْحَمْدُ دآئِماً، وَ لَکَ الشُّکْرُ واصِباً اَبَداً، ثُمَّ اَنَا یا اِلهیَ، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبی، فَاغْفِرْها لی، اَنَا الَّذی اَسَاْتُ، اَنَا الَّذی اَخْطَاْتُ اَنَا الَّذی هَمَمْتُ، اَنَا الَّذی جَهِلْتُ، اَنَاالَّذی غَفَلْتُ اَنَا الَّذی سَهَوْتُ، اَنَا الَّذِی اعْتَمَدْتُ، اَنَا الَّذی تَعَمَّدْتُ، اَنَا الَّذی وَعَدْتُ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۷

(وَ اَنَا الَّذی اَخْلَفْتُ، اَنَا الَّذی نَکَثْتُ، اَنَا الَّذی اَقْرَرْتُ، اَنَا الَّذِی اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَعِنْدی، وَ اَبُوءُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی، یا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ، وَ هُوَ الْغَنِیُّ عَنْ طاعَتِهِمْ، وَ الْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ اِلهی وَ سَیِّدی، اِلهی اَمَرْتَنی

فَعَصَيْتُكَ، وَ نَهَيْتَنى فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاَصْبَحْتُ لا ذا بَرآءَةٍ لى فَاَعْتَذِرُ، وَ لاذا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ فَبِأَىِّ شَىْ ءٍ اَسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلاىَ، اَبِسَمْعى اَمْ بِبَصَرى اَمْ بِلِسانى اَمْ بِيَدى اَمْ بِرِجْلى، اَلَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِندى، وَ بِكُلِّها عَصَيْتُكَ يا مَوْلاىَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبيلُ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۸

(عَلَىَّ، يا مَنْ سَتَرَنى مِنَ الْآباءِ وَ الْاُمَّهاتِ اَنْ يَزجُرُونى، وَ مِنَ الْعَشائِرِ وَ الْاِخْوانِ اَنْ يُعَيِّرُونى، وَ مِنَ السَّلاطينِ اَنْ يُعاقِبُونى، وَ لَواطَّلَعُوا يا مَوْلاىَ عَلى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّى اِذاً ما اَنْظَرُونى، وَ لَرَفَضُونى وَ قَطَعُونى، فَها اَنَا ذا يا اِلهى بَيْنَ يَدَيْكَ، يا سَيِّدى خاضِعٌ ذَليلٌ حَصيرٌ حَقيرٌ، لا ذُو بَرآئَةٍ فَاَعْتَذِرُ، وَ لا ذُو قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ، وَ لا حُجَّةٍ فَاَحْتَجُ بِها وَ لا قائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ، وَ لَمْ اَعْمَلْ سُوءاً وَ ما عَسَى الْجُحُودَ، وَ لَوْ جَحَدْتُ يا مَوْلاىَ يَنْفَعُنى، كَيْفَ وَ اَنّى ذلِكَ وَ جَوارِحى كُلُّها شاهِدَةٌ عَلَىَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقيناً غَيْرَ ذى شَكٍّ اَنَّكَ سآئِلى مِنْ عَظايِمِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۶۹

(الْاُمُورِ، وَ اَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذى لا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكى، وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبى، فَاِنْ تُعَذِّبْنى يا اِلهى فَبِذُنُوبى بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَىَّ، وَ اِنْ تَعْفُ عَنّى فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْخآئِفينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْوَجِلينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۰

(سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الرّاجينَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ،

سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الرّاغِبینَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلینَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ السّآئِلینَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحینَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الْمُکَبِّرینَ، لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ رَبّی وَ رَبُّ ابآئِیَ الْأَوَّلینَ، اَللّهُمَ هذا ثَنائی عَلَیْکَ مُمَجِّداً، وَ اِخْلاصی لِذِکْرِکَ مُوَحِّداً، وَ اِقْراری بِالائِکَ مُعَدِّداً، وَ اِنْ کُنْتُ مُقِرّاً اَنّی لَمْ اُحْصِها لِکَثْرَتِها وَ سُبُوغِها وَ تَظاهُرِها، وَ تَقادُمِها اِلی حادِثٍ، ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنی بِهِ مَعَها مُنْذُ خَلَقْتَنی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۱

(وَ بَرَاْتَنی مِنْ اَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنآءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَ کَشْفِ الضُّرِّ، وَ تَسْبیبِ الْیُسْرِ، وَ دَفْعِ الْعُسْرِ، وَ تَفریجِ الْکَرْبِ، وَ الْعافِیَهِ فِی الْبَدَنِ، وَ السَّلامَهِ فِی الدّینِ، وَ لَوْ رَفَدَنی عَلی قَدْرِ ذِکْرِ نِعْمَتِکَ جَمیعُ الْعالَمینَ مِنَ الْأَوَّلینَ وَ الْأخِرینَ، ما قَدَرْتُ وَ لاهُمْ عَلی ذلِکَ، تَقَدَّسْتَ وَ تَعالَیْتَ مِنْ رَبٍّ کَریمٍ عَظیمٍ رَحیمٍ، لا تُحْصی الآؤُکَ، وَ لا یُبْلَغُ ثَنآؤُکَ، وَ لا تُکافی نَعْمآؤُکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَتْمِمْ عَلَیْنا نِعَمَکَ وَ اَسْعِدْنا بِطاعَتِکَ، سُبْحانَکَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، اَللّهُمَ اِنَّکَ تُجیبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَکْشِفُ السُّوءَ،وَ تُغیثُ الْمَکْرُوه، وَ تَشْفِی السَّقیمَ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۲

(وَ تُغْنِی الْفَقیرَ، وَ تَجْبُرُ الْکَسیرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغیرَ، وَ تُعینُ الْکَبیرَ، وَ لَیْسَ دُونَکَ ظَهیرٌ، وَ لا فَوْقَکَ قَدیرٌ، وَ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْکَبیرُ، یا مُطْلِقَ الْمُکَبَّلِ الْأَسیرِ، یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ، یا عِصْمَهَ الْخآئِفِ الْمُسْتَجیرِ، یا مَنْ لا شَریکَ لَهُ وَ لا وَزیرَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْطِنی فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ اَفْضَلَ ما اَعْطَیْتَ وَ اَنَلْتَ اَحَداً مِنْ

عِبادِکَ مِنْ نِعْمَهٍ تُولیها، وَ الاءٍ تُجَدِّدُها، وَ بَلِیَّهٍ تَصْرِفُها، وَ کُرْبَهٍ تَکْشِفُها، وَ دَعْوَهٍ تَسْمَعُها، وَ حَسَنَهٍ تَتَقَبَّلُها، وَ سَیِّئَهٍ تَتَغَمَّدُها، اِنَّکَ لَطیفٌ بِما تَشآءُ خَبیرٌ، وَ عَلی کُلِّشَیْ ءٍ قَدیرٌ، اَللّهُمَّ اِنَّکَ اَقْرَبُ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۳

(مَنْ دُعِیَ، وَ اَسْرَعُ مَنْ اَجابَ وَ اَکْرَمُ مَنْ عَفی، وَ اَوْسَعُ مَنْ اَعْطی، وَ اَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، یا رَحمنَ الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ وَ رحیمَهُما، لَیْسَ کَمِثْلِکَ مَسْئُولٌ، وَ لا سِواکَ مَاْمُولٌ، دَعَوْتُکَ فَاَجَبْتَنی، وَ سَئَلْتُکَ فَاَعْطَیْتَنی، وَ رَغِبْتُ اِلَیْکَ فَرَحِمْتَنی، وَ وَثِقْتُ بِکَ فَنَجَّیْتَنی، وَ فَزِعْتُ اِلَیْکَ فَکَفَیْتَنی اَللّهُمَ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ، وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ، وَ عَلی الِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ اَجْمَعینَ، وَ تَمِّمْ لَنا نَعْمآئَکَ، وَ هَنِّئْنا عَطآئَکَ، وَ اکْتُبْنا لَکَ شاکِرینَ، وَلِآلآئِکَ ذاکِرینَ، آمینَ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ، اَللّهُمَّ یا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِیَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۴

(فَسَتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، یا غایَهَ الطّالِبینَ الرّاغِبینَ وَ مُنْتَهی اَمَلِ الرّاجینَ، یا مَنْ اَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً، وَ وَسِعَ الْمُسْتَقیلینَ رَاْفَهً وَ رَحْمَهً وَحِلْماً، اَللّهُمَّ اِنّا نَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ الَّتی شَرَّفْتَها وَ عَظَّمْتَها بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ رَسُولِکَ، وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ اَمینِکَ عَلی وَحْیِکَ، الْبَشیرِ النَّذیرِ، السِّراجِ الْمُنیرِ، الَّذی اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَی الْمُسْلِمینَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَهً لِلْعالَمینَ، اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَما مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِذلِکَ مِنْکَ، یا عَظیمُ فَصَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلی الِهِ الْمُنْتَجَبینَ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۵

(اَجْمَعینَ، وَ تَغَمَّدْنا بِعَفْوِکَ عَنّا، فَاِلَیْکَ عَجَّتِ الْاَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ، فَاجْعَلْ لَنا اَللّهُمَّ فی هذِهِ الْعَشِیَّهِ نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ بَیْنَ عِبادِکَ، وَ نُورٍ تَهْدی بِهِ وَ رَحْمَهٍ تَنْشُرُها، وَ بَرَکَهٍ تُنْزِلُها،

وَ عـافِيَهٍ تُجَلِّلُها، وَ رِزْقٍ تَبْسُـطُهُ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللَّهُمَّ اَقْلِبْنا فى هـذَا الْوَقْتِ مُنْجِحينَ مُفْلِحينَ مَبْرُورينَ غانِمينَ، وَ لاتَجْعَلْنا مِنَ الْقـانِطينَ، وَ لا ـ تُخْلِنا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْـلِكَ، وَ لا تَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومينَ، وَ لا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطآئِكَ قانِطينَ، وَ لا تَرُدَّنا)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۶

(خائِبينَ، وَ لا مِنْ بابِكَ مَطْرُودينَ، يا اَجْوَدَ الْأَجْوَدينَ، وَ اَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، اِلَيْكَ اَقْبَلْنا مُوقِنينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرام آمّينَ قاصِدينَ، فَاَعِنّا عَلى مَناسِكِنا، وَ اَكْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَ اعْفُ عَنّا وَ عافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا اِلَيْكَ اَيْدِيَنا، فَهِىَ بِذِلَّهِ الْإِعْتِرافِ مَوْسُومَهٌ، اَللَّهُمَ فَاَعْطِنا فى هذِهِ الْعَشِيَّهِ ما سَئَلْناكَ، وَ اكْفِنا مَا اسْتَكْفَيْناكَ، فَلا كافِىَ لَنا سِواكَ، وَ لا رَبَّ لَنا غَيْرُكَ، نافِذٌ فينا حُكْمُكَ، مُحيطٌ بِنا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فينا قَضآؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ، اَللَّهُمَّ اَوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظيمَ الْأَجْرِ، وَ كَريمَ الذُّخْرِ، وَ دَوامَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۷

(الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنـا ذُنُوبَنـا اَجْمَعينَ، وَ لا تُهْلِكْنا مَعَ الْهالِكينَ، وَ لا تَصْـرِفْ عَنّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنا فى هذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَـئَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ تابَ اِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ، يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرام، اَللَّهُمَّ وَنَقِّنا وَسَدِّدْنا وَ اقْبَلْ تَضَـرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ اِغْماضُ الْجُفُونِ، وَ لا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَ لا مَا اسْتَقَرَّ فِى الْمَكْنُونِ، وَ لا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ، اَلا كُلُّ ذلِكَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۸

(قَدْ اَحْصاهُ عِلْمُكَ، وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحانَكَ وَ تَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ

عُلُوّاً كَبيراً، تُسَبِّحُ لَکَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ وَمَنْ فيهِنَّ، وَ اِنْ مِنْ شَیْ ءٍ اِلَّایُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يـا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْاِنْعامِ، وَ الْأَيادِی الْجِسامِ، وَ اَنْتَ الْجَوادُ الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ، اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَ عافِنی فی بَدَنی وَ دينی، وَ امِنْ خَوْفی، وَ اَعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، اَللّهُمَّ لا تَمْكُرْ بی وَ لا تَسْتَدْرِجْنی وَ لا تَخْدَعْنی، وَ ادْرَءْ عَنّی شَرَّ فَسَقَهءِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۷۹

پس سر وديده خود را به سوی آسمان بلند كرد واز ديده های مباركش آب می ريخت مانند دو مشک وبه صدای بلند گفت: (يا اَسْمَعَ السّامِعينَ، يا اَبْصَرَ النّاظِرينَ، وَ يا اَسْرَعَ الْحاسِبينَ، وَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، السّادَهءِ الْمَيامينِ، وَاَسْئَلُکَ اَللّهُمَّ حاجَتِیَ الَّتی اِنْ اَعْطَيْتَنيها لَمْ يَضُرَّنی ما مَنَعْتَنی وَ اِنْ مَنَعْتَنيها لَمْ يَنْفَعْنی ما اَعْطَيْتَنی، اَسْئَلُکَ فَكاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَحْدَکَ لاشَريکَ لَکَ، لَکَ الْمُلْکُ، وَ لَکَ الْحَمْدُ، وَ اَنْتَ عَلی كُلِّشَیْ ءٍ قَديرٌ، يا رَبِّ يا رَبِ.)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۰

پس مكرّر می گفت: يا رَبِّ وكسانی كه دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت واكتفا كرده بودند به آمين گفتن پس صداهايشان بلند شد به گريستن با آن حضرت تا غروب كرد آفتاب وباركردند وروانه جانب مشعر الحرام شدند مؤلف گويد: كه كفعمی دعاء عرفه امام حسين(عليه السلام) رادر بلدالأمين تا اين جا نقل فرموده وعلاّمه مجلسی در زاد المعاد اين دعای شريف را موافق روايت كفعمی ايراد نموده ولكن سيّد بن طاوُس در اقبال بعد از يا رَبِّ يا رَبِ اين زيادتی را ذكر فرموده:

(

اِلهى اَنَا الْفَقيرُ فى غِنـاىَ، فَكَيْفَ لاـ اَكُونُ فَقيراً فى فَقْرى، اِلهى اَنَا الْجاهِلُ فى عِلْمى، فَكَيْفَ لا اَكُونُ جَهُولاً فى جَهْلى، اِلهى اِنَّ اخْتِلافَ تَدْبيرِكَ وَ سُرْعَهءَ طَوآءِ مَقاديرِكَ،)

*****مناسک حج (فارسى): ٣٨١

(مَنَعـا عِبـادَکَ الْعـارِفينَ بِـکَ عَنْ السُّكُونِ اِلى عَطآءٍ، وَ الْيَأْسِ مِنْکَ فى بَلآءٍ، اِلهى مِنّى ما يَليقُ بِلُؤْمى، وَمِنْکَ ما يَليقُ بِكَرَمِکَ، اِلهى وَ صَـفْتَ نَفْسَکَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَهءِ لى قَبْلَ وُجُودِ ضَـعْفى، اَفَتَمْنَعُنى مِنْهُما بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفى، اِلهى اِنْ ظَهَرَتِ الْمَحاسِنُ مِنّى فَبِفَضْـلِکَ، وَ لَـکَ الْمِنَّهءُ عَلَىَّ، وَ اِنْ ظَهَرَتِ الْمَساوى مِنّى فَبِعَـدْلِکَ وَ لَکَ الْحُجَّهءُ عَلَىَّ، اِلهى كَيْفَ تَكِلُنى وَ قَدْ تَكَفَّلْتَ لى، وَ كَيْفَ اُضامُ وَ اَنْتَ النّاصِرُ لى، اَمْ كَيْفَ)

(اَخيبُ وَ اَنْتَ الْحَفِيُّ بى، ها اَنَا اَتَوَسَّلُ اِلَيْکَ بِفَقْرى اِلَيْکَ، وَ كَيْفَ اَتَوَسَّلُ اِلَيْکَ بِما هُوَ مَحالٌ اَنْ يَصِلَ اِلَيْکَ، اَمْ كَيْفَ)

*****مناسک حج (فارسى): ٣٨٢

(اَشْـكُو اِلَيْکَ حالى وَ هُوَ لا يَخْفى عَلَيْکَ، اَمْ كَيْفَ اُتَرْجِمُ بِمَقالى وَهُوَ مِنْکَ بَرَزٌ اِلَيْکَ، اَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ امالى وَ هِىَ قَدْ وَفَدَتْ اِلَيْـکَ، اَمْ كَيْفَ لاـ تُحْسِنُ اَحْوالى وَ بِـکَ قـامَتْ، اِلهى ما اَلْطَفَکَ بى مَعَ عَظيمِ جَهْلى، وَ ما اَرْحَمَکَ بى مَعَ قَبيحِ فِعْلى، اِلهى ما اَقْرَبَکَ مِنّى وَ اَبْعَـدَنى عَنْکَ، وَ مـا اَرْاَفَکَ بى، فَمَـا الَّذى يَحْجُبُنى عَنْکَ، اِلهى عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثـارِ وَ تَنَقُّلاتِ الْأَطْوارِ، اَنَّ مُرادَکَ مِنّى اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَىَّ فى كُلِّشَىْ ءٍ، حَتّى لا اَجْهَلَکَ فى شَىْ ءٍ، اِلهى كُلَّما اَخْرَسَـنى لُؤْمى اَنْطَقَنى كَرَمُکَ، وَ كُلَّما ايَسَـتْنى اَوْصافى اَطْمَعَتْنى)

*****مناسک حج (فارسى): ٣٨٣

(مِنُنْکَ، اِلهى مَنْ كانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِىَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ مَساويهِ مَساوِىَ، وَ مَنْ كانَتْ حَقايِقُهُ دَعاوِىَ، فَكَيْفَ لا

تَکونُ دَعـاویهِ دَعاوِیَ، اِلهی حُکْمُکَ النَّافِـذُ، وَ مَشِـیَّتُکَ الْقاهِرَهُ، لَمْ یَتْرُکا لِـذی مَقالٍ مَقالاً، وَ لا لِـذی حالٍ حالاً، اِلهی کَمْ مِنْ طاعَهٍ بَنَیْتُها، وَ حالَهٍ شَـیَّدْتُها هَدَمَ اعْتِمادی عَلَیْها عَدْلُکَ، بَلْ اَقالَنی مِنْها فَضْـلُکَ، اِلهی اِنَّکَ تَعْلَمُ اَنّی وَ اِنْ لَمْ تَدُم الطّاعَهُ مِنّی فِعْلاً ـ جَزْمـاً، فَقَـدْ دامَتْ مَحَبَّهً وَعَزْمـاً، اِلهی کَیْفَ اَعْزِمُ وَاَنْتَ الْقـاهِرُ، وَ کَیْفَ لا اَعْزِمُ وَ اَنْتَ الْآمِرُ، اِلهی تَرَدُّدی فِی الْآثارِ یُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۴

(فَاجْمَعْنی عَلَیْـکَ بِخِـدْمَهٍ تُوصِـلُنی اِلَیْـکَ، کَیْفَ یُسْـتَدَلُّ عَلَیْکَ بِما هُوَ فی وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ اِلَیْکَ، اَیَکُونُ لِغَیْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَیْسَ لَـکَ، حَتّی یَکُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَـکَ، مَتی غِبْتَ حَتّی تَحْتـاجَ اِلی دَلیلٍ یَـدُلُّ عَلَیْکَ، وَ مَتی بَعُـدْتَ حَتّی تَکُونَ الْآثارُ هِیَ الَّتی تُوصِـلُ اِلَیْـکَ، عَمِیَتْ عَیْنٌ لا ـ تَراکَ عَلَیْها رَقیباً، وَ خَسِـرَتْ صَـفْقَهُ عَبْـدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّکَ نَصیباً، اِلهی اَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ اِلَی الْآثارِ، فَارْجِعْنی اِلَیْکَ بِکِسْوَهِ الْأَنْوارِ، وَ هِدایَهِ الْإِسْتِبْصارِ، حَتّی اَرْجِعَ اِلَیْکَ مِنْها، کَما دَخَلْتُ اِلَیْکَ مِنْها، مَصُونَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۵

(السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ اِلَیْها، وَ مَرْفُوعَ الْهِمَّهِ عَنِ الْإِعْتِمادِ عَلَیْها، اِنَّکَ عَلی کُلِّشَـیْ ءٍ قَدیرٌ، اِلهی هذا ذُلّی ظاهِرٌ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ هذا حالی لا یَخْفی عَلَیْکَ، مِنْکَ اَطْلُبُ الْوُصُولَ اِلَیْکَ، وَبِکَ اَسْـتَدِلُّ عَلَیْکَ فَاهْـدِنی بِنُورِکَ اِلَیْکَ، وَ اَقِمْنی بِصِـدْقِ الْعُبُودِیَّهِ بَیْنَ یَدَیْکَ اِلهی عَلِّمْنی مِنْ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ، وَصُـنّی بِسِتْرِکَ الْمَصُونِ، اِلهی حَقِّقْنی بِحَقائِقِ اَهْلِ الْقُرْبِ، وَ اسْـلُکْ بی مَسْلَکَ اَهْلِ الْجَذْبِ اِلهی اَغْنِنی بِتَدْبیرِکَ لی عَنْ تَدْبیری، وَ بِاخْتِیارِکَ عَنِ اخْتِیاری، وَ اَوْقِفْنی عَلی مَراکِزِ اضْطِراری، اِلهی اَخْرِجْنی مِنْ ذُلِّ نَفْسی،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۶

(وَ طَهِّرْنی مِنْ شَکّی وَ شِرْکی، قَبْلَ حُلُولِ رَمْسی، بِکَ اَنْتَصِرُ فَانْصُرْنی، وَ

عَلَیْکَ اَتَوَکَّلُ فلاتَکِلْنی، وَاِیّاکَ اَسْئَلُ فَلا تُخَیِّبْنی، وَ فی فَضْلِکَ اَرْغَبُ فَلا تَحْرِمْنی، وَ بِجَنابِکَ اَنْتَسِبُ فَلا تُبْعِدْنی وَ بِبابِکَ اَقِفُ فَلا تَطْرُدْنی، اِلهی تَقَدَّسَ رِضاکَ اَنْ یَکُونَ لَهُ عِلَّهٌ مِنْکَ، فَکَیْفَ یَکُونُ لَهُ عِلَّهٌ مِنّی، اِلهی اَنْتَ الْغَنِیُّ بِذاتِکَ اَنْ یَصِلَ اِلَیْکَ النَّفْعُ مِنْکَ، فَکَیْفَ لا تَکُونُ غَنِیّاً عَنّی، اِلهی اِنَّ الْقَضآءَ وَ الْقَدَرَ یُمَنّینی، وَ اِنَّ الْهَوی بِوَثائِقِ الشَّهْوَهِ اَسَرَنی، فَکُنْ اَنْتَ النَّصیرَ لی حَتّی تَنْصُرَنی وَ تُبَصِّرَنی، وَ اَغْنِنی بِفَضْلِکَ حَتّی اَسْتَغْنِیَ بِکَ عَنْ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۷

(طَلَبی، اَنْتَ الَّذی اَشْرَقْتَ الْاَنْوارَ فی قُلُوبِ اَوْلِیآئِکَ، حَتّی عَرَفُوکَ وَ وَحَّدُوکَ، وَ اَنْتَ الَّذی اَزَلْتَ الْاَغْیارَ عَنْ قُلُوبِ اَحِبّائِکَ، حَتّی لَمْ یُحِبُّوا سِواکَ، وَلَمْ یَلْجَئُوااِلی غَیْرِکَ، اَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَیْثُ اَوْحَشَتْهُمُ الْعَوالِمُ، وَاَنْتَ الَّذی هَدَیْتَهُمْ حَیْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ، ماذا وَجَدَ مَنْ فَقَدَکَ وَ مَا الَّذی فَقَدَ مَنْ وَجَدَکَ، لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِیَ دُونَکَ بَدَلاً، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغی عَنْکَ مُتَحَوِّلاً، کَیْفَ یُرْجی سِواکَ وَ اَنْتَ ما قَطَعْتَ الْاِحْسانَ، وَکَیْفَ یُطْلَبُ مِنْ غَیْرِکَ وَاَنْتَ ما بَدَّلْتَ عادَهَ الْاِمْتِنانِ، یا مَنْ اَذاقَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۸

(اَحِبّآئَهُ حَلاوَهَ الْمُؤانَسَهِ، فَقامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُتَمَلِّقینَ، وَیا مَنْ اَلْبَسَ اَوْلِیائَهُ مَلابِسَ هَیْبَتِهِ، فَقامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُسْتَغْفِرینَ، اَنْتَ الذّاکِرُ قَبْلَ الذّاکِرینَ، وَ اَنْتَ الْبادی بِالْاِحْسانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدینَ، وَاَنْتَ الْجَوادُ بِالْعَطآءِ قَبْلَ طَلَبِ الطّالِبینَ، وَاَنْتَ الْوَهّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنامِنَ الْمُسْتَقْرِضینَ، اِلهی اُطْلُبْنی بِرَحْمَتِکَ حَتّی اَصِلَ اِلَیْکَ، وَ اجْذِبْنی بِمَنِّکَ حَتّی اُقْبِلَ عَلَیْکَ، اِلهی اِنَّ رَجآئی لا یَنْقَطِعُ عَنْکَ وَاِنْ عَصَیْتُکَ، کَما اَنَّ خَوْفی لا یُزایِلُنی وَ اِنْ اَطَعْتُکَ، فَقَدْ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۸۹

(دَفَعَتْنِی الْعَوالِمُ اِلَیْکَ، وَ قَدْ اَوْقَعَنی عِلْمی بِکَرَمِکَ عَلَیْکَ، اِلهی کَیْفَ اَخیبُ وَ اَنْتَ اَمَلی، اَمْ کَیْفَ اُهانُ وَعَلَیْکَ مُتَّکَلی، اِلهی

کَیْفَ اَسْتَعِزُّ وَ فِی الذِّلَّهِ اَرْکَزْتَنی، اَمْ کَیْفَ لا اَسْتَعِزُّ وَاِلَیْکَ نَسَبْتَنی، اِلهی کَیْفَ لا اَفْتَقِرُ وَ اَنْتَ الَّذی فِی الْفُقَر آ ءِ اَقَمْتَنی، اَمْ کَیْفَ اَفْتَقِرُ وَاَنْتَ الَّذی بِجُودِکَ اَغْنَیْتَنی، وَ اَنْتَ الَّذی لا اِلهَ غَیْرُکَ تَعَرَّفْتَ لِکُلِّ شَیْ ءٍ، فَما جَهِلَکَ شَیْ ءٌ، وَ اَنْتَ الَّذی تَعَرَّفْتَ اِلَیَّ فی کُلِّشَیْ ءٍ، فَرَاَیْتُکَ ظاهِراً فی کُلِّ شَیْ ءٍ، وَ اَنْتَ الظّاهِرُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ، یا مَنِ اسْتَوی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۰

(بِرَحْمانِیَّتِهِ، فَصارَ الْعَرْشُ غَیْباً فی ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْآثارَ بِالْآثارِ، وَمَحَوْتَ الْأَغْیارَ، بِمُحیطاتِ اَفْلاکِ الْأَنْوارِ، یا مَنِ احْتَجَبَ فی سُرادِقاتِ عَرْشِهِ عَنْ اَنْ تُدْرِکَهُ الْأَبْصارُ، یا مَنْ تَجَلّی بِکَمالِ بَهآئِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنَ] الْإِسْتِوآءِ، کَیْفَ تَخْفی وَ اَنْتَ الظّاهِرُ، اَمْ کَیْفَ تَغیبُ وَ اَنْتَ الرَّقیبُ الْحاضِرُ، اِنَّکَ عَلی کُلِّشَیْ ءٍ قَدیرٌ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَحْدَهُ.)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۱

دعاء امام زین العابدین(علیه السلام) در روز عرفه

(«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ، رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَ إِلَهَ کُلِّ مَأْلُوهٍ، وَ خَالِقَ کُلِّ مَخْلُوقٍ، وَ وَارِثَ کُلِّ شَیْ ءٍ، لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ، وَ لَا یَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَیْ ءٍ، وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ مُحِیطٌ، وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ رَقِیبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْمُتَکَرِّمُ، الْعَظِیمُ الْمُتَعَظِّمُ، الْکَبِیرُ الْمُتَکَبِّرُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِیدُ الْمِحَالِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ، الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ. وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِیعُ الْبَصِیرُ، الْقَدِیمُ الْخَبِیرُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیمُ الْأَکْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ

قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ، وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْخٍ، وَ صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَ ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ. أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ تَقْدِيراً، وَ يَسَّرْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ تَيْسِيراً، وَ دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيراً أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعِنْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ. أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْماً مَا أَرَدْتَ، وَ قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفاً مَا حَكَمْتَ. أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَ لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَ لَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ. أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ عَدَداً، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْ ءٍ أَمَداً، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ تَقْدِيراً. أَنْتَ الَّذِي قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ، وَ عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ. أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونَ مَحْدُوداً، وَ لَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونَ مَوْجُوداً، وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُوداً. أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدَكَ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۲

(وَ لَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرَكَ، وَ لَا نِدَّ لَكَ فَيُعَارِضَكَ. أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ، وَ اسْتَحْدَثَ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ. سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَّ شَأْنَكَ، وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانَكَ، وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ، وَ رَءُوفٍ مَا أَرْأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكٍ مَا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَ

رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَکَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْکِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ. سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَکَ، وَ عُرِفَتِ الْهِدَايَهُ مِنْ عِنْدِکَ، فَمَنِ الْتَمَسَکَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَکَ سُبْحَانَکَ خَضَعَ لَکَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِکَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِکَ مَا دُونَ عَرْشِکَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَکَ کُلُّ خَلْقِکَ سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ وَ لَا تُکَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ وَ لَا تُجَارَى وَ لَا تُمَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاکَرُ سُبْحَانَکَ سَبِيلُکَ جَدَدٌ. وَ أَمْرُکَ رَشَدٌ، وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ. سُبْحَانَکَ قَوْلُکَ حُکْمٌ، وَ قَضَاؤُکَ حَتْمٌ، وَ إِرَادَتُکَ عَزْمٌ. سُبْحَانَکَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِکَ، وَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِکَ. سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِئَ النَّسَمَاتِ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً يَدُومُ بِدَوَامِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً خَالِداً بِنِعْمَتِکَ. وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً يُوَازِي صُنْعَکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً يَزِيدُ عَلَى رِضَاکَ. وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً مَعَ حَمْدِ کُلِّ حَامِدٍ، وَ شُکْراً يَقْصُرُ عَنْهُ شُکْرُ کُلِّ شَاکِرٍ حَمْداً لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَکَ، وَ لَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْکَ حَمْداً يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ. حَمْداً يَتَضَاعَفُ عَلَى کُرُورِ الْأَزْمِنَهِ، وَ يَتَزَايَدُ أَضْعَافاً مُتَرَادِفَهً. حَمْداً يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي کِتَابِکَ الْکَتَبَهُ حَمْداً يُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ کُرْسِيَّکَ الرَّفِيعَ. حَمْداً يَکْمُلُ لَدَيْکَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَغْرِقُ کُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ حَمْداً ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّيَّهِ حَمْداً لَمْ يَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاکَ فَضْلَهُ حَمْداً يُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعاً فِي تَوْفِيَتِهِ. حَمْداً يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ. حَمْداً لَا

حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُکَ بِهِ. حَمْداً يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۳

(بِوُفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ حَمْداً يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَزْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَايِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظَةَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ

عَلی عِبَادِکَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِیراً بِإِرَادَتِکَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِیلَهَ إِلَیْکَ، وَ الْمَسْلَکَ إِلَی جَنَّتِکَ رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاهً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ، وَ تُکْمِلُ لَهُمُ الْأَشْیَاءَ مِنْ عَطَایَاکَ وَ نَوَافِلِکَ، وَ تُوَفِّرُ عَلَیْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِکَ وَ فَوَائِدِکَ. رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ صَلَاهً لَا أَمَدَ فِی أَوَّلِهَا، وَ لَا غَایَهَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَایَهَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَهَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِکَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرَضِیکَ)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۴

(وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ، صَلَاهً تُقَرِّبُهُمْ مِنْکَ زُلْفَی، وَ تَکُونُ لَکَ وَ لَهُمْ رِضًی، وَ مُتَّصِلَهً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَداً. اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ، وَ مَنَاراً فِی بِلَادِکَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِیعَهَ إِلَی رِضْوَانِکَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَّرْتَ مَعْصِیَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْیِهِ، والّا - یَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا یَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَهُ اللَّائِذِینَ، وَ کَهْفُ الْمُؤْمِنِینَ وَ عُرْوَهُ الْمُتَمَسِّکِینَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِینَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِیهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَاناً نَصِیراً، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً یَسِیراً، وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَیْنِکَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِکَ وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ. وَ أَقِمْ بِهِ کِتَابَکَ وَ حُدُودَکَ وَ شَرَائِعَکَ وَ سُنَنَ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِیقَتِکَ، وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِیلِکَ، وَ أَزِلْ بِهِ

النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاهءَ قَصْدِكَ عِوَجاً وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَهءِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمُ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمُ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمُ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَتِهِمُ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمُ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمُ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ، الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمُ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُئُونَهُمْ، وَ تُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَهءَ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ)

(بِعَفْوِكَ، وَ أَجْزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاهءِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهءِ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتَمِرْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَهءً لَكَ، وَ لَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِياً لِعَفْوِكَ، وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ. وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِراً

ذَلِيلًا خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً، مُعْتَرِفاً بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ، لَائِذاً بِرَحْمَتِكَ، مُوقِناً أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِی مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمْنَعُنِی مِنْكَ مَانِعٌ. فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَى مَنِ اقْتَرَفَ مِنْ تَغَمُّدِكَ، وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَى مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِی فِی هَذَا الْيَوْمِ نَصِيباً أَنَالُ بِهِ حَظّاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تَرُدَّنِی صِفْراً مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَ أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِی أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِی قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ. وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَ تَضَرُّعاً وَ تَعَوُّذاً وَ تَلَوُّذاً، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكَبُّرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِياً بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَ لَا يَنْدَهُ الْمُتْرَفِينَ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۶

(وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ. أَنَا الْمُسِی ءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. أَنَا الَّذِی أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئاً. أَنَا الَّذِی عَصَاكَ مُتَعَمِّداً. أَنَا الَّذِی اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ. أَنَا الَّذِی هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. أَنَا

الَّذِی لَمْ یَرْهَبْ سَطْوَتَکَ، وَ لَمْ یَخَفْ بَأْسَکَ. أَنَا الْجَانِی عَلَی نَفْسِهِ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِیَّتِهِ. أَنَا الْقَلِیلُ الْحَیَاءِ. أَنَا الطَّوِیلُ الْعَنَاءِ. بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ بِمَنِ اصْطَفَیْتَهُ لِنَفْسِکَ، بِحَقِّ مَنِ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، وَ مَنِ اجْتَبَیْتَ لِشَأْنِکَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ، وَ مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِیَتَهُ کَمَعْصِیَتِکَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ، وَ مَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِکَ، تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا، وَ عَاذَ بِاسْتِغْفَارِکَ تَائِباً. وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ. وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ، وَ أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجْهَدَهَا فِی مَرْضَاتِکَ. وَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِتَفْرِیطِی فِی جَنْبِکَ، وَ تَعَدِّی طَوْرِی فِی حُدُودِکَ، وَ مُجَاوَزَهِ أَحْکَامِکَ. وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ یَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی. وَ نَبِّهْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْغَافِلِینَ، وَ سِنَهِ الْمُسْرِفِینَ، وَ نَعْسَهِ الْمَخْذُولِینَ وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِینَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِینَ، وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِینَ. وَ أَعِذْنِی مِمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْکَ، وَ یَحُولُ بَیْنِی وَ بَیْنَ حَظِّی مِنْکَ، وَ یَصُدُّنِی عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَیْکَ وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ، وَ الْمُسَابَقَهَ إِلَیْهَا مِنْ حَیْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمُشَاحَّهَ فِیهَا عَلَی مَا أَرَدْتَ. وَ لَا تَمْحَقْنِی فِیمَن تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّینَ بِمَا أَوْعَدْتَ وَ لَا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِکَ وَ لَا تُتَبِّرْنِی فِیمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِینَ عَنْ سُبُلِکَ وَ نَجِّنِی مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَهِ، وَ خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَی، وَ أَجِرْنِی مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ. وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَدُوٍّ یُضِلُّنِی، وَ هَوًی یُوبِقُنِی، وَ مَنْقَصَهٍ تَرْهَقُنِی وَ لَا

تُعْرِضْ عَنِّی إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَی عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِکَ وَ لَا تُؤْیِسْنِی مِنَ الْأَمَلِ فِیکَ فَیَغْلِبَ عَلَیَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ لَا تَمْنَحْنِی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فَتَبْهَظَنِی)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۷

(مِمَّا تُحَمِّلُنِیهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِکَ. وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ، وَ لَا حَاجَهَ بِکَ إِلَیْهِ، وَ لَا إِنَابَهَ لَهُ وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ، وَ مَنِ اشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِنْدِکَ، بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ سَقْطَهِ الْمُتَرَدِّینَ، وَ وَهْلَهِ الْمُتَعَسِّفِینَ، وَ زَلَّهِ الْمَغْرُورِینَ، وَ وَرْطَهِ الْهَالِکِینَ. وَ عَافِنِی مِمَّا ابْتَلَیْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِیدِکَ وَ إِمَائِکَ، وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ، وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیداً، وَ تَوَفَّیْتَهُ سَعِیداً وَ طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ یَذْهَبُ بِالْبَرَکَاتِ وَ أَشْعِرْ قَلْبِیَ الِازْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّیِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ. وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِکُهُ إِلَّا بِکَ عَمَّا لَا یُرْضِیکَ عَنِّی غَیْرُهُ وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیَا دَنِیَّهٍ تَنْهَی عَمَّا عِنْدَکَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِیلَهِ إِلَیْکَ، وَ تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ. وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ هَبْ لِی عِصْمَهً تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ، وَ تَقْطَعُنِی عَنْ رُکُوبِ مَحَارِمِکَ، وَ تَفُکَّنِی مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ. وَ هَبْ لِیَ التَّطْهِیرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْیَانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّی دَرَنَ الْخَطَایَا، وَ سَرْبِلْنِی بِسِرْبَالِ عَافِیَتِکَ، وَ رَدِّنِی رِدَاءَ مُعَافَاتِکَ، وَ جَلِّلْنِی سَوَابِغَ نَعْمَائِکَ، وَ ظَاهِرْ لَدَیَّ فَضْلَکَ وَ طَوْلَکَ وَ أَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَ تَسْدِیدِکَ، وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ، وَ مَرْضِیِّ الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی حَوْلِی وَ قُوَّتِی دُونَ حَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ. وَ لَا تُخْزِنِی

يَوْمَ تبعَثُنِى لِلِقَائِكَ، وَ لَا تَفْضَحْنِى بَيْنَ يَدَىْ أَوْلِيَائِكَ، وَ لَا تُنْسِنِى ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّى شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِى أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِآلَائِكَ، وَ أَوْزِعْنِى أَنْ أُثْنِىَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ أَعْتَرِفَ بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَىَّ. وَ اجْعَلْ رَغْبَتِى إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَهِ الرَّاغِبِينَ، وَ حَمْدِى إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَ لَا تَخْذُلْنِى عِنْدَ فَاقَتِى إِلَيْكَ، وَ لَا تُهْلِكْنِى بِمَا. أَسْدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْبَهْنِى بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّى لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّهَ لَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلُ التَّقْوَى، وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ. فَأَحْيِنِى حَيَاهً طَيِّبَهً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ،)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۸

(وَ تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِى مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمِتْنِى مِيتَهَ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ. وَ ذَلِّلْنِى بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعِزَّنِى عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ ضَعْنِى إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْفَعْنِى بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ أَغْنِنِى عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّى، وَ زِدْنِى إِلَيْكَ فَاقَهً وَ فَقْراً. وَ أَعِذْنِى مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنَ الذُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَغَمَّدْنِى فِيمَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّى بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَهً أَوْ سُوءاً فَنَجِّنِى مِنْهَا لِوَاذاً بِكَ، وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِى مَقَامَ فَضِيحَهٍ فِى دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِى مِثْلَهُ فِى آخِرَتِكَ وَ اشْفَعْ لِى أَوَائِلَ مِنَنِكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمْدُدْ لِى مَدّاً يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِى، وَ لَا تَقْرَعْنِى

قَارِعَهً یَذْهَبُ لَهَا بَهَائِی، وَ لَا تَسْمِنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی وَ لَا نَقِیصَهً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی. وَ لَا تَرُعْنِی رَوْعَهً أُبْلِسُ بِهَا، وَ لَا خِیفَهً أُوجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَیْبَتِی فِی وَعِیدِکَ، وَ حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ إِنْذَارِکَ، وَ رَهْبَتِی عِنْدَ تِلَاوَهِ آیَاتِکَ. وَ اعْمُرْ لَیْلِی بِإِیقَاظِی فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ، وَ تَجَرُّدِی بِسُکُونِی إِلَیْکَ، وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِی بِکَ، وَ مُنَازَلَتِی إِیَّاکَ فِی فَکَاکِ رَقَبَتِی مِنْ نَارِکَ، وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ. وَ لَا تَذَرْنِی فِی طُغْیَانِی عَامِهاً، وَ لَا فِی غَمْرَتِی سَاهِیاً حَتَّی حِینٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِی عِظَهً لِمَنِ اتَّعَظَ، وَ لَا نَکَالًا لِمَنِ اعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَهً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمْکُرْ بِی فِیمَنْ تَمْکُرُ بِهِ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِی غَیْرِی، وَ لَا تُغَیِّرْ لِی اسْماً، وَ لَا تُبَدِّلْ لِی جِسْماً، وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُواً لِخَلْقِکَ، وَ لَا سُخْرِیّاً لَکَ، وَ لَا تَبَعاً إِلَّا لِمَرْضَاتِکَ، وَ لَا مُمْتَهَناً إِلَّا بِالِانْتِقَامِ لَکَ. وَ أَوْجِدْنِی بَرْدَ عَفْوِکَ، وَ حَلَاوَهَ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ رَیْحَانِکَ، وَ جَنَّهِ نَعِیمِکَ، وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَهٍ مِنْ سَعَتِکَ، وَ الِاجْتِهَادِ فِیمَا یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ، وَ أَتْحِفْنِی بِتُحْفَهٍ مِنْ تُحَفَاتِکَ. وَ اجْعَلْ تِجَارَتِی رَابِحَهً، وَ کَرَّتِی غَیْرَ خَاسِرَهٍ، وَ أَخِفْنِی مَقَامَکَ، وَ شَوِّقْنِی لِقَاءَکَ، وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحاً لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوباً صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِیَهً وَ لَا سَرِیرَهً.)

*****مناسک حج (فارسی): ۳۹۹

(وَ انْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِی لِلْمُؤْمِنِینَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِی عَلَی الْخَاشِعِینَ، وَ کُنْ لِی کَمَا تَکُونُ لِلصَّالِحِینَ، وَ حَلِّنِی حِلْیَهَ الْمُتَّقِینَ، وَ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْغَابِرِینَ، وَ ذِکْراً نَامِیاً فِی

الْآخِرِينَ، وَ وَافِ بِی عَرْصَهءَ الْأَوَّلِینَ. وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ، عَلَیَّ، وَ ظَاهِرْ کَرَامَاتِهَا لَدَیَّ، امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِکَ یَدِی، وَ سُقْ کَرَائِمَ مَوَاهِبِکَ إِلَیَّ، وَ جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ، وَ جَلِّلْنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّهءِ لِأَحِبَّائِکَ. وَ اجْعَلْ لِی عِنْدَکَ مَقِیلًا آوِی إِلَیْهِ مُطْمَئِنّاً، وَ مَثَابَهءً أَتَبَوَّؤُهَا، وَ أَقَرُّ عَیْناً، وَ لَا تُقَایِسْنِی بِعَظِیمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِکْنِی یَوْمَ تُبْلَی السَّرَائِرُ، وَ أَزِلْ عَنِّی کُلَّ شَکٍّ وَ شُبْهَهءٍ، وَ اجْعَلْ لِی فِی الْحَقِّ طَرِیقاً مِنْ کُلِّ رَحْمَهءٍ، وَ أَجْزِلْ لِی قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِکَ، وَ وَفِّرْ عَلَیَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِکَ. وَ اجْعَلْ قَلْبِی وَاثِقاً بِمَا عِنْدَکَ، وَ هَمِّی مُسْتَفْرَغاً لِمَا هُوَ لَکَ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَکَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِی عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَکَ، وَ اجْمَعْ لِیَ الْغِنَی وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَهءَ وَ الْمُعَافَاهءَ وَ الصِّحَّهءَ وَ السَّعَهءَ وَ الطُّمَأْنِینَهءَ وَ الْعَافِیَهءَ. وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِی بِمَا یَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ، وَ لَا خَلَوَاتِی بِمَا یَعْرِضُ لِی مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِکَ، وَ صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ، وَ ذُبَّنِی عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِینَ. وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیراً، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَداً وَ نَصِیراً، وَ حُطْنِی مِنْ حَیْثُ لَا أَعْلَمُ حِیَاطَهءً تَقِینِی بِهَا، وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ تَوْبَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رِزْقِکَ الْوَاسِعِ، إِنِّی إِلَیْکَ مِنَ الرَّاغِبِینَ، وَ أَتْمِمْ لِی إِنْعَامَکَ، إِنَّکَ خَیْرُ الْمُنْعِمِینَ وَ اجْعَلْ بَاقِیَ عُمُرِی فِی الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهءِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ، یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ، وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِینَ.»)

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۰

صفحه فارغه

(مطابق للمطبوع)

*****مناسک حج (فارسی): ۴۰۱

دعاء امام زین العابدین(علیه السلام) در روز عرفه

مناسک حج

*****مناسک حج (فارسی): ۴۰۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹